



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
آکادمی علوم افغانستان

تأثیرات تغییر ارزشی پول
در معاملات اقتصادی

نویسنده : سرمحقق محمد ناصر (ناصر ستانکزی)

سال ۱۳۸۳

کابل - افغانستان



دولت جمهوری اسلامی افغانستان

اکادمی علوم افغانستان

مرکز علوم اجتماعی

انستیتوت اقتصاد



تائیرات تغییر ارزش پول در معاملات اقتصادی

نویسنده: سر محقق محمد ناصر "ناصر ستانگری"

کابل - افغانستان

سال ۱۳۸۳



AFGHANISTAN CENTRE AT KABUL UNIVERSITY



3 ACKU 00013986 4



مشخصات کتاب :

- اسم کتاب : تأثیرات تغییرات ارزش پول در معاملات اقتصادی
- نویسنده : سر محقق محمد ناصر (ناصر ستانکزی)
- ناشر : ریاست نشرات اکادمی علوم افغانستان
- موضوع : عبادالله (عبید)
- کمپیوز و دیزاین : محمد مسعود (یاسین)
- تیراژ : ۵۰۰ جلد
- سال : ۱۳۸۳

تقریظ:**به مقام محترم ریاست اکادمی علوم افغانستان!
قابل توجه ریاست محترم مرکز علوم اجتماعی!**

محترما، رساله علمی محترم معاون سر محقق محمد ناصر ((ناصر)) که تحت عنوان (تأثیرات ارزش پول و قیمت در معاملات اقتصادی) تحریر نموده است مطالعه نمودم. نظر اینجانب پیرامون این اثر علمی قرار ذیل تحریر میگردد.

اثر دارای پنج فصل است که در فصل اول آن نقش پول و قیمت در حیات اقتصادی جامعه بصورت همه جانبه بررسی و تحلیل گردیده است. تثبیت و سنجش ارزش استهلاکات اقلام مختلف دارائی در فصل دوم گنجانیده شده است. در فصل سوم عوامل عمده و مؤثر تعیین کننده قیمت ارزیابی گردیده است فصل چهارم محتوای سیاست های اقتصادی دولت در استقرار وضع اقتصادی است. در فصل پنجم سیر تکامل و انکشاف قیمت ها در افغانستان بصورت همه جانبه تحلیل گردیده است.

این اثر دارای مقدمه و نتیجه گیری نیز بوده که از ۳۹ کتاب، مجلات و آثار علمی از آن استفاده بعمل آمده و تمام ضوابط پرنسیپ های تحریریک اثر علمی در آن بصورت دقیق مراعات گردیده. تسلسل علمی و ارتباط منطقی موضوعات مندرجه در نظر گرفته شده است اثر به نحو روان و سلیس فورمول بندی گردیده است.

مطالعه این رساله تنها برای محققین، دانشمندان و محصلان دارای اهمیت است بلکه در عمل نیز میتوان بمنظور حل پرابلم های اقتصادی از آن استفاده خوبی نمود چه یکی از معضلات مهم اقتصادی کشور ما همانا عدم استقرار سطح قیمت و ارزش پول است. ناگفته نباید گذاشت که مولف یکعده پیشنهادات اینجانب را در مورد تعدیل بعضی موضوعات در نظر گرفته است.

من چاپ این رساله علمی را اکیداً بمقام محترم اکادمی علوم سفارش نموده موفقیت بیشتر مولف را در تهیه همچو آثار علمی خواهانم.

با احترام

دوکتور نذیر احمد شهیدی

استاد پوهنچی اقتصاد

تقریظ:

کتاب بنام (تأثیرات تغییر ارزش پول و قیمت در معاملات اقتصادی) در (۱۵۲) صفحه تأییدی شامل مقدمه پنج فصل، نتیجه گیری بوده که در آن از (۳۹) مأخذ معتبر داخلی و خارجی استفاده شده است.

در فصل اول (نقش پول و قیمت در حیات اقتصادی جامعه) اهمیت پول و وظایف پول مفهوم قیمت و نقش آن در اقتصاد مفصلاً بحث صورت گرفته است.

در فصل دوم (تعیین و سنجش استهلاک در اقلام مختلف دارایی ها) انواع دارائی ها و طرق (میتود) های مختلف تعیین و سنجش استهلاک ارزش دارائیهای معمول در اقتصاد جهانی مورد ارزیابی همه جانبه قرار گرفته است.

در فصل سوم (عوامل عمده و موثر تعیین کننده قیمت ها) راجع به اهمیت و مفهوم قیمت بمثابه افاده پولی در عرصه دوران - نرخ تبادل اسعار و مداخله دولت در استقرار قیمت تفصیلات لازم داده شده است.

در فصل چهارم (سیاست اقتصادی دولت در استقرار قیمت) سیاستهای مالی پولی و تجارتنی دولت و اشکال مداخله آن در استقرار قیمت توضیح گردیده است.

در فصل پنجم (سیر تکامل و انکشاف قیمت ها در افغانستان یک نظر تاریخی راجع به قیمت در ادوار مختلف تاریخی قرن جاری انداخته شده و در بخش شاخص قیمت و میتود های مختلف علمی تعیین شاخص قیمت تأمل بیشتر صورت گرفته است.

در اخیر مؤلف نتیجه گیری های نموده است که به نظر اینجانب مطابق به اصول و اوضاع کنونی کشور مفید میباشد.

اثر دارای یک تعداد غلطی ها و اشتباهات تخنیکی و محتوانی بوده که با مؤلف در میان گذاشته شده و او شان آنرا تصحیح نمودند.

چون موضوع استقرار قیّم در شرایط کنونی کشور خیلی ها مبرم و حیاتی میباشد بعقیده ما کار مؤلف درین زمینه قابل قدر بوده و این اثر میتوان یک اثر تحقیقی و علمی شمرده که امید است پژوهشگران و کارمندان مؤسسات اقتصادی کشور محصلان از آن در عرصه های فعالیت های نظری و عملی استفاده خوبی نمایند.

با احترام

معاون سر محقق

دوکتور حفیظ الله (قریشی)

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	مقدمه :
۱۵	فصل اول: مفهوم و نقش پول و قیمت در حیات اقتصادی و اجتماعی جامعه
۱۶	اول: مفهوم و نقش پول
۲۰	دوم: نقش و اهمیت قیمت در حیات اقتصادی جامعه
۲۸	فصل دوم: تثبیت و سنجش استهلاکات در اقلام مختلف دارائی ها
۲۸	اول: دارائی ها و میتود های تثبیت ارزش دارائی ها
۴۸	دوم: نقش سنجش استهلاکات در تثبیت ارزش دارائی ها
۶۶	فصل سوم: عوامل عمده و مؤثر تعیین کننده قیمت ها
۶۶	اول: قیمت به مثابه افاده بولی ارزش
۶۹	دوم: نقش عرضه و تقاضا
۸۲	سوم: عرضه پول و دوران پول
۸۸	چهارم: نرخ تبادل و یا نرخ اسعار
۹۱	پنجم: مداخله و رهنمائی دولت در تعیین قیمت ها
۹۷	فصل چهارم: سیاست های اقتصادی دولت در استقرار وضع اقتصادی
۹۷	اول: سیاست مالی
۱۰۶	دوم: سیاست بولی
۱۱۵	سوم: سیاست تجارتي
۱۱۹	فصل پنجم: سیر تکامل و انکشاف قیمت ها در افغانستان
۱۱۹	اول: وضع قیمت ها در مسیر تاریخ
۱۲۰	۱- وضع قیمت ها قبل از سال ۱۳۰۰ (هـ. ش)
۱۲۳	۲- وضع قیمت ها از سال ۱۳۰۰ الی ۱۳۳۲ (هـ. ش)

صفحه	عنوان
۱۲۴	۳- وضع قیمت ها از سال ۱۳۳۲ الی ۱۳۶۷ (هـ. ش.)
۱۳۴	دوم: اهمیت و میتودولوژی شاخص قیم
۱۳۴	۱- اهمیت شاخص قیم در اقتصاد و جامعه
۱۳۵	۲- میتود های عمده شاخص قیم
۱۴۵	۳- میتودولوژی شاخص قیم در افغانستان
۱۵۱	نتیجه گیری:

مقدمه:

بعد از جنگ دوم جهانی برای چاره جویی مشکلات اقتصادی که دامنگیر اکثر ممالک اروپایی شده بود انگیزه ایجاد مؤسسات بین المللی میان آمد اقتصاددانان و پلان گذاران جهان را متوجه حل مسأله اقتصادی ممالک روبه انکشاف ساخت همچنان برای ترمیم خرابی ها و جبران پسمانی ها و تجدید وضع اقتصادی ممالک جنگ دیده یک تعداد سازمان های بین المللی با روحیه تنظیم کنفرانس ها و قرارداد های بین المللی ایجاد گردید که بعضی ازین سازمان ها مسأله اقتصادی و پولی بوده. که از جمله آن کنفرانس ها یکی آن قرارداد برتین و دز است که یکی از موافقتنامه های سازمان های بین المللی در سناحه مالی و پولی بوده که بعد از جنگ جهانی دوم در تابستان سال ۱۹۴۴ - با اشتراک نمایندگان ۴۵ کشور در برتین و دز واقع ایالت نیوهمشیر امریکا تشکیل و بالاخره منجر به تأسیس صندوق و جهی بین المللی جهانی (IMF) و بانک جهانی (IBRD) گردید این جلسه در تاریخ پولی سابقه طولانی دارد.

صندوق و جهی بین المللی در ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۵ بعد از تصویب قرارداد برتین و دزد و اشنگتن تأسیس شد و منظور آن افزایش همکاری پولی میان دولت ها توسعه تجارت بین المللی، تثبیت نرخ اسعار عمده جهان ایجاد سیستم چند جانبه تادیات و لغوویا کاهش محدودیت های اسعاری و اعطای کمک های قصیرالمدت به کشور های بود که دچار مشکلات در بیلانس تادیات بودند.

صندوق و جهی بین المللی برای تسهیلات در تبادلات بین المللی ممالک عضو طلا و اسعار مورد ضرورت را در مقابل پول ملی آنها فروخته و آنها را در

مسائل مالی و پولی رهنمائی می نماید سرمایه صندوق از حق السهم ملل عضو تأمین میگردد.

بانک بین المللی ترمیم و توسعه (IBRD) یا بانک جهانی در ۲۷ دسامبر ۱۹۴۵ در واشنگتن تأسیس گردید. و بعد از طی مراحل - اولین جلسه رسمی آن در شهر سواتا در ایالت جورجیا امریکا منعقد گردید. در آن وقت تنها ۳۸ کشور اساسنامه بانک را که در کنفرانس برتین و دز تهیه شده بود امضا کردند و بعد از آنکه اهداف آن در اساسنامه بانک روشن گردید به تعداد اعضای آن افزوده شد و امروز گفته میتوانیم که تقریباً اکثر ممالک جهان عضویت آنرا دارند.

صندوق و جهی بین المللی با وجود داشتن وظایف در ساحه پولی و اسعاری اهداف و مرام های دیگری از قبیل کمک به خرابیهائیکه در زمان جنگ بوقوع پیوسته کمک به ممالک عقب مانده حل معضلات بیکاری و مسائل امور تجارتي را بدوش داشته خصوصاً فعالیت آن متوجه مسائل تجارتي گردید چنانچه در اکتوبر سال ۱۹۴۶ یک کمیسیون مقدماتی در لندن تأسیس به تعقیب آن در سال ۱۳۴۷ یک کنفرانس در ژینو تأسیس گردیده و بالاخره منجر به موافقتنامه تعرفه های گمرکی و تجارتي شد این بانک به پروگرام های تولیدی و انکشافی که از طرف ممالک عضو در خواست و پیشنهاد میگردد قرضه می دهد و در پهلوی آن به تضمین قرضه دهنده می پردازد.

منابع اصلی سرمایوی بانک عبارت از سرمایه ممالک عضو ربح قرضه هائیکه به دیگر ممالک داده میشود و از مفادیکه از بعضی خدمات پولی بدست میآورد، میباشد. این بانک دارای بعضی مؤسسات مربوطه نیز میباشد که هدف عمده شان کمک اقتصادی و اعطای قرضه ها و مسائل تعمیراتی طبق اساسنامه شان میباشد با در نظر داشت سازمان های پولی بین المللی موضوع مهم و جالبی که امروز همه جهان را

متوجه آن ساخته عبارت از حل مسأیل و مشکلات است که از عدم توازن بیلانس تجارت، عدم همکاری همه جانبه در ایجاد یک نظام پولی مستحکم برای استقرار تعادل در مناسبات اقتصادی بین المللی بوجود آمده، می باشد.

باید یادآور شد که در هر نظام پولی بین المللی وجود قوانین و مقررات طبعاً آزادی ممالک را در تعیین سیاست اقتصادی خارجی محدود میسازد که یکی از این مقررات در حصر تعیین ارزش خارجی پول هر کشور کاملاً در اختیار خود آن کشور نمیباشد و هم این ارزش مستقیماً ذریعه اسعار ممالک دیگر تعیین و تثبیت نمیگردد ولی در تعیین نرخ اسعار مثل قیمت همه اشیاء و خدمات شرایط عرضه و تقاضا و عوامل مربوطه نیز مؤثر است هیچ کشور نمیتواند مطمئن باشد که سیاستش در تعیین نرخ اسعار خارجی مستقل و از تصامیم و سیاست های سایر ممالک بایدار و یا غیر بخش گردد.

طوریکه قبلاً ذکر شد قرار داد برتین که به موجب آن نظام پولی بین المللی بعد از جنگ خصوصاً برای آن کشور هائیکه دارای کسریبیلانس اسعاری بودند بوجود آمد از نظر پولی ممالک مدیون زیادتیر طرف توجه شان بود و در حصر مسأیل پولی کشور های داین آنقدر مسؤولیت بخود راه نداده بودند و یا به عباره دیگر ممالکی که دارای مازاد بیلانس اسعاری بودند این قرارداد برای شان شکل یکطرفه ای داشت ممالکی که دارای کسریبیلانس اسعاری بودند مجبوراً با اثر اتخاذ پروگرام ها و تصامیم لازم اقتصادی تضمین های خود را محدود ساخت در نتیجه با گذشت زمان با عقد قرارداد برتین وودز ممالک داین و مدیون هر کدام در باره استفاده جویی اقتصادی جستجوی راه های خاصی شدند چه قرارداد مذکور در پشت پرده باعث بوجود آمدن رقابت ها گردید.

کشور های غرب هر کدام می کوشیدند که قرارداد بین المللی را به نفع خود تغییر کیفیت دهند و از مرانامه های شان به مصالح ملی و تعقیب عقاید نفع جویانه خود در چارچوب هدف های قرارداد از نظر فنی و سیاسی استفاده بیشتر نمایند.

مشکل اصلی در اصلاح نظام پولی این است که جنبه های سیاسی نسبت به مشکل فنی زیادتر تبارز می کند مشکلات و پرابلم های عمده درین جاست که اکثر ممالک به اسانی حاضر نیستند سیاست های اقتصادی داخلی را فدای مقررات و یا تعهدات بین المللی سازند.

بیمورد نخواهد بود عقاید و سیاستهای پولی کشور های انکشاف یافته و کشورهای در حال انکشاف را که درین اواخر علیه یکدیگر و پایه طرفداری یکدیگر پرداخته بطور مختصر بیان گردد.

ممالک اروپای غربی معتقد اند که امریکا در سایه حاکمیت بیک پول جهان شمول مثل دالر توانسته است نظام پولی دنیا را از پایه خارج ساخته و پایه دالر را محکم و مستقر سازد و نتیجه استقرار قدرت دالر در جهان اینست که ایالات متحده امریکا میتواند بیلانس اسعاری خود را به اسانی ذریعه انتشار پول و افزایش قرضه ها تعدیل نماید و صاحب بیلانس اسعاری قوی گردد. و به این ترتیب نه تنها مصارف بین المللی و کمک های خارجی خود را بدون توصل به پرداخت طلا و اسعار تأمین میدارد بلکه شرکت ها و فعالیت های تولیدی اروپایی را یکی بعد دیگر واسطه پرداخت دالر زیر سلطه و نفوذ خود در آورده و آتش تورم را در همه جا دامن می زند.

دولت امریکا در مقابل عقاید و نظریات جهانیان به دفاع برخاسته اظهار میدارد که امریکا اکثراً مصارف ممالک اروپائی غربی را بدوش داشته جاپان همیشه از محصولات زراعتی امریکا استفاده می نماید و در پهلوی آن امریکا مصارف دفاعی جهان آزاد را متقبل شده و برای اکثر ممالک در حال رشد کمک می نماید و در حصه کسر بیلانس اسعاری شان سهم ارزنده میگیرد بنابر دلایل فوق دالر باید بحدیث یک پایه پولی بین المللی قبول شود و نرخ آن باید ثابت باشد و نرخ اسعار سایر کشور ها باید پایه دالر تعیین و تثبیت گردد. (۲۹)

حال باید دید که کشور های در حال رشد در مقابل این پروسه چه نوع عکس العملی از خود نشان میدهند کشورهای در حال رشد بطور کلی از دو نظر متفاوت اظهار عقیده مینمایند طرفداران امریکا عقیده دارند که چون جهان سوم هنوز دچار کمبود سرمایه و بدون پول قوی است و بدون ذخایر پولی کمک های خارجی قادر به بهبود وضع اقتصادی و پولی خود نیستند و مخالفین نظر امریکایی، به این عقیده اند که امریکا در برابر سیاست های پولی خود بیشتر از همه به مسایل سیاسی و مصارف دفاعی متوجه است. امریکا میکوشد که ذریعه سیاست های سرسام اور پولی و اقتصادی جهان را تحت تسلط و نفوذ خود بیاورد و از طرف دیگر اکثر ممالک در حال انکشاف معتقد اند که ممالک سرمایه داری در اعطای کمک های خارجی ولو که از مؤسسات بین المللی هم باشد به مقابل ممالک روبه انکشاف از تنگ نظری کار میگیرند و آرزو ندارند که کشور های در حال رشد از کمک های مؤسسات بین المللی بطور عادلانه استفاده نمایند خصوصاً ممالک سرمایه داری اروپا و امریکا مایل نیستند که چنین امتیازی را بیک سازمان بین المللی واگذار شوند و اقتصاد داخلی خود را تحت نفوذ چنین دستگاه ها قرار دهند و نفوذ و قدرت سیاسی موجوده خود را در ممالک روبه انکشاف از دست بدهند و برخی اظهار عقیده میکنند که ادامه کمک های خارجی امریکا به جهان سوم مستلزم آنست که نرخ دالر نسبت به دیگر اسعار طوری تعیین و تثبیت گردد که امریکا در بیلانس تجارتي خود همیشه مازاد داشته باشد تا بتواند ازین مازاد ممالک در حال رشد را مستفید ساخته و در نتیجه آنها را مطیع و تحت فرمان خود سازد. و این راهم باید تذکر داد که ممالک غربی نه تنها در مقابل سیاست های پولی خود دچار مشکلات بوده بلکه در مسایل عمده اقتصادی مانند اشتغال کامل کنترل و نظارت بر مزد و قیمت ها و غیره نیز چندان موفق نیستند.

کشورهای در حال رشد به پرابلم های اقتصادی مانند سطح نازل تولید، عواید، قلت سرمایه، بطنی بودن رشد اقتصادی و بیکاری مخفی و غیره روبرو است در مقابل جهان غرب نیز به بعضی ناملايمات اقتصادی از قبیل بیکاری مزمن، تورم پولی،

نوسانات در بیلانس اسعاری و دیگر پرابلم ها دست و گریبان میباشد چه اینها تعهد می سپارند که اشتغال کامل را در سطح کشور تأمین وهم کنترل و نظارت مؤثر را در تعیین مرزها و قیمت ها تأمین نموده و از تورم و تعادل در بیلانس اسعاری جلوگیری مینمایند ولی واقعات و گذشت زمان گواه است این تعهدات و پلان صرف بر حرف استوار بوده است و بس، چه این تعهدات و برنامه ها نه تنها به شکست مواجه شد بلکه مشکلات و پرابلم های غیر پیشبینی شده را نیز در قبال خود بارمغان آورد، چنانچه اشتغال کامل را در پلان های اقتصادی و اجتماعی خود به سطح ملی نوید میدهد ولی در عمل دیده می شود که همیشه در طول سالها به میلیون ها نفر از بیکاری داد میزند.

ممالک جهان برای رافع مشکلات و پرابلم های ذات البینی روز افزون اقتصادی - اجتماعی و سیاسی خود مجبور با اتخاذ تدابیر و تأسیس مؤسسات و تنظیم کنفرانس های بین المللی و یا اختصاصی گردیده و هم روز بروز به تأسیس مؤسسات بین المللی جهت حل مسایل عمده جهانی و رهنمود های لازم برای جهان اقدام می ورزند. خصوصاً ممالک روبه انکشاف که زیاده تر تحت فشار و مشکلات اقتصادی روز افزون در جهان قرار میگیرند برای رهایی از مشکلات عمده به تأسیس همچو مؤسسات بین المللی علاقه مند هستند به ارتباط موضوع یکی از مشکلات عمده ممالک روبه انکشاف را میتوان در نظام پولی بین المللی مشاهده کرد.

این ممالک ششمین جلسه خاص اسامبله عمومی ملل متحد را مکلف میسازد تا ریفورم های لازم را در مورد سیستم پولی و مالی بین المللی، در ساحه ریفورم های سیستم پولی بین المللی، بهبود و اصلاحات در وسایل مالی، رفع یا کاهش پرابلم های اعاده قروض ممالک روبه انکشاف جریان مساعد پولی و تعیین منابع مالی را رویکار آورند. درین جلسه کشور های جهان سوم خواهان تعویض نظم اقتصادی بین المللی

که به اساس نا برابری تسلط وابستگی و نفع خودی بنا یافته توسط نظم جدید متکی باصول مساوات و برابری - تساوی حاکمیت همبستگی منافع مشترک و همکاری بین دولت ها صرف نظر از سیستم های اقتصادی واجتماعی آنها و یا توجه به اوضاع کشور های روبه انکشاف در چوکات روابط اقتصادی بین المللی و حجم روزافزون مقروضیت ممالک روبه انکشاف این حقیقت میرساند که کمبود سیالیت یک معضله برای این کشور محسوب میگردد. گرچه صندوق وجهی بین المللی برای این مرام که پرابلم سیالیت و تقویم کسر در تادیات جهان را کاهش دهد - ایجاد گردیده اما تا اکنون نتوانسته که در راه حل پرابلم های سیالیت ممالک روبه انکشاف مؤثر واقع گردد گرچه مقررات صندوق ظاهراً به نفع ممالک روبه انکشاف بوده ولی در نهایت امر فعالیت این مؤسسه منعکس کننده منافع کشورهای پیشرفته غربی میباشد. (۲۵)

مطالعه و تحقیق اوضاع ممالک روبه انکشاف در چوکات روابط اقتصادی بین المللی کشورهای جهان سوم را باین واداشته که در ایجاد یک نظم جدید در روابط اقتصادی بین المللی خواسته های خود را بطور علنی در یک کنفرانس بین المللی مطرح سازند و برای اولین بار در کنفرانس ملل متحد در مورد تجارت و انکشاف (UNCTAD) که در سال ۱۹۶۴ در ژینو در باره ریفورم همه جانبه راجع به سیستم پولی بین المللی تشکیل جلسه داد به طرفداری خود ارائه داشتند بعد از کنفرانس دوم ملل متحد در مورد تجارت و انکشاف کشور های گروپ (۷۷) برای یافتن راه ها جهت غلبه بر مشکلات باعث دایر شدن چندین کنفرانس گردیده (چون در هنگام انعقاد (UNCTAD) تعداد کشور های سهم گیرنده به (۷۷) میرسید ازین رو به کشورهای گروپ (۷۷) یاد شده اند) کشور های جهان سوم برای رسیدن به خواسته هایشان کوشیدند تا کنفرانس تجارت و انکشاف در سال ۱۹۶۸ در دهلی جدید در سال ۱۹۷۲ در (سانتیاگو) و در سال ۱۹۷۶ در نایروبی و در سال ۱۹۷۹ در مانیلا انعقاد یابد.

در چارچوب نظم نوین اقتصاد بین‌المللی که مفکوره اساسی آن در وسط سال ۱۹۷۰ میان آمد ولی سوابق آن طولانی‌تر می‌باشد. در ریفورم همه‌جانبه نظام پولی بین‌المللی نخست اینها خواهان تغییرات اساسی در سیستم پولی بین‌المللی شدند و مدعی شدند که باید توازن در پرداخت‌های بین‌المللی بوجود آید چه عدم توازن در پرداخت‌های بین‌المللی ناشی از عوامل خارجی (ساختمان روابط تجارتنی بین‌المللی و سیستم پولی جهانی) می‌باشد و از پالیسی مالی و پولی نامناسب داخلی سرچشمه نمی‌گیرد. ثانیاً برای سرمایه‌گذاری انکشافی بیشتر و طولی‌مدت در یافت منابع مالی بیشتر و ایجاد تسهیلات تمویلی صندوق و جبهی بین‌المللی را خواهان اند. ثالثاً کشور های جهان سوم خواهان ایجاد سیالیت بطور منظم و به حد لازم از طریق حق برداشت مخصوص اند تا ازین طریق وجوه مورد ضرورت را برای اهداف سرمایه‌گذاری طولی‌مدت به دسترس داشته باشند. رابعاً این کشور ها خواهان توزیع (SDR) حق برداشت مخصوص باساس ضرورت و نیازمندی های واقعی کشور های و به انکشاف در سیالیت می‌باشند نه متکی به سهمیه موجود آنها که در صندوق دارند. (۳۷)

در پهلوی خواسته های فوق که ارزوی دیرینه آنها را تشکیل می‌دهد این کشور ها خواهان اقدامات به سطح جهانی بوده تا مانع انتقال انفلاسیون از کشور های پیشرفته به کشور های جهان سوم گردد زیرا تشدید انفلاسیون ممالک پیشرفته همیشه در تشدید انفلاسیون ممالک روبه انکشاف مؤثر بوده و ممالک روبه انکشاف در تلاش اند که تدابیر ضد انفلاسیون را در مقابل، اتخاذ نمایند و همچنان کشور های جهان سوم خواهان از بین رفتن رابطه بین سهمیه و قدرت رای دهی در صندوق و جبهی بین‌المللی هستند تا کشور های مذکور نیز در پروسه تصمیم‌گیری در ارتباط مسایل پولی بین‌المللی سهم مؤثر و فعال داشت باشند. (۳۷)

بطور کلی در کشور های سوسیالیستی چون پلان های تمام بخش های اقتصادی بر اصل مرکزیت استوار است و همه مسایل اقتصادی و پولی شان تحت رهنمائی های

شورای تعاون اقتصادی و همکاری متقابل و دیگر سازمان های مربوطه باساس ماهیت روابط اقتصادی بین دولت های سوسیالیستی و دیگر جوامع مترقی که مبنی بر اصول انترناسیونالیستی میباشد انجام می پذیرند و در این کشور ها پرابلم ها و کشمکش های پولی که در دیگر جهان مخصوصاً کشور های روبه انکشاف دیده میشود بان شدت و چود ندارد. کشور های جهان برای رفع مشکلات و پرابلم روزافزون اقتصادی - اجتماعی و سیاسی خود مجبور بايجاد و تاسیس مؤسسات و تنظیم کنفرانس های بین المللی و اختصاصی گردیده و روزبروز توجه شان به تاسیس مؤسسات بین المللی جهت حل مشکلات سیاسی عمده جهان و رهنمود های لازم بین المللی معطوف گردیده است ولی باید متذکر شد که بالاثر ایجاد چنین سازمان ها تا اکنون کلید حل مشکلات ممالک جهان با الخصوص ممالک در حال رشد به دست نیامده است.

سازمان های بین المللی با وجود جد و جهد طوریکه اساس و اصول این ها حکم می کند وظایف خویش را در قبال کشور های روبه انکشاف انجام نداده اند اختلاف نظر و توقعات ممالک مختلف در نظام پولی چنان وسعت پیدا کرده که ایجاد وحدت نظروتأمین یک نظام پولی جهان پذیر بسهولت و سرعت بیشتر امکان پذیر نخواهد بود ولی چون همه ممالک جهت ثبات وضع اقتصادی و پولی آینده خود در تلاش اند احتمال مصالحه میان نظریات فعلی از امکان بعید نیست کشور های جهان مجبور اند تا یک راه علمی برای رهائی از مشکلات فعلی دریابند تا در ایجاد همکاری بین المللی و جلوگیری از بحران های پولی سهم بارزو ارزنده داشته باشند.

برای ایجاد مصالحه بین نظریات متذکره فوق بعضی ها یک نظام قوی پولی که متضمن روابط سازگار آینده پولی و تجارتي جهان باشد و مشکلات تجارتي و اسعاری ممالک جهان را موفوع ساخته بتواند طرفدار می کنند و جهت برآوردن یک نظام قوی پولی بین المللی وقتاً فوقتاً پیشنهادات مخصوصی را ارائه داشته اند. (۳۷)

اهداف عمده روش تحقیق و نظری بمنابع عمده تحقیق:

اول: اهداف عمده، این اثرا مطالعات و تحقیقات پیرامون موضوعات مهم و دلچسپ اقتصادی که اعم مؤسسات، ادارات و اشخاص ذربط همه روزه بان سروکار دارند تشکیل میدهد که درک و شناخت آن در طرح پلانگذاری های اقتصادی، اتخاذ تصمیم لازم و مطلوب در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی پر اهمیت بوده و نتیجه گیری از آن برای متهدیان امور اقتصادی - اجتماعی و تجارتي و اداری شده میتواند و مطالب محتوی این اثر برای محققین و دانشپژوهان مؤسسات و ادارات مربوطه نیز پرارزش بوده و در رفع کاستی عایده وظایف محوله شان واقع میگردد و همچنان این اثر جهت تدریس در مؤسسات عالی پوهنتون ها و انستیتوت ها مورد استفاده وسیع قرار گرفته میتواند.

روش تحقیقی این اثر بمطالعه و جمع آوری معلومات و مطالب عمده از منابع و اسناد معتبر علمی و خارجی و داخلی استناد داشته و در جمع آوری معلومات از تماس ها و مصاحبه های مستقیم و غیر مستقیم با مؤسسات، ادارات و اشخاص و شعب مربوطه نیز استفاده گردیده است و بعد از جمع آوری معلومات و مطالب مربوطه مطالعات لازم بر موضوعات صورت گرفته و نتایج لازم بدست آمده است عمدتاً از کتب و منابع خارجی بخیث تیوری و شناخت اساسات - مفاهیم و میتود ها و از اثار ، کتب، مجلات روزنامه ها - سالنامه و دیگر اسناد داخلی در تمیه مطالب و محتوی اصلی این اثر استفاده اعظمی صورت گرفته است.

دوم: نظری به منابع عمده تحقیق و مطالعه: در تمیه مطالب این اثر از منابع معتبر خارجی و داخلی استفاده شده است، منابع خارجی مورد استفاده این اثر دارای ارزش علمی بوده و اکثراً ازین آثار در بعضی مؤسسات تحصیلی، پوهنتونها و ادارات

به حیث متن درسی استفاده شده است. عالمی بیول سمولسن (۷) یکی از دانشمندان مشهور اقتصاد است در کتاب خود بنام (اقتصاد - ۱۹۷۰) در فصل (۱۵) بموضوع قیمت و پول و روابط آن و در فصل های (۱۷) و (۱۹) موضوعات و مسایل سیاست های پولی و مالی نکات و مطالب مهم و پرارزش را بیان داشته که از جمله استقرار و ثبات قیم یک کشور را به ثبات ارزش پول آن کشور ارتباط داده و در ضمن ثبات ارزش پول را باعث ازدیاد و تشویق پس انداز ها و پس انداز هارا باعث ایجاد سرمایه که در حقیقت مؤید رشد اقتصادی آن کشور میباشد و انمود ساخته است و همچنان دانشمند مذکور تعادل بین عرضه و تقاضا و رابطه آنها را با شکل قیمت بصورت مفصل با ارقام و نمود اراهیایان نموده است.

به دانشمندان دیگر چون اصغر مهدوی در کتاب (علم اقتصاد - ۱۳۴۲) و زین العابدین شیدفر (۱۶) در کتاب خود بنام (اقتصاد در صنایع و فنون - ۱۳۴۲) چاپ دانشگاه تهران بموضوعات و مطالب پرارزش قیمت و نقش عرضه و تقاضا را در تثبیت قیمت و روابط متقابل انرا تشریح نموده اند و در کتاب های خود افزایش واقعی عاید ملی را زمانی مؤثر و مثبت و انمود داشته اند در صورتیکه جامعه از ثبات نسبی قیمت ها برخوردار باشد و در ضمن یاد آور شده اند که از صعود و نزول زیاد قیمت ها بعضی ها منفعت و بعضی ها ضررمی بینند و همچنان در کتاب های خود به قیمت محصولات زراعتی و صنعتی روشنی انداخته و اظهار داشته اند که چون تولیدات و محصولات زراعتی بیشتر از محصولات و تولیدات صنعتی تابع عوامل طبیعی و جوی میباشد و مداخله دولت را در امور قیمت و تولیدات زراعتی طرفداری کرده اند همچنان در کتاب مذکور موضوعات پولی و در ضمن نظریه مقداری پولی مورد بحث قرار گرفته و در بعضی موارد از نظریات علمای کلاسیک استفاده شده است.

دانشمند دیگر فضل الله اکبری (۹) در کتاب خود بنام (حسابداری صنعتی ۱۳۴۲) چاپدانشگاه تهران که از آن بحث یک منبع درسی در پوهنتون های ایران و در مؤسسات و ادارات بحث منبع تحقیقی و تطبیقی استفاده میگردد درین کتاب مسایل پول - موجودی ها و طرز سنجش استهلاکات همسه جنبه مورد بحث و ارزیابی قرار گرفته با ارائه مثال های لازم موضوعات را جنبه عملی و تطبیقی داده است.

باید متذکر شد که دانشمندان موصوف عمدتاً در آثار شان بموضوع قیمت که منحیث افاده پولی ارزش میباشد تماس نگرفته و از موضوع ارتباط قیمت با ارزش کنار رفته و از آن چشم پوشی نموده اند و اساساً عرضه و تقاضا را عنصر اصلی اساسی تشکل قیمت وانمود کرده اند به ارتباط موضوع باید گفت که فکتور های عرضه و تقاضا باعث تغییرات قیمت میشود و تشکل قیمت به ارزش و ارزش افزین (نیروی کار صرف شده) نیز تعلق میگیرد.

دانشمند دیگر هوشنگ نماوندی (۲۰) کتابی را بنام (اصول علم اقتصاد ۱۳۵۰) منتشره دانشگاه تهران چاپ کرد و در آن مطالب مهم را از قبیل اقسام دارائی ها، استهلاکات و طرز سنجش آن، و موجودی اموال و لوازم دولتی طرز سنجش موجود دارائی های دولت و همچنان تأثیرات ارزش موجودی ها و استهلاکات را به وضع بیلانس ها، مفاد و ضرر مؤسسه عاید ملی و غیره بصورت مفصل بیان داشته و مطالب و مسایل را ذریعه ارائه یک یک مثال تشریح نموده است و ذریعه ارائه مثال ها مسایل و مطالب کتاب بحث منبع عملی و تطبیقی جهت استفاده بیشتر مؤسسات و ادارات قرار گرفته میتواند.

دانشمندان مشهور دیگر بنام های سلسلی کش (۳) در اثر خود بنام (سروی نمونه گیری ۱۹۶۵) ووسل وولت (۶) در کتاب مشترک خود بنام (اساسات

احصائیه برای تجارت و اقتصاد (۱۹۶۱) نیز موضوعات مهم نمونه گیری ها در ساحات اقتصادی و اجتماعی اثر - تغییرات یک پدیده اقتصادی را بالای پدیده های دیگر اقتصادی مورد بحث همه جانبه قرار داده است و مطالب عمده شاخص ها با خلاصه میتود های شاخص قیم مواد فصلی و موسمی و مسایل نمونه گیری ها را بصورت مفصل بیان نموده اند.

باید متذکر شد که از کتب مذکور بجز یک منبع علمی در بعضی دانشگاه ها و پوهنتون ها استفاده میگردد. برزالدین یوری ملایویویچ (۲۱) یکی از دانشمندان سرشناس اتحاد شوروی اثر تحت عنوان (نرخ گذاری و ارزش محصولات ۱۹۷۵) به نشر رسانیده که در آن ارزش و تغییرات ارزش و قیمت و اثرات آن را بالای محصولات و تولیدات مورد ارزیابی قرار داده است و از آن بجز منبع تدریس در پوهنتون ها نیز استفاده میگردد.

از منابع داخلی که درین اثر استفاده شده زیادتر کتب داخلی، مجلات، روزنامه ها، سالنامه ها، و تماس و مصاحبه ها با صاحب نظران اهل رشته بوده که هر کدام آن بانوبه خود در تهیه معلومات و رقام معتبر داخلی پرارزش میباشد و درین منابع بموضوعات مربوطه کشور عزیز ما بیشتر استفاده گردیده است باید متذکر شد که بعضی ازین آثار و منابع در ساحه تطبیقی و تحقیقی کاستی هایی دارد که جهت رفع نارسائی آن، در اخیر این اثر نظریات و پیشنهادات لازم ارائه شده است.

این اثر دارای یک مقدمه و پنج فصل است که بر روش تحقیق و منابع عمده تحقیق در مقدمه توضحات بعمل آمده است. اول نقش پول و قیمت بصورت جداگانه تشریح گردیده است. درفصل دوم تعیین ارزش جنس و استهلاكات در دارائی که در آن تعیین ارزش اموال و دارائی ها و طرز سنجش استهلاكات و تأثیرات آن بالای حسابات دولت بصورت همه جانبه ارزیابی گردیده است. در فصل سوم عوامل عمده

و مؤثر بر تعیین و تثبیت قیمت ها از قبیل نقش عرضه و تقاضا، قیمت بمثابه افده پولی ارزش، عرضه پول و سرعت دوران پول، نرخ اسعار، مداخلات دولت در تعیین و تثبیت قیمت ها بیان گردیده است.

در فصل چهارم موضوعات و مسایل سیاست های اقتصادی دولت در استقرار اقتصادی که حاوی مطالب عمده سیاست های پولی مالی و تجارتي میباشد جروبخت همه جانبه صورت گرفته است. در فصل پنجم این اثر سیر تکامل و انکشاف قیمت ها در افغانستان که حاوی مطالب عمده سیر قیمت ها به سه کتگوری و میتود ولوژی ساختن قیم بیان شده مطالعات و ارزیابی های لازم صورت گرفته است و در اخیر از مطالب فصول متذکره نتیجه گیری بر ارتباط مسایل افغانستان صورت گرفته و کاستی ها در کار های مربوط مؤسسات و ادارات انگشت گذاری شده و در رفع کاستی ها نظریات و پیشنهادات مشخص و موجه ارائه گردیده است.

در اخیر قابل تذکر میدانم که در نگارش و تهیه این اثر سعی بعمل آمده تا مسایل پیچیده محتوای آن را بصورت ساده و روشن با ارائه یک یک مثال تشریح نمایم تا متصدیان امور با نظر داشت ایجابات عصر و زمان در کارهای مربوطه خود از آن استفاده کرده بتوانند و در ضمن آرزو برده میشود که اگر در تهیه و نگارش این اثر اشتباهات و کاستی های علمی و تاییبی رونما میگردد در ارائه نظریات و پیشنهادات مفید و مثمر خویش در زمینه مرا یاری رسانند. همچنان وجیه خود میدانم تا از دانشمندان مؤسسات و ادارات که مرا در تهیه محتوی و مطالب ان اثر کمک کرده اند از صمیم قلب از ایشان امتنان نمایم.

با عرض حرمت

معاون سر محقق محمد ناصر (ناصر)

فصل اول

نقش پول و قیمت در حیات اقتصادی جامعه:

مفاهیم پول و قیمت از قرن‌ها باینطرف زبان زد مردم جهاناست و امروز هم کمتر اشخاصی خواهند بود که به پول و قیمت سروکار نداشته باشند و در عصر حاضر مسایل مربوطه آن آنقدر وسیع و بغرنج گردیده که به دول و مردم جهان مسایل و پرابلم‌های زیاد را به بارآورده که جهانیان با همه قدرت‌های علمی و تخیلی دست داشته نتوانسته‌اند که به حل و رفع این مشکلات عاید به صورت قطع فایق آیند.

نقش‌های پول و قیمت در اقتصاد و جامعه آنقدر زیاد است که نمیتوان تمام آنها را تحت این عنوان گنجانید ولی باهم سعی بعمل آمده تا نقش‌های مهمی آنها را تحت دو عنوان جداگانه بصورت مختصر ذیلاً بیان نمود.

اول: مفهوم و نقش پول در حیات اقتصادی و اجتماعی جامعه:

در سازمان های اقتصادی که باصل تقسیم کار و تخصص استوار است تبادلات بوسیله پول انجام میگردد پول را میتوان یک وسیله تبادله و معیار ارزش دانست که قیمت ها، قروض و طلبات بوسیله آن اندازه گیری وتادیه میشود.

اگر گفته شود که پول وسیله مقیاس ارزش است معنی آن این است که سنجش اشیاء از نظر تعیین ارزش و قیمت سهولت را بار می آورد هر گاه کدام شی در بازار در نظر گرفته شود که برایش کدام واحد معین معیاری وجود نداشته باشد این شی بمقابل تمام اشیای دیگر دارای قیمت خاصی و مختلفی خواهد بود که تعداد قیمت این شی بمقابل دیگر اشیا را نمی توان به سهولت تعیین نمود ولی در صورتیکه یکی از این اشیا بجهت معیار و سنجش قرار گیرد درین صورت سنجش اشیا از نظر تعیین ارزش و قیمت آسان میشود.

علاوه بران باید گفت که پول خودش وسیله پرداخت قیمت میباشد ولی ممکن در ابتدا بصورت عملی قیمت یک شی را به پول تعیین و بعداً ذریعه اشیا دیگر بارزش، پول تعیین شده و با ارزش آن توسط خود پول تادیه گردد از این سبب که پول وسیله احتساب و وسیله تادیات میباشد.

بمرور زمان با پیشرفت علم و صنعت برای انتخاب پول بعضی مشخصات و صفاتی قابل شدند که میتوان آنرا بطور مختصر ذیلاً تذکر داد.

- استفاده از آن آسان بوده و هم سهولت از بین نرفته مواد تشکیل دهنده پول از نظر صفت فزیک و کیمیاوی باید همجنس باشد. به آسانی قابل تقسیم و هم اجزا و اضعاف آن باسانی قابل فهم و احتساب آن هم باسانی قابل شناخت باشد. پول منتخبه باید دارای وزن سبک و بالنسبه دارای ارزش زیاد و هم دارای قیمت ثابت باشد.

بمروور زمان به صفات و کیفیت پول و نحوه استفاده از آن انکشاف داده شد و پول کاغذی، بانکوت ها، و اقسام چک ها در چلند قرار گرفت. باینصورت افزایش اینگونه معاملات در فعالیت های پولی توسعه و انکشاف رونما میگردد که در نتیجه ازدیاد کار و فعالیت و جهت تصفیه حسابات اشخاص بانکها اتاق های تصفیه که بمروور زمان انکشاف و اهمیت آن در ممالک همیشه محسوس است رویکار آمده.

پول در تحول اقتصادی سهم بزرگ داشته، و امور مالی و بانگداری اشخاص و دول را تحت سلطه روز افزون خود قرار داده اند.

میان توسعه فعالیت های اقتصادی و افزایش وسایل پولی علل و معلولی وجود دارد باین سبب که افزایش تولید و مبادلات مستلزم افزایش پول میگردد و افزایش نسبی پول تولیدات مبادلات را افزایش میدهد.

قابل یادآوری است که تا سال ۱۹۱۴ در جهان نشر و چاپ پول کاغذی در تحت قواعد لازم و برای انجام امور عادی مروج بود اما آغاز جنگ جهانی اول پیروی از اصول قواعد مطروحه را از دست داده و در زمینه پولی و چاپ زیاد نوت ها از قالب قانون و اصول بر آمد و در مسایل پولی در کشور ها بی نظمی ها پدید آمد که علت مهم آنرا از بین رفتن معادلات پولی جهان میتوان وانمود ساخت.

افزایش پول در دوران تنها واقعه مشخص پولی امروزی نیست بلکه موضوع دیگری نیز بالای آن افزود گردیده که عبارت از تحرک و سرعت دوران پول است درینجا شکی نیست که هنوز هم در بعضی کشور ها و محیط ها بجمع اوری ونگهداری پول بمنظور اکتناز علاقه خاصی دارند اما موضوع مهم که تازه گی دارد این است که صاحبان پول میخواهند که از پول دست داشته خود مفاد بدست آرند و از چشمه های مفاد بطرق مختلف استفاده نمایند و گاهی بخرید اوراق و اسهام در

تراکم سرمایه گذاری و گاهی به خرید اوراق قرضه میادرت میورزند و همین طور فعالیت ها امور پولی روزبروز توسعه پیدا کرده و امروز تمام فعالیت ها و سیاست های اقتصادی مالی و بانکی از طریق و بانظر داشت مسایل مربوط پولی انجام میپذیرد.

یکی از نقش های مهم پولی در امور سرمایه داری و بانکی میباشد چه اکثر عملیات مربوطه به پول و یا اکثر سرمایهگذاری ها ذریعه بانک ها صورت میگردد. و هم بانکها برای گذاشتن پول طور امانات، حساب جاری، پس انداز و دیگر مقاصد و معاملات پولی خدمات لازم را بدوش دارند.... و خدمات لازم را در هر وقت و زمان برای اسهام شرکت ها و اسهام قرضه جهت سرمایه گذاری انجام میدهد و میتواند با بعضی وسایل تبلیغاتی مردم را جهت خرید اوراق قرضه دولتی تشویق و ترغیب نمایند به استناد فعالیت های روز افزون بانک ها که در نتیجه باعث افزایش مقدار و سرعت دوران پول میگردد توسعه یافته که با بعضی ازین فعالیت ها در چوکات کلی تحولات اقتصادی در جمله مؤسسات باقدرت مالی در آمده اند.

هر اندازه که مؤسسات صنعتی، تجارتي و زراعتی از طریق بانک ها به سرمایه گذاری ضرورت احساس می نمایند به همان اندازه کنترل زیادتری در امور بانکی و پولی رونما گردیده است. نظر به سهم فعالیت بانک ها در امور سرمایه گذاری ها که دولت به همکاری شان همیشه احتیاج دارد دارائی و عدم دارائی خزانه های دولتی ارتباط زیاد بوجود بانک ها و مؤسسات بزرگ مالی دارند.

در دوره معاصر تأثیر روز افزون فعالیت بانک ها با وجود سهم فعال آن در فعالیت های اقتصادی کشور، در حیات بین المللی و سیاست خارجی دول نیز مؤثر است اگر بحیات اقتصادی جهان نظر اندازی شود در طول تاریخ اقتصاد اکثر کشور ها تحت تأثیرنوسانات بزرگ عمومی رونق و رواج رکود و کساد بحرانی قرار گرفته

که میتوان یکی از عوامل مهم آنرا مربوط به مسایل پولی دانست. در زمان اضافه تولید و یا قلت مصرف موجب انبار شدن اشیا و تولیدات در گدام ها گردیده و باعث بی نظمی حیات اقتصادی گردیده است چنانچه اگر حیات اقتصادی جهانی را بصورت کلی نظر اندازیم از سال ۱۸۵۰ تا سال ۱۸۷۳ در ابتدا یک رونق و ترقی و انمود گردیده که علت عمده آنرا افزایش در طلای آنوقت میتوان جستجو کرد از سال ۱۸۷۳ تا ۱۸۹۶ بارثانی دوره نزولی نمایان گردیده که علت آنرا تقلیل در تولید طلا و مملو شدن بازارها از اشیای تولید شده تلقی داشته اند. بعد از آن فعالیت های جدید آغاز گردیده تا سال ۱۹۱۴ فعالیت های اقتصادی رونق گرفته و علت آنرا افزایش در تولید طلای جدید افزایش در مصارف صنعتی و افزایش و تجدید در تسلیحات دانسته اند و از سال ۱۹۱۸ به بعد عدم تعادل در حیات اقتصادی جهان چشمگیر شده که این عدم تعادل در سال ۱۹۲۹ باعث موجود آوردن بحران بزرگ، اقتصادی که در طول تاریخ سابقه نداشته گردیده است که سبب اصلی آنرا افزایش خارق العاده در تولید دانسته اند با اثر بروز مشکلات پولی و اقتصادی جهان است که جهت حل این مشکلات مؤسسات بخصوص، کنفرانس ها و سمینارها به سطح بین المللی دایر و بوجود آمده است چنانچه تاسیس صندوق وجهی بین المللی در سال ۱۹۴۴ بانک بین المللی ترمیم و توسعه در سال ۱۹۴۵ و کنفرانس ملل متحد در مورد تجارت و انکشاف در سال ۱۹۶۴ که متعاقباً در چارچوب نظم اقتصادی بین المللی انعقاد کنفرانس های تجارت انکشاف سال ۱۴۶۸ در دهلی جدید و در سال ۱۹۷۲ در سانتیاگو - در سال ۱۹۷۶ در نایروبی و در سال ۱۹۷۹ در مانیلا و در کنفرانس ها و سمینارهای دیگر که مسایل عمده آنرا حل مشکلات پولی در ساحه بین المللی تشکیل میداد شاهد این مدعا است. (۱۳، ۱۶)

دوم: نقش و رول قیمت در حیات اقتصادی جامعه.

در عصر حاضر دنیای امروز کمتر از اشخاص خواهند بود که به موضوع قیمت سروکار نداشته باشد. در جوامع اقتصادی قیمت است که مولدین را به تولید و مستهلکین را به - استهلاک سوق می نمایند... تصمیم مستهلکین در مقدار خرید و تصمیم مولدین در کمیت و کیفیت تولید تابع قیمت است.

مطالعه سیر تاریخی و ارزیابی قیمت بازگویی وقایع نسبی اقتصادی کشور بوده و تغییری از جگونگی رشد سایر ساحه های اقتصادی تلقی شده و رشد اقتصادی را در مسیر تاریخ رهنمائی میکند.

قیمت در حقیقت افاده پولی و ارزش است و موضوع قیم یکی از پدیده های مهم و دلچسپ اقتصادی را تشکیل میدهد چه مطالعه و نتیجه گیری از مطالعات قیمت ها یک رهنمائی خوبی برای متصدیان امور اقتصادی اجتماعی، تجارتی اداری و سیاسی بوده و تاثیر آن بالای سویه حیات مردم موضوع را مهمتر و دلچسپتر میسازد. مطالعه استقرار و ثبات نسبی قیمت ها در مسایل اقتصادی بانظر داشت نکات عمده ذیل با ارزش تلقی میگردد.

اول اینکه؛ افزایش عاید ملی در بلند بردن سطح زندگی طبقات مردم زمانی تاثیر مثبت خواهد داشت که باثبات نسبی قیمت همراه باشد زیرا در صورت افزایش قیمت ها افرادی که عاید ثابت دارند بیشتر متضرر میگردند.

دوم اینکه؛ افزایش بی تناسب قیمت ها سبب تغییر در وضع اقتصادی میگردد چه افزایش سریع قیمت ها منابع اقتصادی کشور را از مسیری که پیشینی گردیده منحرف ساخته و در نتیجه با ایجاد رونق کاذب کشور را بطرف رکود اقتصادی میکشانند باین صورت وصول به هدف رشد اقتصادی متوازن و متداوم را ناممکن میسازد و همچنان افزایش سریع قیمت ها پروژه ها و پروگرام های انکشافی دولتی و

مؤسسات را با مشکلات مالی روبرو ساخته و مصارف تولید را در پروژه ها بلند
میرد.

سوم اینکه؛ استقرار ثبات قیمت با اثر ایجاد در ارزش پول باعث پساندازها و
انباشت در سکتور های اقتصادی شده که در نتیجه این پس اندازها باعث بوجود
آمدن سرمایه که لازمه رشد و توسعه اقتصادی است میگردد در واقعیت امر،
شناخت قیمت و مطالعه تاریخی آن نشان دهنده تغییرات اقتصادی است که در ارشاد
پلانگذاری اقتصادی نقش عمده را به عهده داشته و به مقصد انکشاف امور و طرح
پالیسی اقتصادی مقایسه قیمت ها از نظر تورم تقلیل ارزش پول که در تعیین اندازه
رشد اقتصادی نقش عمده دارد حایز اهمیت بسزائی میباشد.

بیمورد نخواهد بود که راجع به صعود و نزول قیمت ها کمی ذکر بماند.
بطور خلاصه گفته میتوانیم که صعود قیمت ها به دورانی اطلاق میشود که
قیمت اشیا مصرفی و عوامل تولید بطور قابل ملاحظه بلند رود. تنزل قیمت ها
مربوط به زمانی است که قیمت اشیا و عوامل تولید بطور عموم کاهش نماید. در
دوران صعود و نزول قیمت ها تمام اشیا در یک سمت حرکت نمی کند همچنین صعود
و نزول قیمت ها بیک تناسب هم صورت نمیگیرد. صعود و نزول قیمت ها باعث
تغییرات مشخصی در شرایط اقتصادی از قبیل طرز توزیع عاید بین طبقات اقتصادی و
اندازه تولید میگردد. صعود قیمت ها به نفع مدیونین و طبقاتیکه عایدان از طریق
کسب و کار تامین میگردد و بضرر داینین و کسانی که دارای عاید ثابت باشند واقع
میگردد و تنزل قیمت ها تاثیر معکوس بالای طبقات فوق الذکر دارد برای
وضاحت موضوع یک مثال را در دوران صعود قیمت ها میاوریم اگر شخصی مبلغ
یک هزار افغانی را بکسی قرض داده باشد و در سال آینده پس قابل بازپرداخت باشد
اگر در طول این سال قیمت ها دوچند صعود نمود باشد مدیون در حقیقت نصف قوه

خریدی را که وی بقرض گرفته دوباره می پردازد درین دوره کسانی که دارای مزد و معاش و عاید ثابت میباشند دچار همین مشکل می گردند.

چهارم اینکه؛ افزایش ملایم قیمت ها معمولاً توأم با افزایش اشتغال است اگر صعود قیمت ها خفیف باشد چرخ های صنعت بهتر به کار افتیده و پلان کارخانه ها به ظرفیت نهائی آن تقرب میکند. سرمایه گذاری ها در سکتور خصوصی رونق یافته و کسب و کار زیاد میشود. دراین صورت مالکین مؤسسات اقتصادی و رهبران اتحادیه های کارگری صعود خفیف قیمت ها را به تنزل خفیف ترجیح میدهد.

اگر دستگاه های اقتصادی دچار کساد عمیق باشد همیچکس نخواهد توانست افزایش مصارف شخصی و عمومی را به منظور اینکه افزایش مصارف اثرتورمی دارد مورد انتقاد قرار دهد. در چنین شرایط نائیر مصارف اضافی بیشتر سبب افزایش تولید و باعث ایجاد کار میگردد با استدلال فوق چنین هویدا میگردد که اگر در یک اجتماع اشتغال کامل موجود باشد و فابریکه ها و مؤسسات بعد اعظمی ظرفیت تولیدی خود مشغول باشد افزایش مصارف عمومی و خصوصی فقط باعث بالارفتن قیمت ها میشود.

پنجم اینکه؛ با مطالعه سیر قیم میتوان وضع فعلی و گذشته اقتصادی کشور ها را بخوبی مورد مطالعه و مقایسه قرار داد. جهت نیل به این هدف لازم است تا در زمینه تغییرات قیمت های مختلف معلومات کافی و مؤتق داشته باشیم چه از نظر تاریخی مطالعه و ارزیابی وضع اجتماعی و حیات اقتصادی وابسته به وضع قیمت ها میباشد.

مطالعه قیمت ها در امور تجارتمی و صنعتی که زیادتیر دستخوش تغییرات قیمت ها قرار میگیرد با اهمیت تر میگردد. همچنان سیر شاخص قیم یک وسیله اساسی و مهم برای تعیین و سنجش عاید ملی کشور محسوب میگردد.

ششم اینکه؛ مطالعه سیر قیمت ها از نظر مؤلدین و مستهلکین با ارزش است صعود و نزول قیمت ها در طرز توزیع عاید بین طبقات مردم از یکطرف و تغییر در حجم و اندازه تولید و حجم اشتغال در اجتماع از طرف دیگر مؤثر است.

هفتم اینکه؛ مطالعه سیر قیمت ها از نظر داد و ستد معاملات اقتصادی نیز با اهمیت تلقی میگردد. شناخت سیر قیم برای تجار و معامله داران خورد و بزرگ اقتصادی با در نظر داشت روحیه عدالت و مراعات شیوه های معقول داد و ستد خالی از ارزش نمیباشد چه پروسه داد و ستد میان دو طرف یک مدتی را دربر میگیرد و با گذشت زمان و با ظهور تغییرات در ارزش پول ممکن تغییرات زیادی رونما گردد شاید این تغییرات آنی و در یک مدت کوتاه بوقوع برسد که بمفاد یکی و بضرر طرف دیگر تمام شود.

هشتم اینکه؛ از نظر طرح پلان ها نیز مطالعه سیر قیم با ارزش میباشد چه با در نظر داشت سطح و سیر قیم مستهلکین در مسایل خرید فروش و دیگر مصارف همچنین در زمان صعود و تنزیل قیمت ها تضامیم لازم برای آینده خود اتخاذ می نمایند همچنان شناخت و سیر قیم برای دولت، مؤسسات فابریکات تجارتمی، تصدی ها که به اساس آن مصرف اندازه مزد و معاش برای کارمندان و کارگران تعیین و آنرا با در نظر داشت شرایط محیطی و اقتصادی تغییر و تعدیل مینمایند و یک وسیله اساسی برای توسعه تولید محسوب میگردد. توسط مقایسه قیمت ها و مطالعه سطح حیات نواحی مختلف کشور رشد و یا عدم رشد آن در زمان های مختلف مورد ارزیابی قرار میگیرد و در صورت عدم موجودیت انکشاف متوازن دولت ها را متوجه انکشاف متوازن سرتاسری مینماید.

نهم اینکه؛ در یک جامعه توسط قیمت ها امتعه و خدمات تولید شده بین افراد جامعه توزیع میگردد باینصورت قوه خرید افراد را برای اشیای مختلف تقسیم بندی و توزیع مینماید - چون قوه خرید افراد در یک جامعه مساوی نیست و این امر باعث میگردد که اندازه خرید افراد جامعه هم مساوی شده نتواند. بنابراین تقاضای اشیای مختلف نیز مساوی نیست امتعه و خدمات تراکسی خریداری خواهد کرد که قدرت خرید آنرا داشته باشد خرید و فروش امتعه و خدمات تاحدودی در توزیع عاید ملی نیز

رول خود را نمایان میسازد ازین سبب است که در صورت صعود قیمت تقاضا برای امتعه کاهش می یابد به عباره دیگر یک قسمت از امتعه و خدمات با افراد یکه قدرت خرید آنها از دست داده اند توزیع نمیگردد. در صورتیکه امتعه و خدمات از جمله ضروریاتی باشد که یک تعداد افراد از مصرف آن محروم بمانند و یا در اندازه مصرف آن کاهش رونما گردد درینوقت است که موضوع کمک و رهنمایی دولت و مداخله آن جهت کنترل و استقرار قیمت جلب نظر می نماید.

دهم اینکه؛ قیمت ها در توزیع عوامل تولید نیز رول مهمی دارد باین معنی که هر رشته تولیدی که پاداش عوامل تولید را بیشتر بدهد عوامل تولید بطرف همان رشته تولیدی علاقمند گردیده و سوق داده میشود.

یازدهم اینکه؛ رول توزیعی زمانی قیمت را نیز از نظر دور نباید گرفت چه قیمت میتواند که رول توزیعی خود را بین زمان حال و آینده بازی نماید باین معنی که قیمت بعضی مواد مصرفی در زمان حال طورهمدی بلندتر تعیین میگردد تا سطح مصرف فعلی جامعه محدود شود یعنی امتعه استهلاکی فعلاً به نسبت صعود قیمت ها استفاده نگردیده و در آینده بمنظور سرمایه گذاری از آن استفاده میگردد باین مفهوم که نسل موجود برای نسل آینده یک قربانی را به عهده میگیرد. در اینصورت قیمت رول توزیعی خود را طوری بازی مینماید که امکان مصرف و توزیع یک مقدار مواد ویا اشیا به آینده انتقال میگردد که این عمل مربوطه به درجه و اندازه قربانی نسل موجود به نسل آینده از یکطرف و اندازه عواید وطریق استفاده از آن برای نسل آینده ازجانیدگر میباشد.

دوازدهم اینکه؛ رول تعییوی قیمت در عوامل تولید هم نباید از نظر دور گرفت چه قیمت میتواند عوامل تولید را با اهدافیکه در نظام بازار مورد نظر قرار میگیرد زیاد ترتعیه نماید عوامل تولید مقابل مفاد زیادتر باهداف مورد نظر تعبیه و یا سوق داده

میشود طور مثال در دو رشته تولیدی مختلف الف و ب اگر مفاد در رشته تولیدی الف بیشتر متصور باشد درین صورت مفاد خواهان در رشته تولیدی الف بیشتر توجه میکنند و برای جذب عوامل تولید کار سرمایه، مفاد و غیره در رشته الف زیادتیر تشویق و ترغیب میگردد باید متذکر شد که همیشه این تعبیه بطور مطلق توسط سطح قیم بصورت مطلوب انجام گرفته نمی تواند زیرا اکثر مفاهیم و تصمیم مؤسسات تولیدی با در نظر داشت تحلیل وضع موجود و گذشته و پیشبینی های لازم صورت میگیرد.

درینحالت چون تعداد مولدین در رشته های مختلف بسیار زیاد است وانها اکثراً از تصمیم یکدیگر اطلاع کامل و کافی نداشته و یا نظر به علاقمندی پیش دستی از رقبای خود اقدام به تولیدات موادی مینمایند که بنظر خود شان با در نظر داشت وضع تحلیلی مؤسسات مفاد بیشتر حاصل نمایند و شاید ناآگاهانه اقدام به تولید یک شی همجنس نمایند که در نتیجه عرضه جنس تولید شده بسرعت افزایش یافته و ممکن در رشته مذکور استخدام عوامل تولید زیاد تر صورت گیرد.

باثر ازدیاد عرضه جنس ممکن است قیمت جنس وضع نزولی را اختیار نماید درینصورت مؤسسات تولیدی مجبور اند که تولید جنس مذکور را کاهش دهند کاهش تولید مفهوم کاهش استخدام عوامل تولید را در همان رشته دارد بنابراین آنها یک تعداد عوامل تولید خصوصاً کار را از دست میدهند. قابل تذکر است که هماهنگ ساختن تصمیم در تمام مؤسسات تولیدی خصوصاً در بازار آزاد و فاقد پلان های مرکزی بمنظور بوجود آوردن استخدام کامل مشکل بنظر میرسد و یکی از عوامل عمده بیکاری ها و ایجاد مشکل در استخدام درنظام بازار آزاد همین است. ممکن است باثر اتخاذ سیاست های اقتصادی مختلف رول تعبوی قیم دگرگون شود مثلاً کشورهای در حال انکشاف جهت تشویق صنایع داخلی جدید التاسیس دولت ها با

استفاده از سیاست گمرکی یا سبسایدی ها وضع بعضی صنایع را حمایه نماید در حقیقت دولت تعبیه عوامل را بسوی صنایع مورد نظر عمدا رهبری و تشویق می نماید باید متذکر شد که در اقتصاد پلان مرکزی رول تعبوی قیم بیشتر مربوط به عامل کار ظاهر شده میتواند زیرا تنها عامل کار است که به هدف های مطلوب افکار منسوبین و کارمندان پلان را بخود جلب میدارند و پلان های خود را زیادتیر با ارتباط این عامل طرح و پیریزی مینمایند.

سیزدهم اینکه؛ رول قیم در عواید راهم باید از نظر دورنگیریم. طوریکه در نقش، توزیعی قیم تذکر بعمل آمد که قیم در شیوه مصرف اشخاص تاثیر بسزائی دارد که این تاثیر در حقیقت بر عاید اشخاص نیز مؤثر شده میتواند زیرا ذریعه سطح قیم مخصوصاً اندازه نوسانات آن یک شخص باعین عاید میتواند طور نسبی در اثر افزایش قیم یا کاهش قوه خرید فقیرتر گردد و در صورت کاهش قیم و افزایش قوه خرید با قدرت تر گردد که این عمل به عاید دولت نیز مؤثر بوده میتواند زیرا توسط سطح قیم عاید اشخاص، تصدی ها و دیگر موسسات تولیدی و انتفاعی تعیین میگردد و بر اساس عاید آن دولت مالیات، مختلف را وضع مینماید.

چهاردهم اینکه؛ رول کنترل و نظارت قیم در هردو نظام حکمروانی داشته و در حصه تشویق و یا کاهش مصارف تمام شد و باهتر شدن کیفیت جنس و نوع آن رول ارزنده دارد.

در نظام بازار این رول اکثراً توسط رقابت بین تصدیهای مختلف تولیدی تا مین شده میتواند باین طریق تصدی ها و موسساتیکه جنس خوبرتر و باکیفیت بهتر و قیمت تمام شد کمتر عرضه کرده میتوانند از مفاد بیشتر برخوردار خواهند گردید.

در نتیجه رقابت بین تصدیها ممکن با کاهش ناچیز قیمت فروشات خود را باندازه مطلوب افزایش دهند که در نتیجه مفاد مجموعی شان به مقایسه زمان قبل از کاهش

قیمت بیشتر خواهد گردید ازین جاست که گفته میتوانیم رول قیم بر کیفیت امتعه موثر بوده وبطور غیر مرئی آنرا کنترل می نماید (۱۹).

در اقتصاد پلان مرکزی رول کنترل ونظارت قیم قسماً توسط خود قیمت وقسماً توسط نظارت وکنترول انجام میگردد باینصورت درچوکات قیمت معین ازطرف مراجع مربوطه تصدی ها میکوشند تا پلان کاهش مصارف تمام شد وایجاد تنوع در کیفیت وابتکار لازم را عملی سازند و طبق پلان مرتبه ورسیدن به اهداف پلان های مطروحه برای تصدیها امکان مفاد بیشتر را میسر میسازد ویک قسمت این مفاد به منسوبین تصدی ها توزیع میگردد پلان گذاری نیز میتواند بابکار بردن این رول قیمت تولیدی اجناس تصدی های، مختلف را با هم مقایسه و ارزیابی نمایند و تصدی هائیکه در تولید مشابه خود پسمانی کار و فعالیت را نظر به پلان نشان میدهد آنرا مورد نظارت و کنترل قرار میدهد ودر کیفیت و مرغوبیت جنس که در تولید خود پسمانی نشان داده اند هدیایات لازم و همکاری مینمایند. (۱۴ و ۲۱)



فصل دوم

تشبیت و سنجش ارزش استهلاکات در اقلام مختلف دارائی ها:

تحت این فصل تاثیر تعیین ارزش جنس در دارائی ها و حسابات و تاثیر تعیین استهلاکات در دارائی ها و حسابات بطور جداگانه مورد بحث قرار داده میشود.

اول: دارائی ها و میتود های تشبیت ارزش آنها:

قبل از اینکه موضوع تاثیر تشبیت ارزش دارائی ها و حسابات آن بررسی شود نخست لازم است که به تفکیک اقسام دارائی ها پرداخت.

معمولا حساب دارائی ها به انواع و اقسام مختلف تصنیف گردیده ولی درین جا آنها به دو گروه عمده تقسیم کرده اند دارائی سیال و دارائی ثابت.

۱- دارائی سیال بطور کل دارائی سال عبارت است از موجود خزاین و حساب های بانک ها و همچنین سایر اموال که در آینده (معمولا در طول یک سال) در جریان عادی تبدیل به پول شده بتواند.

۲- دارائی ثابت: به آن اقلامی اطلاق میشود که استفاده از آنها برای فعالیت های طولیل المدت مؤسسه ضروری بوده و مقصد آن برای فروش تحصیل مفاد نباشد.

مانند محل سکونت و وسایل مورد ضرورت ترانسپورتهی مؤسسه، زمین و غیره بطور عمده ارقام دارائی ثابت را میتوان به دارائی مادی و غیر مادی تقسیم نمود و دارائی مادی را با آن نوع از دارائی ها میتوان اطلاق نمود که دارای وجود خارجی باشد مانند ساختمان ماشین آلات و غیره. دارائی غیر مادی آن انواع دارائی است که وجود خارجی ندارد مانند سر قفلی حق امتیاز حق طبع، حق اختراع و غیره. (۹)

اول: دارائی مادی

دارائی مادی را میتوان به چند گروه طبقه بندی نمود، اول دارائی هاییکه معمولاً استهلاک نمیشود مانند زمین، دوم دارائی هاییکه تابع استهلاک میباشند مانند ماشین آلات و وسایل نقلیه - سوم - دارائی هاییکه باثرا استفاده منجر به تمام شدن آن میشود مانند معادن چاه های نفت، جنگل ها و غیره.

دوم: دارائی ثابت غیر مادی

که این دارائی را نیز میتوان به چند گروه طبقه بندی نمود اول ارقام که تابع استهلاک میشود، مانند حقوق طبع امتیاز و اختراع، دوم ارقامیکه استهلاک نمیشوند مانند علایم تجارتهی و سر قفلی باید متذکر شد که در بعضی ممالک سر قفلی را در جمله ارقام میگیرند که استهلاک می شود. (۹) جهت شناخت و تفکیک دارائی مادی به طور عمده آنرا به زمین مزروعی، زمین تعمیراتی، زمین بایر زمین معدنی و جنگل زار میتوان کتگوری نمود. از مشخصات عمده زمین نظریه دیگر دارائی های ثابت این است که زمین دوامدار و هم غیر قابل استهلاک قلمداد شده است ولی این نظر در اکثر موارد صحیح به نظر نمیرسد طور مثال زمین مزروعی از اثر استفاده قدرت تولیدی آن کم میشود و همچنین زمین های معدنی بعد از تکمیل استخراج معادن از ارزش آن کاسته میشود.

ولی در اینجا جهت تشخیص و سهولت کار حسابداری زمین را در جمله دارائی های ثابت غیر قابل استهلاک گرفته اند و هر نوع مصارف که بالای زمین میشود در جمله مصارف توسعهی به حساب میرود و هم بعضی مصارف جزئی را میتوان در جمله مصارف جاری گرفت در زمین هائیکه بالای آن تعمیرات بنا یافته در تشخیص و تفکیک ارزش دارائی تعمیر و زمین در بعضی حالات اشکالاتی حسابی بوجود می پیوندد خصوصاً این مشکل زیاد ترزمانی بروز مینمایند که تعیین و سنجش استهلاک آن موضوع بحث باشد. و در زمان حصول و تادیه مالیات برای دولت اشکالاتی زیادتری بروز خواهد نمود و جهت سهولت کار و تشخیص دارایی اگر تعمیرات کهنه و بدون قابل استفاده بالای زمین باشد میتوان آنرا یکجا با قیمت زمین گرفت ولی اگر ارزش زمین تعمیر هر کدام زیادتر و از هم متفاوت باشد بهتر است در حساب دارائی مجزا و ازهم تفکیک شوند.

در محاسبه به طور کلی هر نوع مصارفیکه بالای زمین میشود آنرا میتوان در جمله مصارف توسعهی قلمداد نمود ولی باید متوجه بود که هر نوع مصرف بی لزوم و غیر ضروری را هم نمیتوان در جمله مصارف توسعهی گرفت این نوع مصارف مربوطه به مؤظفین و محاسبین می باشد که مصارف غیر ضروری را در جمله مصارف سرمایه بی میگیرند و یا در جمله مصارف جاری حساب میکنند طور مثال کندن زمین که از نظر بهره برداری ارزش زمین را آنقدر زیاد نمیسازد مصارف آنرا میتوان در حساب مصارف جاری و مصارفیکه در حصه پر کردن زمین که باعث ازدیاد ارزش آن میگردد میتوان در جمله مصارف توسعهی تصنیف بندی نمود.

اگر تعمیریکه بالای زمین قرار داشته باشد و یکجا با زمین خریده شده باشد جهت تفکیک ارزش زمین و تعمیر میتوان از ارزش زمین مشابه همجوار آن استفاده کرد و از ارزش مجموعی زمین و تعمیر ارزش زمین وضع گردد تا ارزش تعمیر معلوم

گردد. بعضی اوقات اگر به علت کهنگی و یا لزوماً خراب کردن تعمیر در نظر باشد و مصارف آنقدر زیاد نباشد میتوان مصارف تخریب را در جمله ارزش زمین حساب نمود. در حصه زمین هایکه در معرض خرید و فروش قرار میگیرند در حصه مالیات و عوارض که بالای آن از نظر خرید و فروش گذاشته میشود این نوع مصارف را به طور عموم بدو دسته تقسیم میکنند اگر بازار زمین راکد باشد و آنقدر مفاد زیاد در آن متصور نباشد میتوان آن را در مصارف جاری و در زمانیکه قیمت زمین بالا باشد و هم از خرید و فروش آن مفاد زیاد متصور باشد آنرا در جمله مصارف توسعهی قلمداد میکنند. در حصه خرید و فروش زمین های معدنی اگر زمین و معادن مربوط با هم یکجا محاسبه شده باشد درین صورت لازم است که ارزش زمین و معادن را از هم تفکیک نمود اگر در عمل این کار مشکل باشد بعد از تکمیل استخراج معادن زمین آنرا میتوان ارزیابی نمود و با استفاده از معادن زمین ارزش خود را از دست میدهند درینصورت تمام مصارف در جمله قیمت معادن شامل میشود.

باید متذکرشد که معمولاً محاسبین تا حد ممکن از بالابردن قیمت زمین در دفاتر خویش اجتناب می ورزند واکثران در حصه تغییر قیمت زمین به علت کم و زیاد شدن ارزش آن در بازار موافق نمیباشند و اظهار نظر میکنند بالابردن قیمت اولیه زمین در دفاتر منجربان می شود که مالیات بیشتری را پرداخت نماید و تنها در وقت فروش از بالابردن قیمت زمین ممکن است در تعیین اندازه مالیه استفاده کنند معمولاً قیمت زمین به نرخ روز تعیین میگردد.

معمولاً ارزیابی زمین را از دو طریق انجام میدهند یکی از طریق خرید و فروش زمین های همجوار یا مشابه و دیگر از طریق قدرت تولید عواید. استفاده از طریق اول - مشکل عمده یافتن زمین مشابه خواهد بود که این مشکل در حصه زمین های مزروعی آنقدر مهم نمیباشد و درباره زمین های شهری که اندک به فاصله تفاوت زیاد

پیدامی کند مشکلات زیادتر بروز خواهند نمود معمولا عوامل مختلفی مانند موقعیت و نوع استفاده از زمین مجاورد و قیمت زمین موثر است.

طریق دوم مبنی بر پیشینی عواید سال های آینده است مثلا عاید مفاد سالانه زمین را به نرخهای عادی فرض میکنند و اصل سرمایه را از روی آن بدست میاورند. در حصه تعمیرات و ساختمان قیمت خرید و دیگر تادیات برای تعمیر و ساختمان را در جمله مصارف توسعهی حساب میکنند در صورتیکه کدام نوع از فعالیت های تاسیساتی را انجام دهند درین صورت قیمت تا دیه شده تمام مواد مصرف شده و مصارف عمومی را در بر میگیرند. و درینصورت بنکات ذیل باید متوجه بود.

- اگر تعمیر به منظور خراب کردن خریداری شود قیمت آن به زمین علاوه میشود. و در صورت که مصرف با لای اهدام تعمیر صورت گیرد این مصرف نیز به قیمت زمین علاوه میگردد و تخریب شده به فروش میرسد این نوع فروشات از قیمت زمین مجزا میباشد.

- سرقفلی تادیه شده برای تخلیه و یا اجاره ساختمان معمولا مصرف سرمایه بی محسوب میگردد.

- مصارفیکه جهت اخذ جواز تعمیر میشود انرا هم در جمله مصارف توسعهی میتوان گرفت.

- مصارف همیه نقشه - مهندسی و انجیری را در قیمت تمام شد ساختمان میگیرند ولی در حصه مفاد قروض که به منظور تعمیر گرفته شده اختلاف نظر های موجود است بعضی ها این مصرف را جزء قیمت تمام شد میگیرند و بعضی ها جز قیمت تمام شد نمیگیرند.

از جمله دارائی های ثابت ماشین الات نیز یکی از دارائی های ثابت محسوب می گردد و در این اقلام قیمتت خرید مصارف متناژ ، مصارف حمل و نقل عوارض خرید،

مصارف حمل و نقل عوارض گمرکی شامل بوده که تمام آنها در جمله تثبیت ارزش ماشین ها در نظر گرفته میشود. اگر ماشین والات توسط خود مؤسسه استفاده کننده ساخته میشود در اینصورت مصارف واقعی آن به قیمت روز تعیین و تثبیت شده در حساب مؤسسه درج میگردد و تفاوت قیمت تمام شد و قیمت روز بازار معمولاً در حساب گرفته نمیشود در حصه حسابات، وسایل نقلیه باید اظهار نظر نمود که اجزای تقریباً ثابت وسایل نقلیه را در جمله مصارف سرمایه‌ی و اجزای کوچک که همیشه محتاج به تعویض می باشد مانند اقسام رابره‌ای که در وسایط به کار برده میشود معمولاً در جمله مصارف جاری مؤسسه محسوب مینمایند جهت تفکیک مصارف منابع طبیعی باید متذکر شد که جهت استفاده از منابع طبیعی مثل معادن - چاه های نفت و گاز و جنگلات معمولاً مصارفی صورت میگیرد که اینگونه مصارف جنبه های سرمایه وی دارد در موارد بکه مصارف برای کشف صورت میگردد.

ولی نتیجه مطلوب گرفته نشده باشد در اینصورت مصارف اکتشاف و تحقیقاتی را بعضی ها در مصارف توسعه‌ی حساب میکند و بعضی ها در جمله مصارف جاری مؤسسه میگردند. مؤسساتیکه جهت بهره برداری از منابع طبیعی تشکیل می شوند یک فرق شان با دیگر مؤسسات این است که در حصه تعیین مفاد واقعی اینگونه مؤسسات اشکالاتی بوقوع می پیوندد زیرا اگر حقیقتاً مفاد واقعی را تعیین و تثبیت نمایند اولاً باید مقدار کاهش و یا تقلیل ذخیره منابع را تعیین نمود. (۱۶)

ولی در عمل این کار در بعضی موارد مشکل به نظر میرسد زیرا مقدار موجود اکثر منابع طبیعی را نمیتوان به سهولت برآورد کرد.

اگر منابع در سطح کم عمق زمین قرار داشته باشند تعیین مقدار ذخیره موجود آن شاید آسان باشد ولی هر قدر که عمق معادن زیاد باشد مشکلات در حصه تخمین موجودی آن بیشتر شده میرود باهم اگر فرض شود که در تعیین موجودی منابع

طبیعی اشکالی موجود نباشد بازهم سهمیه و تعیین استهلاك برای هر واحد تولید مشكلتر شده می‌رود برای شرح این مطالب موارد ذیل قابل بحث زیادتر قرار می‌گیرد.

از اینکه گفته میشود که استهلاك منابع طبیعی با موادیکه استخراج میشود ارتباط دارد ولی در حقیقت منظور از استخراج فروش و تحصیل عواید از مواد استخراج شده می‌باشد اگر این مواد ارزش خود را با اثر بعضی عوارض از دست بدهد و تحولاتی پیش آید که استخراج معادن با صرفه نباشد درینحالت استهلاكات و مصارف سرمایه نئی موضوع بحث شده نمیتواند. ازین سبب بعضی معتقدند که استهلاك معادن باید به پایه قیمت تمام شده مواد و قیمت فروش آنها برآورد نمود.

در بعضی اوقات منابع طبیعی دستخوش نامالایمات طبیعت قرار می‌گیرند به خصوص معادن که در مناطق کوهستانی و در مسیر سیل و دیگر افات طبیعی قرار می‌گیرند مدت استفاده از آن دقیقاً قابل تعیین نیست و باستناد ارتباط مقدار ذخیره آنها با استهلاك سرمایه یک مبنای صحیح برای استهلاك نخواهد بود. همچنین ذخیره این منابع با اندازه زیاد است که در تعیین مدت استفاده آن به مشكلات روبرو میشوند با نظرداشت علل فوق بعضی از شرکت های استخراجی و اکتشافی معادن، مصارف استهلاكی را برای کاهش ذخایر معادن در نظر نه می‌گیرند بعضی از شرکت های استخراجی محتاط بوده و تادیات هر نوع مفاد را در سالهای اول به سهم دار آن ممنوع قرار میدهد و مفاد را در جمله مصارف سرمایه بی قرار میدهد و با گذشت چند سال بعداً به توزیع مفاد اقدام می‌ورزند. (۲۰)

اقلام دارائی های ثابت غیر مادی :

تحت این عنوان اموال غیر مادی، حقوق و امتیازات مختلفی که باخود دارند و نظریات محاسبین در حصه نسبت استهلاك آن مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند حقوق اختراع و امتیاز که یکی از دارایی های غیر مادی محسوب میشود قوانین کشور

های مختلف دنیا برای مخترع و کاشف آن برای یک مدت معین حق الانحصار جهت استفاده از آن قابل هستند بناء دارنده حق اختراع و امتیاز از یکنوع حقوق انحصاری برخوردار می شوند طبعاً انحصار مولد مفاد است و این حق را میتوان سودآور خواند. از نظر صاحب اولیه یعنی مخترع، متکرر، و یا کاشف قیمت تمام شد اختراع و کشف معمولاً از مصارف از مایشها، مصارف ساختن نموده ها، مصارف اداری و مصارف حق الثبت و حق الکشف تشکیل میشود. شخص یا موسسه که این حقوق اختراع و کشف را برای همیشه و یا برای مدت معین خریداری مینمایند در دفاتر بنام خرید حقوق اختراع و کشفیات ثبت میگردد در مؤسساتیکه لایبراتورهای خاص برای تجزیه و آزمایش اختراع و کشف تشکیل شده از نظر حسابداری مسایل مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرند و جهت رفع مشکلات حسابداری و طرز العمل واحد تحت سه نکته قید و مشخص گردیده درج دفاتر مینمایند.

۱- تمام مصارف آزمایش ها بنام مصارف تو سعوی حساب مربوطه آن درج میگردد.

۲- دفاتر طوری باید ترتیب گردد که آزمایش ها و اکتشافات مفید و غیر مفید و یا مناسب را از غیر مناسب هم تفکیک دهند درینصورت مصارف نوع اول را در جمله سرمایه نی و مصارف نوع دوم را در جمله مصارف جاری موسسه تشخیص دهند.

۳- تمامی مصارف لایبراتوری و یک جزو از مصارف آزمایشی به حساب جاری ثبت دفاتر میگردد.

طرفداران نظر اول چنین استدلال میکنند که از هر تجربه فایده بودجود می آید گر چه ظاهراً بی حاصل جلوه میکند زیرا رفع اشتباه باثر تجارب انسان ها را کمک و یاری می دهد.

بناءً مصارف آزمایش‌ها باید در جمله مصارف آنی گرفته شود. مصارف اقامه دعوی برای حفظ حقوق اختراع و امتیاز را اکثراً در جمله مصارف جاری می‌گیرند.

در حصه حقوق اختراع و امتیاز خریداری شده مبلغ تادیه شده را باید بانظر داشت مدت قرار داد قبلاً تعیین و تنبیه نمود و مدت را باید مشخص ساخت.

حقوق طبع و انتشار که یکی از دارائی‌های غیر مادی بوده و این حقوق معمولاً جزئی می‌باشد. و در بعضی اوقات انتشار کتب به مبالغ زیاد خرید و فروش میشود حق طبع و انتشار برای صاحبان اولیه معمولاً ناچیز بوده و معمولاً در ظرف یک سال تماماً به مصارف سرمایه‌ی انتقال داد میشود چون کمتر اتفاق می‌افتد که حقوق طبع و انتشار کتب در طول عمر خود مورد استفاده برای مدت طولانی باشند، لذا در عمل اکثراً مصارف آنها را در برابر اولین طبع استهلاک میکنند.

در حصه علائم تجارتي که به صورت نقشه، تصویر، رقم، حرف عبارت مهر و غیره می‌باشد اکثراً برای امتیاز تشخیص تولید صنعتی یا تجارتي و یافنی به کار برده میشود علائم تجارتي را باید به ثبت رساند چون عمر استفاده از آن غیر محدود است معمولاً شامل استهلاک نمی‌شود.

سر قفلی را در حقیقت یک عامل تحصیل مفاد بیش از حد عادی تعریف کرده اند در عمل سر قفلی با انواع و طرق مختلف ایجاد میشود که به طور عمده موقعیت محل حسن رابطه بین فروشنده و خریدار حسن تفاهم بین کارگر و کارفرما اعتبار در تحصیل پول تبلیغات تحصیل حقوق انحصاری عوامل اصل آن شمرده میشود هر یک از این عوامل ممکن است باعث ایجاد - سر قفلی گردد.

همه این عوامل وقتی سر قفلی را ایجاد میکنند که رابطه بین مفاد حاصله و دارائی خالص یک مؤسسه زیاد تر از مفاد عادی باشد مثلاً اگر دو مؤسسه با سرمایه مساوی بکار مشابهی شروع به فعالیت نموده باشند.

مؤسسه الف	مؤسسه ب
دارائی خالص (بدون سر قفلی) ۱۰۰۰۰۰۰۰ - افغانی	۱۰۰۰۰۰۰۰ - افغانی
اندازه مفاد عادی پیشینی شده ۱۰ فیصد	۱۰ فیصد
مفاد متوقعه این دو مؤسسه ۱۵۰۰۰۰۰ - افغانی	۱۰۰۰۰۰۰ - افغانی
ولی مفاد عادی بر مبنای ۱۰ فیصد ۱۰۰۰۰۰۰ - افغانی	۱۰۰۰۰۰۰ - افغانی
افزایش مفاد عادی باعث ایجاد ۵۰۰۰۰۰۰ - افغانی	سر قفلی شد.

در جدول دیده میشود که مبلغ (۱۵۰۰۰۰۰ - ۱۰۰۰۰۰۰۰) مساوی ۵۰۰۰۰۰ افغانی که در حقیقت اختلاف عاید بین این دو مؤسسه که است حاکی از وجود سر قفلی میباشد.

ارزش سر قفلی معمولاً از نتیجه توافق بین خریدار و فروشنده معلوم میشود ولی طریقه محاسبه آن طوریکه در بالا به خوبی ملاحظه میشود محاسبه آن به شکل تخمینی و تقریبی میباشد. یعنی سر قفلی پول نیست که برای فعالیت ها گذاشته شود بلکه پول است که برای خرید منافع آینده مؤسسه تادیه میگردد. مشکل عمده در محاسبه و تعیین سر قفلی درینجا است که معمولاً مفاد یک و یا دو سال گذشته نمیتواند، اساس کافی برای محاسبه آن قرار گیرد زیرا در سالهای گذشته که معمولاً شرایط کار با عصر و یا زمان حاضر متفاوت است و هم در مفاد هر ساله ممکن است عوامل خارجی در داد ستد های عادی مؤسسه ذیدخل باشد. بمر صورت در محاسبه سر قفلی معمولاً عوامل عاید مفاد که در آینده وجود آنها مورد شک و تردید زیاد است باید مستثنی قرار گیرد و نقش شخصیت، اشخاص موظف و کارمندان مربوطه در تحصیل مفاد را از نظر دور نباید گرفت و در ایجاد مفاد سالهای آینده مؤثر بوده و در نتیجه در ایجاد سر قفلی مؤثر است.

با وجود اینکه مبلغ قابل تادیه سر قفلی اکثراً با اثر توافق طرفین معامله تعیین و تثبیت میگردد ولی در غیر آن طرق و راه های موجود است که تعیین و تثبیت سر قفلی توسط محاسبه نیز صورت گرفته میتواند (۱۲ و ۲۰).

تاثیر قیمت گذاری جنس بالای دارائی ها و حسابات :

یک اداره یا مؤسسه برای فعالیت های خود در هر وقت و زمان نیاز به معلوماتی دارد که یکی ازین ها مربوط به امور مالی آن مؤسسه و یا اداره میباشد که این معلومات را می توان از فنون حسابداری دریافت نمود. بد طور کلی حسابداری را میتوان ثبت توحید، تخلص و تفسیر و تعریف کرد. باید تذکر داد که حسابداری ادارات و مؤسسات همه یک سان تنظیم نمی گردد زیرا معلومات مورد ضرورت یک اداره و یا مؤسسه نظر به اداره و مؤسسه دیگر از هم متفاوت است چه احتیاجات اداره مختلف و متنوع حسابداری را بوجود آورده و حسابداری صحیح و منظم برآورنده اهداف متنوع یک مؤسسه یا اداره میباشد در اینجا از اهداف متنوع، چند هدف مهم که عبارت از شناخت یک معیار اساسی برای سنجش ها و مبادلات به پول است و هم تعیین ارزش دارائی ها موجودی اجناس و استهلاکات دارائی ها که محتوی آن با همدیگر ارتباط ناگسستی داشته و اثرات ذات البینی آن عمدها همیشه محسوس است طور جداگانه مورد مطالعه قرار گرفته و مسئله است که زیادتیر مورد بررسی و تحقیق قرار داده میشود.

تعیین قیمت تمام شد موجودی در ختم دوره مالی یکی از اهداف عمده حسابداری بوده شناخت و محاسبه آن در تعیین اندازه مفاد یک مؤسسه یا اداره سهم ارزنده دارد بهر اندازه که صحیح و موثق تعیین و تثبیت گردد به همان اندازه مفاد و ضرر مؤسسه و یا اداره به صورت بهتر و صحیح تر معلوم شده میتواند.

همچنان قیمت تمام شده موجودی کارمندان مؤسسه را در طرح پلاهای انکشافی یک مؤسسه یا اداره رهنمائی کرده و مؤسسه یا اداره را در اخذ تصمیم متمر و مثبت در حصه تولید و یا انصراف از تولید - در تعیین بودجه در تعیین قیمت فروش انتخاب روش کار و غیره امور مربوط یاری می‌رساند برای کارمندان موقع می‌دهد که وقت خود را در راه بهبود و تطبیق بهتر پلاها صرف نمایند و نمی‌گذارد که خریداری‌های بی‌مورد و بی‌لزوم انجام یابد طوری که ذکر گردید که قیمت تمام شده اجناس با تعیین ارزش موجودی ارتباط گسستی دارد برای درک این حقیقت که چرا در اکثر موارد در تعیین ارزش موجودی از قیمت تمام شده استفاده می‌گردد جواب با این سوال را میتوان به چند دلیل ارائه داشت .

به طور کلی چون قیمت تمام شده را در تمام عوامل تولید مورد استفاده قرار می‌دهد در تعیین ارزش موجودی غیر از استعمال و استفاده از قیمت تمام شده مؤسسه یا اداره دچار مشکلات خواهند گردید اگر از قیمت تمام شده در ارزش موجود استفاده نگردد مؤسسه یا اداره تابع تغییرات قیمت مواد اولیه شده در بنصورت افزایش در قیمت‌های اولیه در سنجش اشیای ساخته شده موجود تحویل خانه‌ها مشکلات را بار خواهد آورد از طرف دیگر تعیین قیمت روز مواد اولیه و محصول در زمان مراحل تولیدی مشکل بوده و تعیین و تشخیص تثبیت تغییرات بین قیمت خرید و قیمت فروش اجناس هم مشکل میباشد.

بعضی از مخالفین استفاده از قیمت تمام شده اظهار نظر میکنند که اگر قیمت‌ها تنزل نماید ارزش اقلام موجود در بیلانس بیشتر از ارزش روز آن خواهد بود و این در دارائی و ارائه بیلانس مؤثر میباشد و هم بعضی‌ها باین نظر هستند که در بعضی حالات تعیین قیمت تمام شده مشکل و یا بکلی ناممکن میباشد و اظهار عقیده میکنند که در مؤسسات و دوایریکه تولیدات زیاد و متنوع دارد تعیین و تثبیت قیمت تمام شده آنها

مشکلات را بارمی آورند و از طرف دیگر کسانی که از نظریه قیمت روز استفاده میکنند در اینصورت قیمت روز مواد اولیه و محصول در جریان تولید هم مشکل بوده و مصارف زیادی را ایجاد مینماید، از اینرو مورد استفاده اکثر مؤسسات واقع نگردد.

همینطوریکه تعیین و شناخت قیمت تمام شد موجودی در طرح پلانهای انکشافی در اخذ تصمیم لازم در حصه تعیین نفع و ضرر تعیین بودجه و غیره امور مربوطه مؤسسه و یا اداره مؤثر است تعیین ارزش موجودی بالنوبه در زمینه های امور مربوطه ادارات و مؤسسات هم شایان اهمیت بسزای میباشد چه نسبت عدم داشتن معلومات پیرامون ارزش موجودی اشیا و اجناس طرح پلانهای انکشافی اخذ تصمیم مشمر و مفید - بیلانس ها تعیین نفع و ضرر - تعیین بودجه مطلوب یک مؤسسه یا اداره بخوبی امکان پذیر نمیشود.

به طور کلی در مفهوم موجود جنسی، مطالب موجود جنس، مقدار و ارزش موجودی در یک مؤسسه یا اداره در یک زمان معین اطلاق شده میتواند، درینجا به ارتباط موضوع ارزش آن مطالعه میگردد.

طریق تعیین ارزش موجودی:

معمولاً ارزش موجود جنس در آخر سال مالی براساس قیمت تمام شد آن محاسبه میگردد و بطور کلی قیمت تمام شد جنس از قیمت خرید، مصارف بیمه، مصارف خدمات، خریداری و مصارف ترانسپورتنی صورت میگردد که از آن تضمینات خریداری و مستردی، اشیا و اجناس تفریق میشود.

باید یاد اورشد در ادارات و موسساتیکه انواع جنس زیاد و به دفعات متعدد و زیاد قیبه گردیده و در آخرسال در تحویلخانه ها موجود باشد ارزش موجودی آن

به سهولت امکان پذیر نیست برای تعیین ارزش موجودی میتود ها و طریق زیاد موجود است و طرق استفاده و استعمال این میتود ها از یک مملکت نظر بدیگر با در نظر داشت شرایط اقتصادی تنظیم و اداره تحویلخانه ها سیستم واگذاری اموال، طرق ثبت اموال و شرایط پرسونل موظف و غیره امور فرق میکنند درینجا بطور کلی چند طریقه تعیین ارزش موجودی ذیلا مورد بحث و تحلیل قرار داده میشود.

۱ - طریقه تفکیک خرید ها :

آناتیکه این طریقه را در تعیین ارزش موجودی بکار میبرند خریداری اقلام مختلف را به صورت جداگانه و متمایز از همدیگر نگهداری میکنند تا در آخر سال موجود هر یک از اقلام معلوم و مشخص شد بتوانند، در این طریقه چون قیمت خرید و هر قلم جنس میسر است تعیین ارزش موجودی در آخر سال باسانی صورت گرفته میتواند شاید ازین طریقه بسیار بندرت استفاده گردد زیرا حجم معاملات مؤسسات و ادارات نسبت تفاوت قیمت ها نوع جنس محدودیت ظرفیت تحویلخانه ها مانع تفکیک اشیاء گردیده برای وضاحت این طریقه جنسیکه در آخر سال در تحویلخانه باقیمانده و دفعات خرید و همچنین مصرف آن در مثال ذیل نشان داده میشود مثلاً مؤسسه احمد در طول سال ۲۰۰۰ دانه قلم خودکار را قرار فی عدد (ده) افغانی خریداری نموده اند از جمله در آخر سال اگر یکصد و پنجاه عدد آن در تحویلخانه باقیمانده باشد به طور بسیار ساده قیمت یکصد و پنجاه عدد قلم خودکار باقیمانده تحویل خانه (۱۵۰۰) افغانی خواهند بود جنبه عملی این طریقه بسیار کم است زیرا قیمت فی واحد قلم خریداری شده در دفعات مختلف ثابت فرض شده در حالیکه در عمل قیمت ها در طول یکسال ثابت نمیشد و امکان دارد از این طریقه در بعضی مؤسسات و اداراتیکه خرید و فروش عمده و متمایز را اجرا مینمایند ندرتا مورد استفاده قرار گیرد.

۲ - طریقه اوسط ثقلت دار:

در این طریقه از قیمت پرداخت شده در دفعات مختلف خرید اوسط گرفته میشود برای وضاحت این طریقه در یک مؤسسه که چهار مراتبه خرید در طرف یک سال صورت گرفته باشد مثال میآوریم فرضاً خریداری دفعه اول ۲۰۰ عدد قلم خورکار از قرار فی عدد (۷) افغانی جمعاً ۱۴۰۰ - افغانی خریداری دفعه دوم ۲۵۰ عدد قلم خودکار از قرار فی عدد ۸ افغانی جمعاً ۲۰۰۰ افغانی خریداری دفعه سوم ۱۵۰ عدد قلم خودکار از قرار فی عدد ۱۰ افغانی جمعاً ۱۵۰۰ افغانی خریداری دفعه چهارم ۳۰۰ عدد قلم خودکار از قرار فی عدد ۹ افغانی جمعاً ۲۷۰۰ افغانی ، که مجموع هر کدام آن ۹۰۰ و ۷۶۰۰ میشود.

اوسط قیمت عبارت از خارج قسمت ۷۶۰۰ - افغانی قیمت پرداخت شده تقسیم بر ۹۰۰ قلم خریداری شده میباشد. باینصورت قیمت فی عدد قلم به طور وسطی مبلغ ۸,۴۴ افغانی میباشد اگر در آخر سال از جمله آن ها تنها ۲۵۰ عدد قلم از چهار دفعه خریداری باقیمانده باشد ارزش موجود جنس یعنی ارزش قلم ها عبارت از (۲۵۰) ضرب ۸,۴۴ مساوی ۲۱۱۰ افغانی خواهند بود درین طریقه چون قیمت های بالا و پائین هر دو در نظر گرفته میشود بنابراین زیادتیر نسبت به طریقه اول مورد استفاده قرار میگیرد.

۳ - طریقه اولین صادره از اولین وارده: (Fifo)

درین طریقه فرض میشود که اشیا به ترتیب تاریخ خریداری شده به مصرف میرسند یعنی اجناسیکه اولتر خریداری شده و اولتر بمصرف میرسند و در نتیجه موجودی آخر سال از اقلامی تشکیل میشود که دیرتر از همه خریداری گردیده است با ارائه یک مثال میتوان این طریقه را وضاحت داد. فرضاً ۱۰۰۰ واحد یک شی

در طول سال به دفعات مختلف خریدار گزیده و در موجودی آخرسال از آن ۳۰۰ واحد باقیمانده ارزش موجودی جنس باقیمانده ذیلا تعیین میگردد.

تاریخ خرید	تعداد	قیمت فی واحد	مجموع
۱۰ حمل	۳۰۰ عدد	۱۰۰۰ - افغانی	۳۰۰۰۰۰ - افغانی
۱۹ جوزا	۵۰۰ عدد	۱۲۰۰ - افغانی	۶۰۰۰۰۰ - افغانی
۲۹ عقرب	۲۰۰ عدد	۱۳۵۰ - افغانی	۲۷۰۰۰۰ - افغانی
مجموع	۱۰۰۰ عدد		۱۱۷۰۰۰۰ - افغانی

اگر در آخر سال ۳۰۰ واحد شی در تحویلخانه با در نظر داشت طریقه مذکور ۲۰۰ واحد شی از خریداری ۲۹ عقرب و ۱۰۰ واحد شی از ۱۹ جوزا باقیمانده باشد درینصورت ارزش موجود جنس مذکور در آخر سال مبلغ ۳۹۰۰۰۰ - افغانی خواهد بود.

تاریخ خرید	تعداد	قیمت فی واحد	مجموع
۱۹ جوزا	۱۰۰ عدد	۱۲۰۰ - افغانی	۱۲۰۰۰۰ - افغانی
۲۹ عقرب	۲۰۰ عدد	۱۳۵۰ - افغانی	۲۷۰۰۰۰ - افغانی
مجموع	۳۰۰ عدد		۳۹۰۰۰۰ - افغانی

طریقه مذکور از دو طریقه بالا بهتر است اما بشرطیکه خریداری اجناس باسناد دفعات بالترتیب در تحویلخانه ها نگهداری و گذاشته شده باشد.

۴ - طریقه اولین صادره از آخرین وارده (Lifo)

یکی از طریقه های دیگریکه برای تعیین ارزش موجود اشیایکه در آخر سال در تحویلخانه ها باقیمانده باشد عبارت از اولین صادره از آخرین وارده میباشد که درین طریقه فرض میشود که در تحویلخانه ها اشیای خریداری شده طوری گذاشته شده باشد که

مصرف و یا فروش اشیا از آخرین خرید شروع شود و در نتیجه اشیا موجود در آخر سال اشیا خواهد بود که اولتر از همه خریداری گردیده است مثال قبلی هم درین طریقه بکار برده میشود در ۷۰۰ واحد اشیا مصرف شده که شامل ۲۰۰ واحد اشیا یک در ۲۹ عقرب و ۵۰۰ واحد اشیا خریداری شده در نزده جوزا خواهد بود باین طریق ارزش موجود جنس در آخر سال عبارت از سه صد واحد که در ده حمل جمعاً به مبلغ ۳۰۰۰۰۰۰ - افغانی خریداری شده است خواهد بود.

طوریکه دیده میشود ارزش موجودی اجناسیکه به طریق اولین صادره از آخرین وارده سنجیده میشود نظر به ارزش موجودیکه بطریقه اولین صادره از اولین وارده سنجیده میشود کمتر میباشد در مثال مذکور قیمت اشیا خریداری شده در دفعات مختلف به تدریج بلند رفته است اگر فرض شود که قیمت اشیا تنزل کرده در انصورت تاثیر انتخاب هر یک از دو روش حساب در تعیین ارزش موجودی اشیا کاملاً معکوس نظر بطریقه قبلی خواهد بود باین معنی که در موقع تنزل قیمت ها انتخاب روش اولین صادره از اولین وارده ارزش کمتر موجودی اشیا را در بر داشته بمان نسبت مفاد مؤسسه کمتر و اتمود میگردد.

برای وضاحت موضوع در مثال قبلی اگر سه صد واحد از اشیا مذکور در آخر سال در تحویلخانه باقیمانده باشد ارزش آن نظریه طریقه اولین صادره از اولین وارده ۳۲۰۰۰۰ - افغانی و نظریه طریقه اولین صادر از آخرین وارده مبلغ ۴۰۵۰۰۰ - افغانی خواهد بود درین صورت نظریه طریقه اولین صادره از اولین وارده:

۲۰۰ واحد شی از قرار فی واحد ۱۰۰۰ - افغانی ۲۰۰۰۰۰ - افغانی

۱۰۰ واحد شی از قرار فی واحد ۱۲۰۰ - افغانی ۱۲۰۰۰۰ - افغانی

مجموع ۳۰۰ واحد ۳۲۰۰۰۰ - افغانی

ولی نظریه طریقه اولین صادره از آخرین وارده ۳۰۰ واحد از قرار فی واحد ۱۳۵۰ افغانی - ۴۰۵۰۰۰ - افغانی میشود از استفاده و استعمال دو طریقه فوق چنین استنباط میگردد که قیمت موجود اشیا بر اساس طریقه اولین صادره از اولین وارده مبلغ ۸۵۰۰۰ - افغانی کمتر از استعمال طریقه اولین صادره از آخرین وارده می باشد - باین اساس گفته میتوانیم که مفاد و ضرر مؤسسه تابع استفاده و استعمال طریقه های فوق خواهد بود و وقتی که قیمت اشیا تنزیل می کند محاسبه ارزش موجودی اشیا با استفاده از طریق اولین صادره از اولین وارده مفاد کمتری را وانمود میسازد از مقایسه استعمال این دو طریق در یک مؤسسه چنین نتیجه گرفته میشود که طریق استفاده ازین دو روش در تعیین مفاد و ضرریک مؤسسه در طول دوران اقتصادی شکل اعتدال را گرفته یعنی اگر در طول دوران اقتصادی همه ساله طریقه های مذکور را به کار برند محاسن و معایب آن در طول یک مدت یکدیگر را خنثی میسازند. این دو طریق اولین صادره از اولین وارده و اولین صادره از آخرین وارده نسبت به سایر طریقه ها طرفداران زیاد دارد. رجحان این دو طریقه نظر به پالیسی مؤسسات و دوایر ذیلا وضاحت بیشتر داده میشود در طریقه اولین صادره از اولین وارده قیمت موجود جنس در آخر سال از روی آخرین اقلام خرید تعیین و در بیلانس ثبت میگردد و این قیمت نزدیکتر به قیمت روز نسبت بطریقه دوم است در طریقه اولین صادره از آخرین وارده مفاد مؤسسه دقیق تر تعیین میگردد. ولی بیلانس را از حقیقت دور می سازد برعکس اولین صادره از اولین وارده ارزش موجود جنس را در بیلانس به حقیقت نزدیکتر نشان میدهد ولی نفع و ضرر از وضع اصلی خود دورتر نشان داده میشود و شاید نسبت تعیین مفاد موارد استفاده بیشتری ممالک از طریق اولین صادره از آخرین وارده باشد.

زمانیکه سطح قیمت ها بالا می رود استفاده از طریقه اولین صادره از آخرین وارده باعث تقلیل مفاد و مالیات بر عایدات میگردد در صورتیکه نرخ مالیات ثابت باشد و به شکل تصاعدی نباشد کم شدن مالیات در زمان که قیمت ها تنزیل میکند جبران خواهد شد.

در سالهایکه بحران اقتصادی در جاهایکه حکم فرمایی داشته باشد در موقع تسول قیمت ها نرخ مالیات را پائین آورده در ینصورت استفاده از اولین صادره از آخرین وارده به نفع مؤسسه بوده و به ضرر دولت خواهد انجامید. (۲۰)

۵ - طریقه آخرین خرید:

یکی از طریقه های دیگریکه می توان در تعیین ارزش موجودی از آن استفاده کرد قیمت آخرین خرید میباشد درین طریقه گفته میشود که قیمت موجود جنس به قیمت روز نزدیک تراست باین طریقه قیمت آخرین جنس خریداری شده در نظر گرفته میشود جهت وضاحت طریقه مذکور مثال ذیل آورده میشود.

تاریخ خرید	تعداد	قیمت فی واحد	مجموع قیمت
۱۵ حمل	۵۰۰ عدد	۸ - افغانی	۴۰۰۰ - افغانی
۲۴ سرطان	۶۰۰ عدد	۶ - افغانی	۳۶۰۰ - افغانی
۱۶ میزان	۴۰۰ عدد	۹ - افغانی	۳۶۰۰ - افغانی
۲۲ دلو	۶۰۰ عدد	۷ - افغانی	۴۲۰۰ - افغانی

فرضا در آخر سال در تحویل خانه ۴۵۰ عدد آن جنس باقیمانده باشد در ینصورت ارزش جنس باقیمانده ۴۵۰ ضرب ۷ مساوی به ۳۱۵۰ - خواهد بود.

۶ - طریقه کمترین قیمت بین قیمت تمام شد و قیمت روز:

پنج طریقه که در بالا ذکر شد برای تعیین ارزش موجودی تماما باساس قیمت تمام شد متکی بود، بسیار ممکن است که قیمت تمام شد زیادتر و یا کمتر از قیمت روز باشد رعایت اصل محافظه کاری ایجاب میکند که اگر قیمت تمام شد موجودی از قیمت روز زیادتر باشد مؤسسه یا اداره قیمت آخر جنس را به کار میبرند. بعبارت

دیگر قیمت تمام شد اجناس با در نظر داشت یکی از طرق پنجگانه فوق تعیین و مورد استفاده قرار داده میشود و بعداً با قیمت روز مقایسه میگردد هر کدام که کمتر است برای تعیین ارزش موجودی بکار برده میشود البته با استفاده ازین طریق سبب تنزیل مفاد مؤسسه میگردد باید درین طریق متوجه بود که قیمت تمام شده هر قلم موجودی باقیمت روز آن مقایسه میگردد.

۷ - **طریقه تخمینی تعیین ارزش:**

طوریکه قبلاً تذکر بعمل آمد. در بعضی موارد تعیین قیمت تمام شد اجناس مشکل و یا غیر ممکن به نظر میرسد مثلاً در صنایع که تولیدات فرعی زیادتر نسبت به تولیدات اصلی داشته باشد درین صورت ازین طریق استفاده میگردد همچنین در امور زراعتی - تعیین قیمت تمام شد تولیدات زراعتی غالباً غیر ممکن میباشد از این رو در بعضی موارد به زارعین اجازه داده میشود که حاصلات زراعتی خود را به قیمت فروش در حسابات موجودی خود درج و محاسبه نمایند با وجودیکه این روش یک طریق تخمینی است ولی در بعضی موارد بسیار موثر و مفید تلقی میگردد.

۸ - **طریقه استندرد:**

در پهلوی طرق فوق طریق دیگر هم در بعضی حالات مورد استفاده قرار میگیرد که آن طریق عبارت از بوجود آوردن استندرد با نورم قیمت میباشد که در تعیین ارزش موجودی از آن قیمت های قبول شده استفاده میگردد در بعضی حالات قبل از شروع سال مالی قراردادها برای خرید مواد اولیه که ذریعه مؤسسات اجرا میشود قیمت روز مواد اولیه مورد بررسی قرار میگیرد در شروع قرارداد قیمت استندرد برای هر یک از مواد اولیه مورد ضرورت برآورد و تثبیت میگردد و تمام مواد خریداری شده با ساس همان قیمت تثبیت شد ثبت دفاتر میگردد در ختم دوره

مالی قیمت تمام شد مواد استندرد بعضی تعدیلات لازم بعمل میآید . گرچه در عمل استفاده ازین روش بسیار بندرت دیده میشود ولی در بعضی حالات خصوصاً جهت یافتن اشتباهات و طرق تقلیل اشتباهات به کار برده شده و کار دفترداری را کم و آسان میسازد. (۹)

قابل تذکر است اینکه کشور هایکه مشکلات و پرابلم های متعدد از قبیل عدم موجودیت تحویلخانه های منظم و مطلوب، عدم داشتن احصانیه ها و حسابات موثق و صحیح عدم پرسونل فنی - نداشتن معلومات در قیمت تمام شد فی واحد شی و نداشتن قابلیت استفاده از روش های مطلوب موجودی و غیره مواجه اند با وجود اینکه معمولاً همه ساله به موجودی اشیای تحویلخانه های مربوطه می پردازند بجای اینکه انجام موجودی اموال برای حسابات اخذ معلومات صحیح و موثق یاری رساند هنوز هم بی نظمی و پراگندگی را در اموال آنباشته تحویلخانه ها بیشتر بار می آورد - این وضع در کشور عزیز ما نیز صدق کرده چنانچه همه ساله از طرف هنیات موظف با داشتن فورم های خاص به موجودی اموال و دارائی ها میپردازند ولی نسبت کاستی هایکه در سیستم و روش موجودی که فقا ذکر شد موجود است نه تنها از موجودی اموال دارائی ها نتیجه مطلوب حاصل کرده نمیتوانند بلکه باعث ایجاد بی نظمی بیشتر در امور تحویلخانه ها و حسابات مربوط میگردد.

دوم: نقش سنجش استهلاکات در تثبیت ارزش دارائی ها

بطور کلی اموال را میتوان به دارائی مادی و غیر مادی تقسیم نمود ازاینکه کدام نوع دارائی رامادی و کدام نوع دارائی را غیر مادی مسمی کرده میتوانیم - در عمل تفکیک آن کار آسان نبوده ولی به طور کلی گفته میتوانیم آن اقلامی از دارایی مانند ساختمان ها ماشین و آلات که وجود خارجی ان محسوس شده میتواند بنام دارائی

مادی و اقلامیکه موجودیت شان در خارج محسوس شده نمیتواند مانند حق امتیاز، حق طبع، سر قفلی و غیره را میتوان در جمله دارانی غیر مادی محسوب نمود.

از جمله دارانی مادی بعضی اقلام آن مانند زمین را در جمله اقلام دارانی غیر استهلاک شونده و بعضی از آنها را مثل ساختمان ها ماشین و آلات را در جمله دارانی مشمول استهلاک محسوب مینماید و همچنین از جمله اقلام دارانی غیر مادی مانند حقوق طبع حق امتیاز و حق اختراع را در جمله دارانی مشمول استهلاک و بعضی از اقلام غیر مادی مثل علائم تجارتي و سر قفلی را در جمله اقلام دارانی غیر مادی مشمول استهلاک محسوب نمیکند گر چه بعضی ها زمین را نیز در جمله دارانی مادی شامله استهلاک محسوب میداند برای تعیین و محاسبه استهلاک دارانی ها لازم است که از جمله دارانی مادی و دارانی غیر مادی دارانی ثابت را مشخص و معین سازیم. برای درک این مفهوم بطور کلی در دارانی ثابت اقلامی شامل میشوند که مدت طویل برای فعالیت امور اقتصادی ضرور پنداشته شده و مقصد آن تحصیل مفاد و یا فروش نباشد اگر به طور عمومی استهلاک را از دست دادن فایده و یا تنقیص در فایده و یا ارزش یکی از اقلام دارانی ثابت بدانیم بسیاری از اقلام دارانی ثابت هستند که زیادتیر از یک دوره مالی از آن استفاده میشود.

درینصورت لازم دیده میشود که استهلاک آنها را به طول سال هایکه از آن استفاده میشود تقسیم نمود. و قابل یادآوری است که عمر استفاده از شی و اندازه اسقاط - ارزش آن در هر دوره مالی به طور دقیق قابل محاسبه نبوده بنا میتوان اظهار نظر کرد که محاسبه و تعیین استهلاک سهم تخمین و تقریبی خود را در اسقاط ارزش دارانی ثابت نمایان میسازد.

بطور عموم محاسبین بعد از وضع استهلاک ارزش اقلام ثابت را تعیین مینمایند و منظور از قیمت تمام شد شی تمام تادیات و پرداخت های که جهت خرید حمل و نقل

- نصب و تمام مصارفیکه جهت استفاده ساختن آن بکار میرود میباشد - البته در تعیین قیمت تمام شد و ارزش دارائی ها موضوع انفلاسیون که باعث تغییرات سطح قیم میشود و هم دیگر عوامل موثر را از نظر دور نباید گرفت واضح است که در اثر استفاده و به کار انداختن شی و هم دیگر عوامل از ارزش اولیه اقلام دارائی میکاهد قیمت و یا ارزش از بین رفته را در جمله مصرف استهلاکات میتوان محسوب نمود.

کاهش ارزش اقلام دارائی که در هر دوره مالی بنام استهلاک منظور و یا محاسبه میشود در عمل مشکلاتی را بار میاورند و تاثیر آن در بیلانس ها نفع و ضرر مسایل مالیاتی، محصول ملی و غیره که هر کدام آن قابل مطالعه و تجزیه و تحلیل جداگانه دیده میشود، محسوس است. از نظر حسابداری تا حدود زیادی مربوط به انتخاب روش میتودها، طرق محاسبه استهلاک میباشد که این روش ها بالنوبه خود موثر بوده و قابل مطالعه و تجزیه و تحلیل جداگانه نیز میباشد عوامل زیادی در استهلاک موثر است که این عوامل را استفاده از اشیاء و هم عدم استفاده از اشیاء اختراعات و اکتشافات پیشرفت های فنی و علمی عدم تقاضا، عدم بازار فروش اشیاء، عدم موجودیت مواد اولیه مورد نیاز، عوامل غیرریشینی شده و غیرمترقبه، عدم دقت در نگهداری اموال و اشیاء و غیره را میتوان نام برد که بذات خود درجه موثریت هر کدام آن در استهلاک اشیاء مختلف بوده و قابل بحث و مطالعه جداگانه نیز دیده میشود.

برای اینکه استهلاک یک جنس را محاسبه و تعیین کرده بتوانیم معلومات از قبیل قیمت تمام شد شی، تعیین ارزش جنس مدت دوام قابل استفاده بودن شی، ضرور پنداشته میشود. و قابل یادآوری مجدد دیده میشود که تعیین و محاسبه ارزش صحیح استهلاک کار آسان و ساده نبوده و همیشه از تخمینات کار گرفته میشود و محاسبن در سنجش استهلاک باید سعی بلیغ به خرج دهند تا این تخمینات را تا حد ممکن

بواقعیت ها نزد یکتر سازند و جهت برآوردن این امیال باید از اهل فن آن استفاده نموده و تجارب سال های گذشته و عوامل اقلیمی و وضع سیر قیم را در نظر گیرند.

روش های تعیین استهلاك:

انتخاب طریقه مناسب استهلاك برای هر یک از انواع دارائی را میتوان در حد اعظمی مفاد حاصله اداره و یا موسسه جستجو نمود. طور مثال برای یک موسسه ممکن خواهد بود که با به کار بردن طریقه یا روش تولید که باین طریق استهلاك باساس ارزش دارائی به حسب واحد تولید یا ساعات کار انجام شده محاسبه میشود استفاده نمایند ولی شاید این طریقه برای اداره و موسسه دیگر غیر مطلوب و پر ثمر نخواهد بود چه قبل از اینکه نقش استهلاكات را در دارائی و حسابات مطالعه نماید نخست لازم است که روش های محاسبه و تعیین استهلاك در دارائی ها و بعدا تاثیر آنها در حسابات عمده یک موسسه و یا اداره مربوطه بدانیم. این طریقه به ارقام و معلومات احصائیوی دقیق ضرورت داشته که داشتن و تهیه این ارقام شاید برای موسسه اول امکان پذیر و باصرفه بوده برای موسسه دوم از نظر نداشتن ارقام و معلومات احصائیوی با صرفه و ممکن نباشد و یا برای بعضی موسسات طریقه دیگری از استهلاك مانند استهلاك باساس روش اندازه تولید و یا انجام ساعات کار مطلوب واقع گردد که در این طریقه هم به معلومات و ارقام احصائیوی نتایج و تجارب سال های گذشته و بعضی معلومات فنی دیگر ضرورت میافتد که تهیه این معلومات برای یک موسسه سهلتر و برای موسسه دیگر مشکلتر خواهد بود از نظر حسابداری روش های استهلاك به بعضی معلومات دیگر مانند نرخ سالانه استهلاك عمر کارو قابل استفاده دارائی ضرورت است که این کار توسط بررسی ها تحقیق و تجارب سال های گذشته میسر میگردد و هم باید متذکر شد که تعیین و تخمین سالهای قابل استفاده دارائی به سیاست موسسه میتود حفظ و نگهداری موسسه و هم به ساختمان دارائی

نیز مربوطه میباشد که جمع آوری معلومات ارقام لازم برای موسسه یا اداره مصارف زیادی را بار خواهد آورد از اینرو - برای تعیین روش استهلاك مطالعات و تحقیقات زیادی لازم است چند طریق برای، محاسبه و سنجش استهلاك دارانی ثابت موجود است که استفاده از هر کدام مربوطه به تناسب اندازه استفاده موثر و مفید از آن ها میباشد و شاید در بعضی اوضاع و احوال، یک موسسه لازم دانند که جهت محاسبه دارانی ثابت از دو طریق و یا چندین طریق پهلوی هم استفاده نمایند میتودهای مهم استهلاك قرار ذیل است که با ذکر یک یک مثال درین جا طور خلاصه ارائه میگردد.

۱ - روش خطی استهلاك:

این طریقه یکی از طرق بسیار ساده و آسان بوده و مورد استفاده آن نسبت مساوی سهم استهلاك سالانه در طول عمر دارانی آنقدر قناعت بخش واقع نمی گردد در این میتود قیمت شی یا دارانی به سالهای عمر آن مساویانه تقسیم میگردد ارزش استهلاك شی چنین محاسبه میگردد اگر قیمت تمام شد یک شی فرضاً (۱۰۰۰۰۰) افغانی باشد و دوام عمر شی مذکور ۱۰ سال فرض شود طبق این طریقه یکصد هزار تقسیم ده مساوی به ده هزار مبلغ (۱۰۰۰۰) افغانی سالانه به حساب استهلاك آن منظور میگردد این طریقه یکی از طرق بسیار قدیمه تاریخی بوده و استفاده ازین طریقه برای دوایر و موسسات که فاقد معلومات و ارقام احصایی لازم هستند اقتصادی تر میباشد ولی باوجود سهل بودن این طریقه در پهلوی خود دارای بعضی نواقص نیز است چه در این طریقه استهلاك بمرور زمان در طول مدت مساوی و طوریک نواخت صورت میگیرد و هر سال طور مساوی از قیمت اولی آن به حساب استهلاك منظور میگردد درین جا جای شک نیست که استهلاك بوقت و زمان ارتباط دارد و هم، زمان یکی از عوامل بسیار مهم استهلاك محسوب میگردد ولی ممکن یک سان بودن

تأثیر این عوامل در تمام سال‌ها بدون در نظر داشت دیگر عوامل نتایج مطلوب قناعت بخش بار نیاورد. همچنین اندازه کار و استفاده از شی در هر دوره مالی طور مداوم امکان پذیر نخواهد بود. و از طرف دیگر اختراعات و پیشرفت‌های علوم و فنون در مواقع مختلف یک سان نمیباشد جهت وضاحت موضوعات متذکره میتوان با ارائه یک مثال پرداخت فرضاً یک عراده موتور تکسی اگر (۲۰۰۰۰۰۰) افغانی قیمت داشته باشد و عمر قابل استفاده آن چهار سال و ارزش اسقاط آن (۱۰۰۰۰۰) افغانی باشد و تکسی مذکور اگر سالانه مبلغ (۴۰۰۰۰۰) افغانی فایده هم داشته باشد نظر به میتود استهلاک خطی آنرا بعد از وضع ارزش اسقاط آن یعنی اگر از قیمت تکسی (۲۰۰۰۰۰۰) افغانی - مبلغ (۱۰۰۰۰۰) افغانی وضع گردد مبلغ باقیمانده یعنی (۱۹۰۰۰۰۰) افغانی در چهار سال که در هر سال مبلغ (۴۷۵۰۰۰) افغانی به حساب استهلاک منظور میگردد که درین طریق عاید تکسی و یا دیگر مفاد یکه تکسی بار میآورد از نظر دور انداخته شده است نظر بداشتن بعضی خاها درین طریق بعضی انتقادات خصوصاً در اشیائیکه مستقلاً عاید تولید مینماید مانند کشتی رانی‌ها، سرویس‌ها، تکسی‌ها و غیره وارد میشود طوری که در مثال فوق عاید تکسی را در چهار سال یک سان فرض کردیم در عمل این طریق آنقدر زیاد قابل استفاده نمیباشد زیرا با استعمال و ایجاب به ترمیم آن در سال‌های اخیر عمر تکسی عاید آن نیز کمتر میگردد چون درین طریق مصارف استهلاک ثابت گرفته شده بمرور زمان مصارف ترمیم آن نیز بالا میرود همچنین این طریق از نظر محاسبه صنعتی نیز مشکلاتی بار میآورد چه اندازه و مقدار تولید یک اداره و یا موسسه صنعتی ارتباط مستقیم به موجودیت بازار فروش دارد در اینصورت اکثراً اتفاق می افتد که محصول فابریکه و یا موسسه صنعتی در ایام مختلف سال گاهی سیر صعودی و گاهی سیر نزولی را اختیار مینمایند اگر برای محاسبه استهلاک این فابریکه از روش خطی، استفاده گردد باساز

این روش یک مبلغ ثابت همه ساله به حساب استهلاک، منظور میگردد حالانکه مقدار تولید و مدت کار فابریکه یک سان و ثابت مانده نمی تواند چه در سال هاییکه مقدار تولید زیادتیر از قیمت روزهای عادی خواهد بود اگر تنها مصرف استهلاک در نظر باشد با ترتقلیل مقدار تولید قیمت فی واحد تولید افزایش میابد.

باوجود خلاهای متذکره این طریقه یکی از مهمترین و متداولترین طرق استهلاک محسوب میشود که علت عمده آترا میتوان در سهولت و سادگی کار و علمیات ساده آن جستجو نمود.

۲ - روش اندازه تولید و یا ساعات کار :

درین روش مقدار تولید در تعیین و محاسبه استهلاک موثر است طور مثال اگر فرض شود که یک ماشین در طول عمر خود ۱۰۰۰ واحد شی معین را تولید مینماید و در ختم سال اول استفاده از آن برای ۲۰۰ واحد شی مبلغ استهلاک آن در همان سال دو برده و یک بر پنج قیمت تمام شد آن خواهد بود ازین روش زیادتیر در مورد ماشین و آلانیکه اندازه کار آنها از نظر مقدار تولید و یا مجموع ساعات کار آن تعیین شده بتوانند استفاده میگردد.

فرق عمده این طریقه با طرق دیگر درین است که اندازه استهلاک بانسیجه کاران رابطه مستقیم دارد مثلاً اگر یک طیاره به قیمت (۱۰۰۰۰۰۰۰) افغانی خریداری شده باشد و قدرت پروازان (۱۰۰۰۰) ساعت باشد برای هر ساعت پرواز مبلغ (۱۰۰۰) افغانی یعنی ۱۰۰۰۰۰۰۰ تقسیم (۱۰۰۰۰) مساوی به ۱۰۰۰ افغانی به حساب استهلاک منظور میگردد از طریقه مذکور میتوان جهت محاسبه استهلاک همچو دارائی ها استفاده بعمل آورد و درینصورت نتایج حاصله آن قناعت بخش خواهد بود ولی در طریقه تولید و یا ساعات کار زیادتیر متوجه اندازه

تولید و یا ساعات کار شده و به وضع فابریکه از نظر فزیک، زمان و عوامل دیگر آنقدر توجه نشده است ولی میدانیم که در محاسبه استهلاک و یا عوامل استهلاک زمان و طرق استفاده از شی نیز موثر است. چه با گذشت وقت و زمان عوامل جوی پیشرفت های علوم و فنون در استهلاک جنس اثر بسزایی دارد و این عوامل موثر را نمیتوان نادیده گرفت.

۳ - روش نزولی استهلاک:

درین طریقه ارزش استهلاک سالانه جنس از روی دارائی باقی مانده بعد از وضع استهلاک در هر سال از آن کم میگردد بالترتیب، سال به سال قابل محاسبه میباشد یعنی همه ساله ارزش استهلاک شی نظر به ارزش دفتری محاسبه می گردد استفاده و استعمال روش مذکور را میتوان ذریعه مثال ذیل واضح نمود.

فرضاً قیمت یک جنس (۶۰۰۰۰۰۰) افغانی و نرخ استهلاک ثابت فرضاً ده فیصد باشد درینصورت در پنج سال استهلاک از قیمت شی چنین محاسبه میگردد. سال اول ۱۰ فیصد استهلاک از قیمت جنس مقرب یعنی (۶۰۰۰۰۰) افغانی، سال دوم ۱۰ فیصد استهلاک از قیمت جنس بعد از وضع سهم استهلاک در سال اول یعنی (۶۰۰۰۰۰) منفی (۶۰۰۰۰۰) مساوی به (۵۴۰۰۰۰۰) افغانی میشود.

سال سوم ۱۰ فیصد استهلاک از قیمت جنس بعد از وضع استهلاک سال دوم یعنی (۴۵۰۰۰۰۰) مساوی به (۴۸۶۰۰۰۰) افغانی که استهلاک آن مساوی به (۴۸۶۰۰۰) افغانی.

سال چهارم ۱۰ فیصد استهلاک از قیمت جنس بعد از وضع استهلاک سال سوم یعنی (۴۸۶۰۰۰) منفی ۴۸۶۰۰ مساوی به (۴۳۷۴۰۰۰) افغانی که استهلاک آن مساوی به (۴۳۷۴۰۰) افغانی میشود.

سال پنجم ۱۰ فیصد استهلاک از قیمت شی بعد از وضع استهلاک سال چهارم - یعنی (۴۳۷۴۰۰) منفی (۴۳۴۷۰) مساوی به (۳۹۳۶۶۰) افغانی که استهلاک آن (۳۹۳۶۶) افغانی میشود. یکی از خصوصیات مهم این طریقه این است که با وضع استهلاک ارزش دارائی بمصرف نمیرسد در سال های اول ارزش استهلاک زیادتیر بوده و بالتربیب سال بسال روبه تنقیص میگراید کشور هایکه ازین طریقه استفاده مینمایند در سال های اخیر عمر دارائی نرخ استهلاک را بالا میرد یکی ازین ممالک را می توان انگلستان مثال آورد. در انگلستان زمانیکه مجموع ارزش استهلاک وضع شده ۷۵ فیصد میرسد که نرخ استهلاک را در سال های آینده از ده فیصد به بیست فیصد افزایش میدهد و استهلاک دارائی مذکور را در سال های مابعد از روی بیست فیصد محاسبه مینمایند. این طریقه به طور عموم مثل طریقه مجموع سنوات از اصل محافظ کاری زیادتیر تبعیت مینماید زیرا در سال های اول، از جنس مذکور استفاده بیشتر و هم مفاد بیشتر بعمل آمده و به مرور زمان اندازه استفاده و مفاد کمتر شده اینطریق وضع فیصدی استهلاک به حالت اداره سازگار بوده و مقرون به صرفه موسسه میباشد، بر عکس چون در سال های اخیر جنس مذکور مواجه بمصارف زیاد ترمیم و دیگر عوامل قرار میگردد وضع کمتر استهلاک از شی مذکور تیر منطقی و با صرفه موسسه میباشد این دو حالت در یک موسسه مفاد و ضرر در سال های مختلف و در طول عمرش یکدیگر را تعدیل مینمایند یعنی مجموع ارزش استهلاک و مصارف ترمیمی سالهای مختلف، خود را به یکدیگر نزدیک می سازد چون سال بسال استهلاک کمتر شده و از قیمت جنس بالتربیب وضع میگردد این طریقه از بعضی جهات به طریقه مجموع سنوات شباهت پیدا می نمایند و میتوان این طریقه را نیز بنام طریقه نزولی استهلاک نامید ولی باین تفاوت که در طریقه مجموع سنوات با کاهش عمر جنس و در طریقه ارزش خاص استهلاک با کاهش قیمت آن در هر سال حالت نزولی سالانه استهلاک نمایان میگردد. (۲۰)

۴ - روش قسط السنین یا وضع استهلاك بربح مرکب :

درین طریقه مبلغ ثابت در طول زمان معمولاً سالانه برای استهلاك بربح مرکب گذاشته میشود و طوری این اقساط محاسبه میگردد که درختم مدت اصل و فرع آن مساوی به قیمت جنس مستهلك میگردد. چون این طریقه عملیات و محاسبات زیاد کار دارد و طرز محاسبه آن نیز پیچیده و مغلق است ازین رو موارد استعمال آن کم میباشد و عوض اینکه ارزش استهلاك را به صورت قرض و یازاکد در حسابات خود نگهدارند بتر ترجیح میدهند که از طریق گردش پول استفاده بتر و اعظمی نمایند. باوجود آن هم موسساتیکه به لوازم حسابی مجهز هستند و هم معلومات و ارقام حسابهای قیمت تمام شد جنس و ارزش اسقاط استهلاك بدست داشته باشند از این طریق در بسی موارد استفاده مینمایند.

باوجود روش های متذکره بعضی طرق دیگری هم جهت محاسبه استهلاك دارائی - موجود است که موسسه یا اداره نظر به شرایط و ارقام و معلومات دست داشته و لوازم حسابی آنها به کار میبرند از جمله میتوان روش فیصدی مفاد خالص موسسه که به اساس آن استهلاك - تعیین میگردد نامبرد که بااساس این روش چند فیصد مفاد خالص را بنام استهلاك منظور میکند و اندازه فیصدی آن نظر به شرایط اوضاع احوال اقتصادی موسسه که از یک موسسه نسبت بدیگر متفاوت خواهد بود تعیین میگردد این طریقه در بعضی شرایط و احوال باروش های متذکره مشابه و در بعضی شرایط و احوال با هم متفاوت میباشد در بعضی شرایط این روش از اصل محافظ کاری نیز پیروی مینماید، زمانیکه مفاد موسسه زیاد میباشد به تناسب آن استهلاك زیادتر بر عکس زمانیکه مفاد موسسه کمتر باشد و استهلاك آن نیز کمتر تعیین و وضع میگردد. در کشورهاییکه فاقد ارقام احصائیوی و فاقد به قواعد و روش

های ثابت سنجش استهلاک هستند همه ساله یک مبلغ ثابت را بنام استهلاک از دارائی خود وضع مینماید که این عمل زیادتیر در کشورهای روبه انکشاف منجمله در کشور عزیز ما در بعضی موارد بیشتر مورد استفاده قرار میگیرد. باید یاد آور شد که در بین کارشناسان و اهل فن ادارات و مؤسسات در موضوع و محاسبه استهلاک وحدت نظر موجود نیست بعضی ها وضع ارزش استهلاک را از دارائی که به حساب استهلاک منظور مینمایند منطقی دانسته و بعضاً وضع ارزش استهلاک را به حساب مصرف مؤسسه طرفداری میکنند و بعضی ها وضع ارزش استهلاک را از دارائی ها طرفدار نیستند که در زمینه هر کدام آنها دلایل جهت اظهار نظر خود ابراز داشته اند.

از جمله آن کسانی که طرفدار وضع ارزش استهلاک از مفاد مؤسسه هستند چنین دلیل میآورند که چون دارائی ثابت یک مؤسسه برای بدست آوردن مفاد و عاید میباشد در صورتیکه دارائی ثابت عاید و مفاد حاصل مینماید و هدف اصلی دارائی هم مفاد است درینصورت وضع استهلاک را از مفاد منطقی دانسته اند.

و بعضی ها که وضع ارزش استهلاک را از بعضی دارائی هایکه را کدی ایی ثمرمانده مثل صنایع معادن که معادن آن ختم گردید و دارائی ثابت مربوطه آن در تحصیل تولید و یا مفاد سهم شده نمیتواند وضع ارزش استهلاک از همچو دارائی ها را غیر منطقی می پندارند بعضی ها در حصه صنایع که دست خوش تحولات نوسانات اقتصادی قرار میگیرند فعالیت شان گاهی به مفاد و گاهی به ضرر منجر میگردند میگویند که در هنگام ضرر مؤسسه وضع ارزش استهلاک به حالت مؤسسه سازگار نخواهد بود درین زمینه راه اعتدال را باید در پیش گرفت باید ارزش استهلاک آن به مصرف مؤسسه منظور کرد، و هم کسانی هستند که اظهار عقیده می کنند که در صورت عدم استفاده از دارائی مثل تعمیرات، کارخانها که از فعالیت بازمانده و تولید

و یا مفاد ندارند و تابع مالیات میباشند درین صورت اگر با وضع ارزش استهلاک از مالیات فعالیت حاصل میدارند وضع ارزش استهلاک از دارائی مجاز بوده و درین صورت بهتر خواهد بود که ارزش استهلاک آن به مصرف موسسه منظور گردد.

و بعضی ها در حالت شک و تردید قرار گرفته و به نظریات عقاید متذکره انگشت گذاری مینمایند و اظهار نظر دارند که اگر استهلاک را تابع عاید موسسه سازیم و سالانه استهلاک آنرا از دارائی وضع نماییم به مروزمان وضع اصلی موسسه از واقعیت دورتر جلوه گر میشود و همچنین بعضی ها اظهار عقیده میکنند که اگر تنها عاید را در استهلاک مدار اعتبار قرار دهیم درینصورت بعضی اشتباهات را روبرو خواهیم شد چه تنها عاید مربوطه فابریکه موثر نبوده و بعضی از عوامل دیگر اقتصادی نیز در آن موثر خواهد بود و اگر تنها مقدار تولید و یا عاید را ملاک عمل قرار دهیم این عمل در حقیقت منطقی به نظر نمی رسد.

و هم چون عاید و مفاد را نمیتوان قبلاً پیشینی کرد اگر رابطه استهلاک را با عاید موسسه در نظر بگیریم درینصورت چون فابریکه ها دستخوش نوسانات اقتصادی قرار میگیرد و اندازه مفاد هم ثابت نمیشد و فروش اشیا و خدمات را هم به صورت موثق پیشینی کرده نمیتوانیم درین صورت وضع استهلاک باسناد عاید موسسه در بعضی حالات سازگار نبوده و منطقی به نظر نمی رسد. (۹)

طوریکه قبلاً گفتیم بعضی از اقلام دارائی غیر مادی از قبیل حق طبع حق امتیاز و اختراع به صورت کلی شامل اقلام دارائی غیر مادی بوده و تابع استهلاک میباشند و دارائی غیر مادی ممکن است به اثر قانون و شرایط اقتصادی و یا خط مشی اداره دارائی عمر کوتاه و یا عمر نامحدود قرار گیرند آن اقلام از دارائی غیر مادی که قابل اندازه بواحد پول باشد باید به قیمت تمام شد در دفاتر ثبت گردد ارزشی که باین ترتیب ثبت میشود تا زمانی معتبر است که این دارائی ها برای موسسه عایدی حاصل نماید.

البته تعیین و ارزش ارقام دارایی غیر مادی که خریداری گردیده اسان است ولی تعیین ارزش ارقام از دارایی هایکه از اثر فعالیت موسسه حاصل میگردد مشکل تر خواهد بود حق طبع و نشر که اکثرا مصارف آن کم و هم عموما به مصارف طبع و نشر به فروش میرسد و این حق برای صاحبان اولی اش ناچیز میباشد و کمتر اتفاق میافتد که حق طبع و نشر نظر به طول عمر آن مورد استفاده قرار گیرد ازینرو جهت سهولت کار عموماً مصارف آنها را در اولین طبع استهلاك میگیرند.

در مورد حق اختراع و امتیاز که خریداری شده باشد باید مبلغ تادیه شده در طول مدت که طبق قرارداد این حق به خریدار تعلق میگیرد، استهلاك شود، ممکن مدت حق امتیاز از ابتدای تحصیل پنج سال و یا زیادتر از آن باشد و استهلاك آن در طول مدت مربوط صورت میگیرد ولی اگر از تحصیل حق و ثبت آن مدتی بگذرد تا آن به فروش برسد و از نظر خریدار عمر آن کوتاه تر باشد درینصورت باید در مدت اخیر استهلاك گردد.

بعضی اوقات چنین واقع میگردد که با نزدیک شدن ختم عمر قانونی یک اختراع و یا امتیاز موسسه صاحب آن به ثبت اختراع و یا امتیازی دیگری اقدام میکنند که تمد امتیاز اولی میگردد درینصورت از نظر حسابداری میتوان مصارف سرمایوی اختراع و یا امتیاز اول را که در طول مدت تحصیل امتیاز دوم استهلاك نشده باشد به حساب امتیاز جدید انتقال نموده و در طول عمر امتیاز دوم آن استهلاك میگردد.

ممکن بعضی مؤسسات ایجاب نمایند که حق امتیاز قبل از بسر رسیدن موعد و انقضای عمر قانونی آن استهلاك گردد، خصوصا با پیشرفت های حاصله و روزافزون علوم و فنون اینطور زیاد واقع میگردد که با اثر اختراع جدید فایده خود را از دست میدهد درین صورت لازم به تذکر است که در حسابداری فایده اشیا و حقوق را میتوان استهلاك نموده خود شی را در اینصورت حقوق امتیاز را در طول

مدت که سپری گردیده میتوان استهلاك نمود ممکن است بعضی اوقات چند حق امتیاز و یا اختراع یک جا به قیمت بالمقطع خریداری گردد و یا به اسانی ممکن نباشد که قیمت هر کدام آنرا از هم تفکیک نمود و ممکن است سهم مفاد هر کدام نیز به مشکل میسر گردد درینصورت آنجا به اساس مدت تخصیصی قیمت اولی مدار اعتبار قرار میگیرد و استهلاك آن ذیلا محاسبه میشود.

فرضا سه حق امتیاز که یکی دارای مدت پانزده سال و دیگری دوازده سال و سومی به مدت شش سال خریداری شده باشد عمر این اقلام به حساب ماه بانترتیب (۱۸۰)، (۱۴۴) و (۷۲) که جمعا (۳۹۶) ماه میشود میباشد و فرض میشود که بعد از انقضای شش سال اول یکی از اقلام مذکور از استفاده بازماند و همچنین بعد از انقضای مدت دوازده سال دو قلم آن از استفاده بازماند درینصورت برای تعیین استهلاك هر ماه در سال های مذکور ذیلا محاسبه میشود در مدت شش سال اول عدد (۳۹۶) را در مخرج قرار داده و عدد (۳) در صورت و ضرب قیمت مجموعی خریداری شده میگردد.

درین صورت برای هر ماه سال های مذکور استهلاك محاسبه میگردد و در تمام موارد مخرج تغییر نمیکند. در زمانی که اقلام دارائی موسسه به قیمت های متفاوت از ارزش ثبت شده دفتر به فروش برسد درینصورت قیمت خرید - خریدار مدار اعتبار قرار میگیرد و استهلاك آن به اعتبار خرید محاسبه میگردد و به اعتبار ارزش دفتر استهلاك محاسبه نمیگردد. (۱۴،۹)

تأثیر استهلاك:

همانطوریکه روش های بخش استهلاك متنوع و دارای نتایج مختلف میباشد و تاثیر آن نیز به سهم مختلف در حسابات مربوط مختلف خواهد بود طور عمده تاثیر مهم استهلاك را میتوان در حسابات ذیل مطالعه نمود.

۱- تاثیر استهلاک در بیلابنس:

عموماً استهلاک را تاختم تهیه بیلابنس از قیمت اموال کم میسازد و باقیمانده حساب دفتر در مجموع ستون دارائی بیلابنس درج و ثبت میگردد طور مثال اگر در جمله دارائی ثابت یک عراده موتر بقیمت ۳۰۰,۰۰۰ افغانی ثبت شده باشد و استهلاک موضوعی موتر مذکور تا مدت تهیه بیلابنس مبلغ (۱۲۰۰۰) افغانی باشد درینصورت ارزش خالص موتر مذکور را مبلغ (۲۸۸۰۰۰۰) افغانی تثبیت نموده میتوانیم. مثال مذکور نشان دهنده آنست که استهلاک وضع شده تاثیر در بیلابنس وارد میسازد و نمیتوان ذخیره استهلاک را مستقیماً از حسابدارائی ثبت شده دفاتر مربوط آن وضع نمود زیرا قیمت تمام شد دارائی حقیقی است در حالیکه استهلاک به صورت تخمین و تقریبی تعیین میگردد.

۲- تاثیر استهلاک در نفع و ضرر:

در حساب نفع و ضرر استهلاک در جمله اقلام مصارف محسوب میشود تاثیر آن در نمایش مجموع مصارف سال موثر بوده و باعث نمایش در تقلیل عواید میگردد عدم دقت در تعیین ارزش استهلاک سالانه مفاد خالص موسسه را غیر واقعی نشان میدهد.

یعنی در صورتیکه استهلاک بیشتر از واقعیت منظور شده باشد مفاد موسسه کمتر وانمود میگردد و برعکس عدم تکافوی مصارف استهلاک تا حد زیاد سبب این خواهد شد که قسمتی از سرمایه یک موسسه جز مفاد آن در حساب منظور شود بنابراین در تعیین استهلاک تا حد ممکن باید دقت به کار برده شود زیرا مشکلاتی را بین سرمایه و مفاد به میان خواهد آورد و ممکن یکی به جای دیگر در حسابهای مالی قلمداد گردد اگر این مفاد غیر واقعی، در بین سهم دارن تقسیم گردد شاید مفاد

حاصله از مفاد غیر واقعی کمتر باشد و باعث توزیع یک قسمت از سرمایه ابتدایی موسسه نیز گردد.

۳ - تاثیر استهلاك در ماليات:

ماليات يك موسسه به ارزش استهلاك يك موسسه رابطه مستقيم دارد باین معنی كه استهلاك در تعیین مفاد يك موسسه موثر است خصوصاً در صورتیكه استهلاك سهم زیادی در دارائی موسسه دارا باشد. درینصورت با تادیه استهلاك مفاد موسسه کمتر وانمود گردیده درین صورت ماليات موسسه نیز نسبت کمی مفاد تقلیل میابد. برخلاف اگر استهلاك کمتر از دارائی موسسه وضع گردد مفاد موسسه زیاد نشان داده میشود و ماليات را هم به همان تناسب زیادتر خواهد پرداخت.

۴ - تاثیر استهلاك در قیمت تمام شد:

استهلاك يك قسمت از قیمت تمام شد محصول را تشکیل میدهد بنابراین این مبلغ ارتباط مستقیم باقیمت فروش اشیا و خدمات دارد خصوصاً در تعیین نرخ فروش تولید صنایع بزرگ كه سرمایه زیاد آنها را دارائی ثابت تشکیل می دهد حایز اهمیت زیاد است.

۵ - تاثیر استهلاك در محاسبه عاید ملی:

در سنجش و محاسبه عاید ملی باید تمام مصارف استهلاكی از مجموع ارزش اشیا و خدمات در همان سال وضع نمود. باین اساس افزایش و یا کاهش وجوه استهلاك در مجموع عاید ملی موثر واقع میگردد بر علاوه اثرات استهلاك در موضوعات فوق الذکر استهلاك در ادامه کار و فعالیت موسسه نیز اثری زیاد دارد زیرا عمر اكثر موسسات غیر محدود و نامعلوم است از این رو وسایل ولوازم جهت ادامه کار آنها ضروری پنداشته میشود اشیا و لوازم كه باثر کار و سپری شده موعده

آن از بین می‌رود تهیه و تجدید این وسایل ضرور پنداشته می‌شود تهیه مجدد و حفاظت این وسایل را میتوان از طریق وجوه استهلاک کارسازی نمود و جهت ادامه فعالیت و حفاظت و تجدید لوازم برای موسسه حتی بعضی‌ها طرفدار این است که استهلاک را سریع‌تر نسبت به عمر قانونی اشیا در نظر گیرند که برای انجام این عمل دو نظر موجود است .

اول اینکه: در سال‌های پرعاید صنایع باید بتواند مصارف زیاد استهلاک را این طریق تأمین نمایند تا در زمان رکود بازار و یا سالهاییکه موسسه به عاید کم روبرو می‌شود ازین راه کارسازی نموده و دچار مشکل اقتصادی نگردد.

دوم اینکه: تسریع در استهلاک و تقلیل عمر فابریکه موجب تشویق سرمایه گذاری گردیده و باعث توسعه فعالیت‌ها در رشته‌های مربوطه می‌گردد که درین حالت تقلیل عمر یعنی افزایش استهلاک سبب عدم تطبیق قیمت ثبت شده دفتر و قیمت حقیقی می‌گردد.

جهت حل این اختلافات باید راه‌های منطقی و حسابی جستجو گردد در غیر آن این حسابات با نظر داشت اثرات مثبت و منفی همه جانبه آن واقعیت‌ها را از سمت اصلی خود بسمت دیگری خواهد کشانید.

باید علاوه گردد که از نظر حساب داری ارزیابی ارقام استهلاک شده به قیمت روز نتیجه مطلوب را باری آورد درجهت تثبیت و تعیین قیمت روز واحد تولید بداشتن احصائیه‌ها و ارقام موثق ضرورت می‌باشد خصوصاً این وضع در حسابداری صنعتی زیادتر جلب توجه قرار می‌گیرد چه از نظر حسابداری صنعتی تعیین ارزش مواد مصرف شده در قیمت تمام شد شی و فابریکه حایز اهمیت بسزانی می باشد و باید علاوه نمود که ارزش مواد مصرفی باقیمت حساب دفتر اشیا خریداری شده برای تولید شی فرق داشته ولی تا حد زیادی با قیمت دفتر ارتباط و بستگی دارد

و تعیین ارزش هر دوی آن قیمت روز مشکلاتی در پیشرو دارد و برای تعیین ارزش روز این مواد ارقام و احصائیه ها در تمام پروسه تهیه و تولید و هم داشتن معلومات سیر شاخص قیمت مواد به کار رفته، ضرور پنداشته میشود. (۹)

فصل سوم

عوامل عمده و موثر تعیین کننده قیمت ها

تحت این فصل عناوین و مطالب زیاد گنجانیده شده میتواند ولی درین جا مطالب بسیار عمده که به مسایل تعیین و تثبیت قیمت ها و مطالب مهمی دیگری که باین موضوع ارتباط میگیرد ذیلا بیان میگردد.

اول قیمت به هتایه افاده پولی ارزش:

اکثر علمای اقتصاد بموضوع اینکه قیمت یک افاده پولی ارزش است موضوع را بصورت مشخص و موجه بیان نموده و بعضی ها از مطالب مذکور چشم پوشی نموده اند ولی امروز اقتصاددانان موضوع قیمت بمثابه افاده پولی ارزش را مورد مطالعه قرار داده اند درین جا ما هم خواستیم به ارتباط موضوع بعضی مطالب مربوط را طور موجه و مختصر بیان نماییم در واقع تشکل سطح و روابط قیم و تغییرات آنها را

ارزش تشکیل می‌دهد. قانون ارزش تعیین کننده قانون مندی تغییرات قیم می‌باشد لذا نمیتوان قیمت کالا را مجرد و جدا از ارزش آن مطالعه کرد هر کالای در بازار بنابر ارزش یا به عباره دیگر بنابر مقدار کاریکه اجتماعا لازم است که در آن نهفته است عرضه و مبادله میشود.

با وجود اینکه قیمت همواره و در مورد هر نوع کالا با ارزش کالا مطابقت ندارد ولی در مقیاس کل تولید و همه کالاها در یک اقتصاد و در یک دوره طولانی مجموع قیمت تمام کالاها با مجموع ارزش آنها مطابقت داشته می‌باشد. می‌توانیم تثبیت قیمت و اشکال انحراف آن از ارزش به چگونگی خاصیت مناسبات تولیدی سطح تاثیر و عملکرد عرضه و تقاضا در مورد کالای معین امکان تنظیم قیم توسط دولت، مقدار پول نشر شده، عوامل اجتماعی و غیره ارتباط می‌گیرد.

در تولید کالایی مبتنی بر مالکیت خصوص اگر قیمت پائین تر از سطح ارزش کالا باشد تولید آن کاهش، و اگر بالاتر از ارزش باشد تولید آن افزایش می‌آید در نتیجه نظمی در بازار برقرار میشود تغییرات عرضه و تقاضا زمینه نوسانات موقتی قیم را مساعد می‌سازد افزایش تقاضا سبب صعود قیم بر ارزش می‌شود و افزایش عرضه منجر به انحراف قیمت پائین از ارزش میشود. هرگاه عرضه و تقاضا در یک سطح باشد قیمت تعادل و یا متوازن به وجود می‌آید با درک تقاضا و نیاز جامعه به کالای معین تولید کننده گان در مورد اینکه چه مقدار کار برای رفع این نیازمندی باید صرف شود تصمیم می‌گیرند با صرف نیروی کار و وسایل تولید ارزش به وجود می‌آید سطح قیمت بازار در صورتیکه بیشتر از ارزش می‌باشد چنین می‌رساند که عرضه در سطح پائین قرار گرفته می‌باشد.

در شرایط تولید کالاها محصول کار، قیمت نزدیک به ارزش یا به عباره دیگر کالا در مطابقت و باهم نزدیکی با ارزش آن تبادل می‌گردد. مولدین خورده

کالایی بطور مستقیم در تولید کالا نیروی کار شانرا مصرف مینماید. عدم انکشاف در وسایل تخنیکی و مسلط بودن کار توسط دست باعث آن میگردد تا شرایط تولید در ساحات مختلف اقتصاد تقریباً یک سان و نسبتاً ثابت باشد در مراحل ابتدائی انکشاف سرمایه داری نیز قانون ارزش در تبادله و تشکیل قیمت نقش و عملکرد بسزائی داشت ولی در نتیجه انقلاب صنعتی با ظهور صنایع بزرگ و مسلط گردیدن مناسبات سرمایه داری در غرب مقدمات و شرایط رقابت های را بین رشته های تولیدی موضوع قیمت را نظر به ارزش آن بیشتر تبارز داد. در نظام سرمایه داری هر سرمایه دار در تلاش مفاد هر چه بیشتر است در سکنتور های مختلف تولید اجتماعی شرایط مختلف تولید وجود دارد. تفاوت های مقدار سرمایه و اساس سرعت دوران سرمایه - بالنتیجه سایکل نورم مفاد واقعیت عینی است به عباره دیگر در هر صنعت تصدی های زیادی وجود دارند که از لحاظ ساینز و وسایل تخنیکی، تکنالوژی و سازماندهی تولید و از لحاظ مؤلدیت از هم متفاوت اند. این بدان معنی است ارزش کالای هم جنس تولید شده در تصدی های مختلف، مختلف است.

قیمت یک مقوله تاریخی است نه تنها سطح قیم بلکه محتوای اقتصادی آن در ادوار مختلف تغییر نموده است ولی ارزش بمثابة اساس قیمت در تمام طرزهای تولید دارای اهمیت خاصی میباشد شرایط تشکیل ارزش خصوصاً افاده پولی آن در تولید کالا از نظر فردی بغرنج تر پیچیده و مغلقتر میگردد.

در مرحله انحلال دوره کمون اولیه و قتیکه در نتیجه تقسیم کار اجتماعی تبادله بین کمون های مختلف به وجود آمد قیمت نیز عرض اندام نموده است تبادله کالاها ضرورت کالای مخصوصی را که در آن تمام کالاها ارزش خود را یعنی به پول منعکس ساخته بتواند به وجود آورده و قتیکه محصول کارزمینداران و کسبه کاران منفرد در معرض تبادله کالایی قرار گرفت ساحه بکار برد قیمت توسعه یافت

انکشاف بعدی قیم در شرایط برده داری و فیودالی میسر گردید ولی ازینکه قسمت قابل ملاحظه محصول کار نامکان وسایل تولید به شکل طبیعی آن توسعه نمود و هم به استفاده مستقیم مولدین قرار می گرفت استفاده از پول محدود بود قیمت کمافی السابق در خدمت تولید ساده کالایی قرار داشت در سرمایه داری که در بطن فورمسیون فیودالی به وجود آمد و هدف آن تولید هر چه بیشتر ارزش اضافی میباشد در مقابل نیروی کار نیز معاش و یا مزد پولی پرداخته میشود، قیمت انعکاس دهنده مناسبات تولیدی سرمایه داری گردیده طوریکه قبلاً تذکر داده شد، نه تنها انحرافان ارزش بیشتر گردید بلکه موضوع ابعاد وسیعی کسب نموده.

در کشورهای سرمایه داری با وجود پائین آمدن ارزش اکثر کالاها (بابکار برد تکنالوژی و ماشین های جدید) قیمت ها سیر صعودی داشته است این صعود قیم باعث انفلاسیون گردیده و یکی از عوامل بحران های اقتصادی را درین کشور ها تشکیل میدهد، که کشورهای روبه انکشاف سرمایه داری نیز ازین بحران متضرر می گردند. و باید یاد آورد شد که در موضوع مفهوم ارزش و قیمت جزو بحث های زیادی در بین علمای اقتصاد شده ولی در اختصار به موضوع باید علاوه کرد که هر گاه عرضه و تقاضا باهم مطابقت نداشته باشد انحراف قیمت کالا از ارزش آن رخ میدهد عدم توافق عرضه و تقاضا نه تنها بر سطح قیمت بلکه بر ارزش نیز تاثیر دارد تقلیل قیم به ارتباط تقلیل تقاضا به کالای معین میتواند باعث تقلیل مصرف زمان کار بر تولید کالای مذکور گردند این به نوبه خود سبب پائین آمدن ارزش میشود تقاضای فزاینده سبب توسعه تولید کالا و توام با آن ارزش و بلاخره صعود قیم میگردد.

دوم: نقش عرضه و تقاضا:

عرضه و تقاضا را میتوان یکی از اجزای ترکیب کننده قیمت یاد کرد چه تغییرات در عرضه و تقاضا باعث تغییرات در سطح قیم میگردد. برای شناخت و

درک تغییرات قیمت از همه اولتر لازم است تا چگونگی پیدایش و کمیّت عرضه و تقاضا را دانست.

۱ - **تقاضا** علمای کلاسیک تقاضا را ناشی از شخصیت اراده فردی میدانستند ولی بعداً با ثبات رسید که حیات اجتماعی در تقاضای افراد مؤثر است درین حالت لازم است که این موضوع طور جداگانه مورد نظر قرار گیرد.

- تقاضا ناشی از اراده شخصیت فردی درین مورد تصمیم اشخاص را که از روی عقل و منطق تصمیم می‌گیرند در نظر گرفته میشود مبنای تقاضا اینگونه اشخاص رفع احتیاجات ناشی از طبیعت و غرایز انسان است مانند احتیاج به غذا، احتیاج به مسکن، لباس و غیره چیزیکه احتیاج را رفع مینماید و مفید باشد، ولی مفید بودن به تنهایی برای پیدایش تقاضا کافی نیست، بلکه فایده‌هایی آن نیز در نظر گرفته میشود. بنابر اصل رفع احتیاج و فایده‌هایی میتوان گفت که، اولاً هیچ تقاضا بوجود نمی‌آید مگر آنکه تقاضا کننده قبلاً اشیای مورد تقاضا را با سایر چیزها مقایسه کرده و آنها را به دیگران ترجیح داده باشد که این را میتوان قانون قابلیت مقایسه انفسی احتیاجات نامید. بنابرین قانون اشیا را با یکدیگر مقایسه کرده و احتیاجات را از نظر شدت آن یک بدیگر ترجیح میدهند.

ثانیاً تقاضا برای اجناس بمقدار معین تابع قانون تنزل انفسی احتیاجات است یعنی بمر اندازه اشیای معینی دارای مفیدیت خاص است و این مفاد نسبت به مقدار اشیا کم و یا زیاد میشود - چنانچه مفیدیت یک گیلان آب برای کسیکه تشنه است زیاد است ولی فایده گیلان دوم کمتر و همین طور بتدریج مفیدیت گیلان‌های دیگر کم شده میرود تا بصفر برسد.

تقاضا ناشی از تاثیر محیط: موضوع فوق با استناد عقل و منطق استوار است ولی در اکثر اوقات دیده میشود که اکثر از تقاضا‌ها دارای منشأ عقلانی

نیستند یعنی نمیتوان تصور کرد که آنها حد اکثر مفاد را بوجود خواهند آورد زیرا در مقابل تقاضای منطقی تقاضای های دیگر که ناشی از تاثیرات محیط است و بر تقاضای منطقی رجحان پیدا میکند نیز موجود است طور مثال یک محصل پس از تصمیم خرید یک کتاب از خانه خود خارج میشود و در عرض راه با اثر تبلیغات تجارتي فروشنده گان محصل مذکور بعوض یک جلد کتاب یک جوره جراب میخرد - حال آنکه خرید یک جلد کتاب از نظر منطقی و عقل دارای فایده زیاد نظر به خرید یک جوره جراب برای محصل مذکور بود. و باید علاوه نمود که در بین اشخاص منطقی و اشخاص بلهوس اشخاصی دیگری هم وجود دارد که دارای روش متوسطی هستند.

تقاضا از نظر زمان: تقاضا در مدت بسیار کوتاه در مورد اشخاصی که به منطقی

و یا تحت تاثیر محیط قرار میگیرند با قیمت رابطه معکوس پیدا میکند - یعنی هر قدر که قیمت صعود نماید تقاضا تقلیل میابد و هر قدر که قیمت تنزل نماید تقاضا بیشتر میگردد گرچه هیکو (Hicko) دانشمند اقتصاد معاصر انگلیسی اظهار نظر کرده است که در بعضی اوقات ممکن است تنزل قیمت بجای آنکه تقاضا را افزایش دهند موجب تقلیل آن خواهد شد چه در صورت نزول قیمت ها اشخاص میتوانند از مقداریکه خریداری میکنند کاسته و یا جنس دیگری را که قیمت تر و بهتر از جنس اول است خریداری نمایند. ولی بطور کلی اشخاص چه عاقلانه و یا چه تحت تاثیر محیط قرار گرفته باشند در مدت کوتاهی میتواند دارای تقاضای باشند و مقدار این تقاضا با قیمت نسبت معکوس دارد - در بنصورت اگر خواسته باشیم مجموع تقاضا را نسبت به اشیاى معینی بدست آریم باید تمام تقاضا ها را با هم یکجا نمود تا تقاضای مجموعی بدست آید - اگر مقادیر تقاضا با قیمت های مختلف جمع گردد منحنی تقاضا مجموعی را میتوان ترسیم نمود. (۱۲)

۲ - **عرضه:** عرضه عبارت از تصمیم اشخاص یا مؤسسات بمنظور عرضه کردن مقدار اجناس - خدمات بخریداران است - خلاف آنچه که فکر میشود که عرضه و تقاضا دارای اصول و مبنای واحدی نیستند زیرا تقاضا اکثراً از طرف

مستهلکین و عرضه اکثراً از طرف مولدین بوجود میاید و روحیه عکس العمل این دو گروه تابع شرایط واحدی نمیشد با وجود آن داشتن اصول و مبنای تقاضا حل و فصل مسایل مربوط به عرضه را آسانتر و اختلاف آنرا واضح تر خواهند ساخت. (۱۲)

عرضه یا مربوط به کالاها است یا مربوط به خدمات و یا هر دوی آن مقصد آن بفروش رساندن آن است مبنای مشخص منابع عرضه باین موضوعات متکی می باشد - منابع عرضه را موجودی اموال و خدمات و تولید خدمات و اموال جدید تشکیل میدهد (۷ و ۱۵).

طوری که قبلاً ذکر گردید که قیمت از تلاقی منحنی عرضه و تقاضا تثبیت میگردد و عرضه یکی از عوامل تثبیت قیمت ها محسوب میگردد بناء باین مورد نخواهد بود تا رابطه تقاضا و قیمت و رابطه عرضه و قیمت را بیان نموده و همچنین قیمت که از تعادل عرضه و تقاضا تثبیت میگردد طور مختصر بیان گردد.

تعیین قیمت کالا از طریق رقابت آزاد که از تقاطع منحنی عرضه و تقاضا در بازار بوجود میاید باید شناخت و درک رابطه تقاضا و قیمت و رابطه عرضه و قیمت، موضوعات جدول منحنی تقاضا و جدول منحنی عرضه لازمی می باشد.

۱ - رابطه تقاضا و قیمت: واضح است که مقدار خرید کالای مشخص در زمان معین به ثابت کردن فکتورهای دیگر تابع قیمت کالا می باشد بمر اندازه که قیمت کالا بیشتر باشد از کالای مذکور مقدار کمتری خریداری میگردد هر قدر که قیمت بازار پائین تر باشد خرید کالا بیشتر میگردد، درینصورت گفته میشود که در هر قیمت کالای در بازار و مقداری که مورد نیاز است یک رابطه موجود است که این رابطه را جدول تقاضا و منحنی تقاضا بوجود می آورد جدول تقاضا را میتوان با ارائه یک مثال یا قیمت و مقدار جنس الف در یک ماه چنین وانمود ساخت.

مقدار تقاضا به میلیون کیلوگرام جدول (۱)	قیمت فی کیلوگرام به افغانی
۶	۵
۹	۴
۱۳	۳
۱۷	۲
۲۲	۱

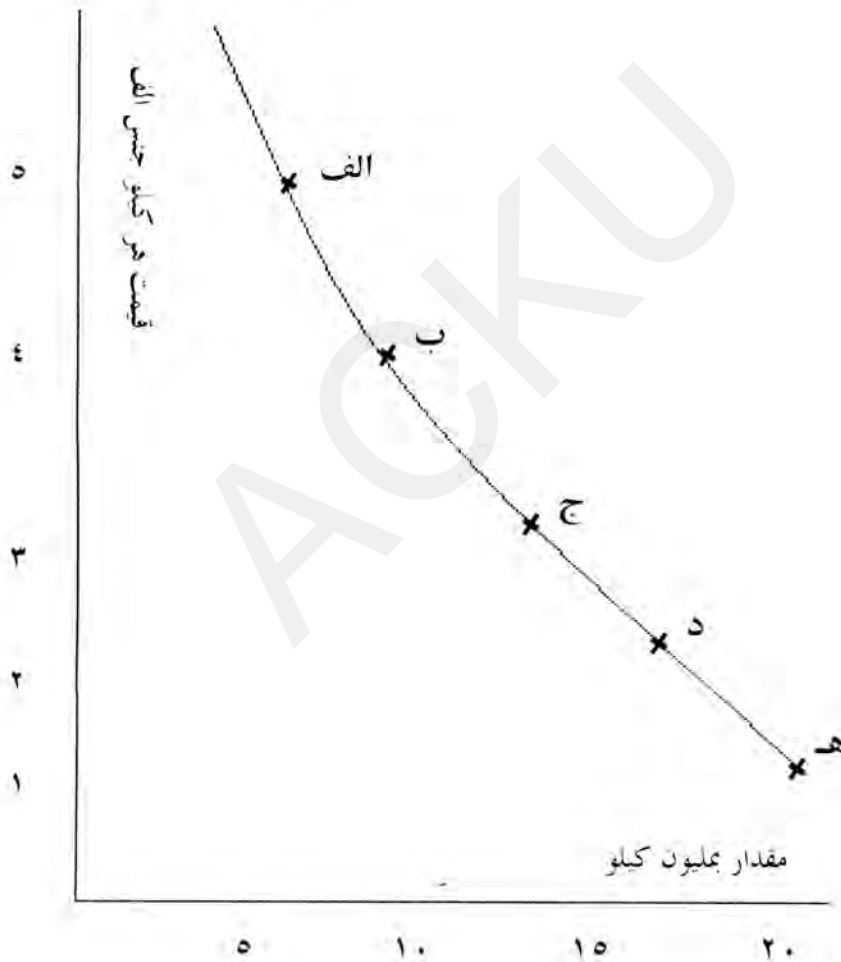
در جدول فوق دیده میشود که تقاضا برای جنس الف که مقابل هر قیمت مقدار معین تقاضا برای جنس الف موجود است و مستهلکین به هر قیمت فی کیلو جنس مقدار معینی را خریداری مینماید بمقابل قیمت هر کیلو جنس الف (۵) افغانی مقدار ۶ میلیون کیلوگرام در هر ماه و بمقابل فی کیلوگرام به قیمت (۴) افغانی مقدار ۹ میلیون کیلوگرام و همچنان بمقابل قیمت فی کیلوگرام جنس الف (۳) افغانی مقدار ۱۳ میلیون کیلوگرام خریداری میگردد یعنی با قیمت های پاینتر مقدار جنس الف مورد تقاضا بالا میرود.

اگر تغییرات اعداد مندرج جدول مذکور ذریعه منحنی ارائه گردد درینصورت منحنی تقاضا بوجود میآید در محور عمودی قیمت هایکه به مقابل مقدار مختلف در هر ماه بوجود میآید و در محور افقی مقدار جنسی است که بمقابل قیمت های مختلف در هر ماه خریداری میگردد نشان داده شده با نظر داشت رابطه معکوس که بین قیمت و مقدار تقاضا موجود است از متصل ساختن نقاط مذکور منحنی تقاضا بوجود میآید که معمولاً شکل نزولی داشته و این وضع را بنام قانون نزولی تقاضا نیز یاد کرده اند شکل (۱) منحنی تقاضا.

در منحنی مذکور نقطه (الف) مربوط به قیمت (۵) افغانی و تقاضا (۶) میلیون کیلو نقطه (ب) مربوط قیمت (۴) افغانی و تقاضای ۹ میلیون کیلوگرام نقطه

(ج) مربوطه به قیمت (۳) افغانی تقاضای ۱۳ ملیون کیلوگرام جنس الف در ظرف یک ماه میباشد و در صورت ثابت نگهداشتن دیگر عوامل یا بالا رفتن قیمت کالا مقدار تقاضا کمتر میگردد یا بعباره دیگر در حالات فوق با مقدار عرضه کالاهای بیشتر قیمت ها پائین تر میآید.

شکل (۱) منحنی تقاضا



بطور عمده یکی از علل نزولی بودن منحنی تقاضا این است. از نتیجه پائین آمدن قیمت برای، کالا احساس خریداری جدید پیدا میشود مثلاً اگر قیمت جنس مورد نظر بسیار زیاد شود تنها اشخاصیکه دارای عاید بیشتر و غنی تر اند میتوانند آنرا مصرف نمایند و اشخاصیکه دارای عاید کمتر است خریداری جنس الف را تقلیل میدهد و عوض آن ممکن جنس ب که قیمت آن کمتر و یا از دیگر موادی که قیمت آن از جنس الف کمتر باشد مصرف نمایند. علت عمده دیگران این است که اگر قیمت کالا بالا میرود اشخاص مقدار کمتری را از آن خریداری مینمایند زیرا در مرحله اول میتواند کالای دیگر را که قیمت اش بالا نرفته جانشین آن گردد مثلاً بجای قهوه چای مصرف نمایند و در مرحله دوم زمانی که قیمت کالا بالا رفت هر شخص خود را نادر و فقیرتر احساس مینماید و تصمیم میگیرند که اندازه مصرف خود را محدود سازند مثلاً اگر قیمت آب بسیار زیاد میشود اکثر مردم تنها برای نوشیدن آنرا خریداری خواهند کرد و اگر به تدریج قیمت آن تسزیل نماید برای شستن نظافت، گلکاری، باغداری و غیره مصرف خواهند کرد درینصورت قیمت که شخص ثروتمند آنرا برای گل کاری مصرف خریداری مینماید شخص فقیر و نادر برای نوشیدن و یا نظافت خریداری خواهند کرد.

۱ - رابطه عرضه با قیمت:

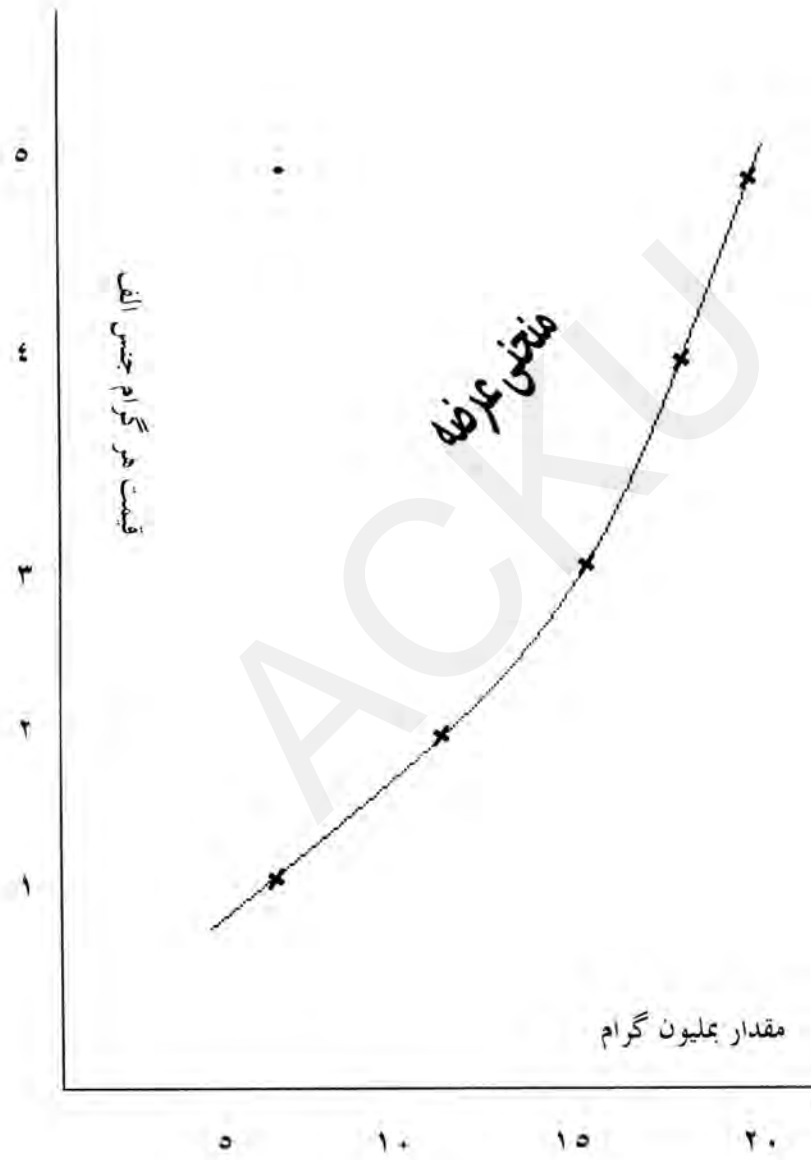
طوری که بین قیمت و تقاضا یک رابطه موجود است بین مقدار عرضه و قیمت نیز یک رابطه موجود است مثل که رابطه تقاضا با قیمت ذریعه یک جدول و منحنی نشان داده شد این رابطه را میتوان ذریعه یک جدول و منحنی نیز نشان دهیم.

قیمت فی کیلوگرام جنس الف مقدار عرضه ملیون کیلو (در یک ماه) جدول (۲)

الف	۵	۱۸
ب	۴	۱۶
ج	۳	۱۲
د	۲	۸
هـ	۱	۴

در جدول فوق بملاحظه میرسد که هر قدر که قیمت فی کیلوگرام جنس الف پائین میآید بمقابل آن مقدار عرضه نیز پائین آمده یا بعبارہ دیگر هنگامیکه قیمت جنس موجود بالا میروند زارعین میکوشند زمین هائرا که به تولید دیگر محصولات زراعتی تخصیص داده اند به جنس الف اختصاص دهند و آلات و تجهیزات زراعتی زیاد تر خریداری مینمایند و سطح استخدام در زراعت را نیز افزایش خواهند داد تا ازین طریق بتوانند محصول زراعتی زیاد تری بدست آرند و آنرا به بازار عرضه نمایند. ازروی جدول فوق میتوان منحنی عرضه را که معمولاً این منحنی بر خلاف منحنی تقاضا از چپ بر راست حالت صعودی را نشان میدهد ارائه نمود شکل (۲) منحنی عرضه.

شکل (۲) منحنی عرضه



قابل تذکر گردیده میشود که در مورد نزولی بودن منحنی تقاضا بعضی استثنائی کم و ناچیز دیده میشود که میتوان آنرا نادیده گرفت ولی در مورد حالت صعودی بودن منحنی عرضه موارد استثنائی وجود دارد که عمدتاً نمیتوان آنرا نادیده گرفت مثلاً اگر افزایش قیمت گندم بحدی باشد که عاید کافی برای زارعین میسر گردانند - ممکن افزایش بیشتر قیمت گندم باعث تسلی زارعین و شاید راه استراحت را با خود اختیار نمایند و در نتیجه این وضع باعث کم شدن کوشش ها و فعالیت های زارعین گردیده و هم باعث تقلیل تولیدات گردد.

قیمت و تعادل بین عرضه تقاضا:

جهت محدود ساختن و مطالعه موضوع - وضع بازار بحالت رقابت کامل و آزاد و موجودیت قدرت انحصاری فروشنده گان و خریداران ثابت تصور میگردد درینصورت قیمت در جای قرار میگیرد که قوای اقتصادی ناشی از عرضه و ناشی از تقاضا با یکدیگر تعادل پیدا کند برای چگونگی بوجود آوردن تعادل بین عرضه و تقاضا ارائه یک مثال با ترسیم نمود از آن اکتفا میگردد اگر قیمت اشیای معین به ۱۰۰ افغانی فرض شود ممکن است باین قیمت تقاضا برای اشیای مذکور افزایش یابد ولی افزایش تقاضا دلیل آن شده نمیتواند که مولدین این اشیا نیز حاضر خواهند بود که باین قیمت اندازه تولید خود را جهت تأمین تقاضا افزایش دهد، زیرا درین قیمت ممکن اصولاً ساختن اشیا برای آنها با مفاد نباشد، از طرف دیگر اگر قیمت اشیا را ۱۰۰۰ واحد فرض شود، شکی نخواهد بود که در صورت مساوی بودن سایر شرایط مولدین حاضر خواهند شد مقدار تولیدات خود را افزایش دهند، ولی در مقابل عده زیادی از مردم از خرید اشیا به قیمت مذکور منصرف خواهند شد، بنابراین باید قیمت را جستجو کرد که در آن قیمت مقدار اشیائی که مستهلکین

حاضر بخرید آن باشند که این مساوی به مقدار اشیای باشد که مولدین حاضر بخرید و فروش آن میباشد قیمت مذکور که بین عرضه و تقاضا برای اشیای معینی تعادل برقرار میکند بنام قیمت تعادلی یاد میگردد. (۷)

یا ارائه جدول عرضه و تقاضا برای اشیای معین، چگونگی تعیین قیمت و برقرار شدن تعادل بین عرضه و تقاضا از طریق قیمت واضح میگردد.

فرض کنید عرضه و تقاضا برای جنس الف با قیمت های مختلف که در فرضیه های فوق الذکر در یک بازار مندوی شهر کابل در یک روز معین قرار ذیل است .

جدول (۳)

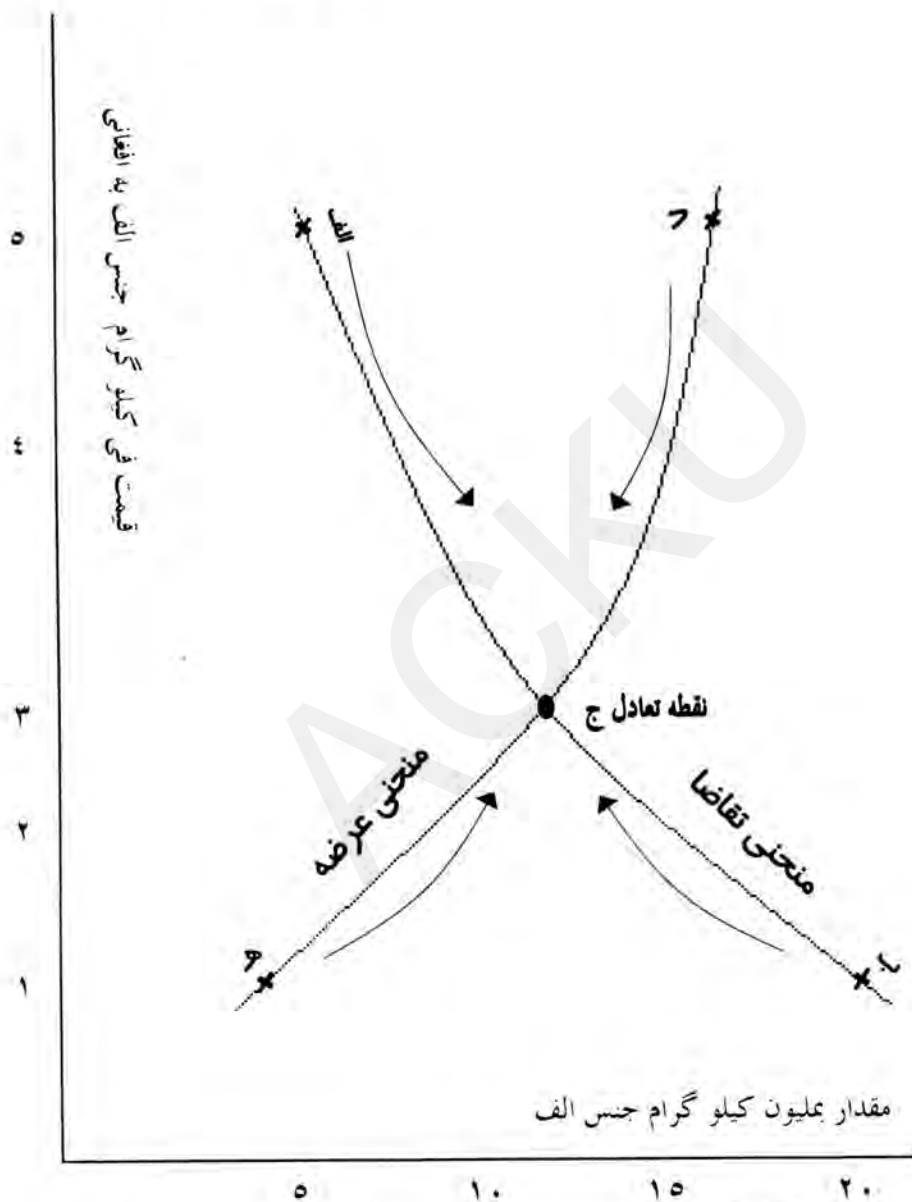
قیمت فی کیلو به افغانی	عرضه به ملیون کیلوگرام	تقاضا برای ملیون کیلوگرام	سیر حرکت قیمت ها
الف ۵	۱۸	۹	↓ نزولی
ب ۴	۱۶	۱۰	↓ نزولی
ج ۳	۱۲	۱۲	● تعادلی
د ۲	۸	۱۵	↑ صعودی
هـ ۱	۵	۲۰	↑ صعودی

در جدول فوق ملاحظه میگردد که اگر قیمت فی کیلو جنس الف (۲) افغانی باشد درین قیمت ۱۵ ملیون کیلوگرام جنس مذکور مورد تقاضا خواهد بود در حالیکه فروشنده گان قیمت مذکور فقط ۸ ملیون کیلوگرام جنس الف عرضه خواهند کرد چون درین قیمت عرضه کفایت تقاضا را نمیکند بعضی از خریداران مایل خواهند بود جنس مذکور را بقیمت زیاد تر خریداری نمایند بدینصورت قیمت یک کیلو جنس الف (۳) افغانی افزایش خواهند نمود درین قیمت جدید عده از خریداران

که قبلاً حاضر بودند که یک کیلو جنس مذکور را به (۲) افغانی بخرند از خرید آن منصرف خواهند شد ولی در مقابل عده از فروشندگان حاضر خواهند شد گندم را بقیمت فی کیلو جنس الف را به (۳) افغانی برای فروش عرضه بدارند تا بالاخره درین قیمت مقداریکه فروشندگان حاضر بفروش هستند مساوی به مقداری میشوند که خریداران حاضر به خرید آن میباشد باین ترتیب قیمت (۳) افغانی بین عرضه و تقاضا تعادل بر قرار میکند یعنی درینصورت تنها قیمتی که میتواند پایدار بماند قیمت است که مقدار تقاضا مساوی به مقدار عرضه باشد در هر قیمت بالاتر از قیمت مذکور مقدار اشیایکه فروشنده حاضر بفروش است مساوی به مقدار اشیا باشد که خریدار مایل به خرید آن است بهمین ترتیب به جهت تعادل عرضه و تقاضا برای اشیا معینی از طریق قیمت مذکور بر قرار میگردد. این وضع را میتوان در جدول (۳) و نمودار ملاحظه نمود.

در جدول و نمودار ارائه شده تنها موقعیت ج که قیمت هر کیلوگرام جنس الف (۳) افغانی است و مقدار تقاضا ماهانه و مقدار عرضه ماهانه هر کدام ۱۲ ملیون کیلوگرام است در حال تعادل میباشد. (۷، ۱۲، ۱۵)

شکل (۳) منحنی عرضه و تقاضا



چگونگی قیمت و مقدار در بازار بوسیله منحنی عرضه و تقاضا

سوم: عرضه پول و سرعت دوران پول

ارزشی و یا قدرت خرید پول مستقیماً مربوطه به عرضه و تقاضای پول است و عرضه پول عبارت از مجموع پول در دوران اقتصادی یک کشور در یک وقت معین میباشد در ترکیب اجزای عرضه پول در بین علما و محققین وحدت نظر کامل موجود نیست بعضی ها در عرضه پول حسابات شخصی و انفرادی را شامل نمیسازند ولی بعضی ها این حساب را جزء عرضه پولی محسوب میکنند. عمدتاً میتوان در اجزای عرضه پولی نشر بانکوت ها، موجود بانکوت ها در خزاین بانک ها، بانکوت ها بدست مردم مسکوکات در دوران حسابات جاری اشخاص و حسابات امانات عند امطالیه خصوصی شامل ساخت

افزایش زیاد در عرضه پولی باعث صعود قیمت میگردد البته باید متذکر شد که عوامل زیادی موجود است که باعث صعود قیمتها میگردد که در فصول مربوطه این کتاب از آنها بحث لازم صورت گرفته است اما موضوع ارتباطی که تاکنون از آن بحث لازم صورت نگرفته عبارت از سرعت دوران پول که به ارزش پول و قیمت ها مؤثر است مورد مطالعه قرار داده میشود.

قابل تذکر است که تاثیرات فرعی قیم با لای فعالیت های اقتصادی و اجتماعی افراد جامعه نیز تاثیر دارد ولی چیزیکه مهم و قابل مطالعه است و همیشه جلب نظر و قابل ارزیابی علمای اقتصاد و محققین پول و قیمت قرار گرفته عبارت از سرعت دوران پول و اثرات آن در قیمت است آنرا بالنوبه خود مورد مطالعه میگیریم از جمله طریقیکه پول و قیمت اثرات آن بالای یک دیگر مورد ارزیابی تجزیه و تحلیل قرار میگیرد یکی آن نظریه مقداری پول است نظریه مقداری پول و واکنشهای پول بالای قیمت و قیمت بالای پول که امروز مورد جرو بحث علما و محققین اقتصاد قرار گرفته و از خود طرفداران و مخالفین در کنارداشته است مطالعات همه جانبه آنها در

پهلوی موضوع سرعت دوران پول موضوع را جهات مختلف داده و هنوز هم تحت بحث و مطالعه مزید جانبین قرار گرفته ولی درینجا نظریه ارتباط موضوع سرعت دوران پول از نظر علمای اقتصاد تحت مطالعه بیشتر قرار میگیرد بعضی ها از طرفداران نظریه مقداری پول از جمله ویکسل و کینز (Keynes, Wicksell) اظهار عقیده کرده اند که بین اندازه پول در دوران و سطح عمومی قیمت ها یک رابطه مستقیم نسبی قرار دارد او میگوید که پول میتواند که بواسطه قیمت ها به طرز خاص اثر خود را نمایان سازد و بر پدیده های دیگر اقتصادی از قبیل مقدار تولید - سطح عمومی عایدات و دیگر فعالیت های اقتصادی ارتباط ندارد و هم در نظر خود بیان داشته اند که هر رقم پول هم نمیتواند که موضوع عدالت را بصورت تنها بمان آورد و هم نمیتواند بطور مستقل باعث تشدید فعالیت های گردد. (۱۳)

ولی امروز بالای نظریات مذکور مباحثات زیادی صورت گرفته و بر علیه آن نظریات زیادی ارائه گردیده و بعضی ها بر نظریات ارائه شده فوق علاوه نموده اند که نظریات مذکور در کشورهای روبه انکشاف در بعضی حالات صدق پیدا میکنند چه سطح عمومی قیمت ها به ازدیاد و یا تقلیل پول هایکه در دوران قرار دارد ارتباط دارد و گفته اند اگر پنج فیصد در حجم پول تقلیل و یا افزایش رونما گردد بمان اندازه یعنی یا پنج فیصد قیمت ها تنزیل و یا پنج فیصد افزایش میابد. در پهلوی نظریات فوق به نظر اینکه اگر در مقدار پول افزایش صورت میگیرد و تولید و عرضه اش ثابت میماند بمان اندازه قیمت ها نیز صعود می نماید و بر خلاف اگر در مقدار پول تقلیل بعمل نیاید با نظر داشت ثابت فرض کردن تولید و عرضه آنها بمان اندازه قیمت تنزیل میابد.

اکثراً تعریف سرعت دوران پول را تعداد دفعاتی که حجم کلی پول در طول یک سال که از یک دست بدست دیگر انتقال می یابد و در حجم و توزیع عواید در

جامعه مؤثر واقع گردد کرده اند اگر در یک جامعه پول به سرعت کم از یک دست به دست دیگر انتقال می یابد. یا به عباره دیگر اگر اشخاص یک اندازه پول را به پیش خود بدون جریان نگهداری نمایند درینحالت سرعت دوران پول کاهش مییابد و برعکس اگر اشخاص پول را در جریان بگذارند سرعت دوران پول در حال افزایش قرار میگیرد. البته کمیت سرعت جریان پول در طول زمان وضع مالی عرف و عادات، طرز تفکر پیشینی های آینده و طرز توزیع حجم پول بین جامعه نیز مربوط است. که این عوامل سرعت دوران پول را تغییر میدهد و این تغییرات را نمی توان غیر قابل پیشینی تلقی نمود چه اقتصاددانان ذریعه تحقیق و ارزیابی های لازم بکمک اعداد و ارقام احصائیوی میتوانند که رابطه پول و سایر کمیت ها مانند اشتغال و تولید و غیره را تعیین و مشخص سازند و برای این منظور شناخت موضوع سرعت دوران پول لازمی پنداشته میشود درینجا سرعت دوران پول را به ارتباط محصول خالص ملی (NNP) قرار ذیل پیشینی و سنجش کرده میتانیم.

$$V \equiv \frac{NNP}{M} \equiv \frac{p_1q_1 + p_2q_2 + p_3q_3 + \dots}{M} \equiv \frac{\sum pq}{M}$$

با در نظر داشت معادله فوق میتوان سایر کمیت ها را مثل محصول ناخالص ملی (GNP) عاید ملی (NI) و غیره، سرعت بخصوص کمیت ها را در چوکات سرعت جریان پول (V) تخمین نمائیم.

در معادله مذکور (p) سطح و سطحی قیمت ها (q) مقدار محصول ملی به کمیت حقیقی و عرضه پول (که در کشور ماعرضه پول را مجموع پول در دوران و امانات بانکی در ظرف یکسال وانمود داشته اند) میباشد. برای وضاحت موضوع اگر خواسته باشیم سرعت دوران پول را به ارتباط محصول ناخالص ملی در ظرف یکسال دریافت و یا تخمین نمائیم درینصورت چون عرضه پول در سال ۱۳۵۸ در حدود ۳۶

میلیارد افغانی و مجموع محصول ناخالص ملی در سال مذکور در حدود ۱۵۳ میلیارد افغانی و امواد گردیده بقاء با در نظر داشت معادله فوق سرعت دوران پول در سال مذکور بارتباط محصول ناخالص ملی چنین دریافت شده میتواند.

محصول ناخالص ملی سال متذکره (۱۳۵ میلیارد افغانی) تقسیم بر حجم عرضه پولی همان سال (۳۶) میلیارد افغانی که درینصورت حاصل عملیه مساوی ۴,۲۵ واحد میشود که میتوان گفت تقریباً چهار مرتبه واحد پول از یک دست بدست دیگر در ظرف همان سال انتقال کرده است باساس عملیه فوق در سایر معاملات سرعت جریان پول را معلوم کرده میتوانیم.

جهت ارزیابی موضوع نظریه مقداری پول و قیمت را از دو جهت، نخست از نظر تا تکمیلی، بارثانی باساس نظریه تکمیلی آن و همچنان ثبات آنرا بالای قیمت مورد مطالعه قرار می دهیم اول نظریه مقداری پول و قیمت بصورت نا تکمیلی، جهت شناخت این مطلب یک مثال آورده میشود.

طوریکه قبلاً ذکر شد که کمیت عرضه پول در سال ۱۳۵۸ در حدود (۳۶ میلیارد افغانی) و در سال ۱۳۴۱ در حدود ۳,۷ میلیارد افغانی و امواد گردیده درینصورت کمیت عرضه پولی تقریباً (۹) چند در طول ۱۷ سال ازدیاد یافته است و نظریه مقداری پول بصورت ناتکمیل اظهار نظر شده میتواند که سطح عمومی قیمت ها در طی سال مذکور باید (۹) چند افزایش یافته باشد ولی اگر سیر شاخص قیمت ها را در نظر بگیریم قیمت در طول همین مدت یعنی در طول ۱۷ سال بااستناد ارقام اشاعه شده در کشور ما شاخص قیم (سال ۱۳۴۰ - ۱۰۰) با در نظر داشت تغییر فیصدی ۶,۲۳۵ فیصد افزایش یافته است. (۳۳)

این شاخص نشان دهنده آنست که قیمت ها در طول این مدت با در نظر داشت تولیدات ثابت تقریباً دو نیم چند بالا رفته است که نظریه مقداری پول بصورت

ناتکمیل آنقدر صدق نه میکند و طوریکه در تحلیل متذکره فوق به ملاحظه می رسد در بعضی حالات تحلیلی و تحقیقی در وضع ضعف قرار میگیرد.

همچنان ارونگ فیشر (Irving Fisher) یکی از اقتصاد دانان مشهور، پول سپرده شده بانک ها و سرعت دوران آن مطالعات بیشتر انجام داده و بمعادله خود در موضوع چنین توسعه داده $(MV+M1V1 = PT)$ که نامبرده در حقیقت باستناد آن معادله خواست که نظریه مقداری پول را بیشتر تحقیق نماید و درین جا پول فلزی مسکوک را به (M) و دوران سرعت پول مسکوک را به (V) و پول های سپرده شده به بانک ها را به $(M1)$ و سطح عمومی قیمت ها را به (p) و حجم دوران معاملات را به (T) نشان داده شده است بانظر داشت معادله مذکور بنظر فیشر V و $V1$ ثابت فرض شده و هم M و $M1$ را تابع یکدیگر دانسته و انتقالات پولی توسط چک از یک حساب بحساب دیگر صورت میگیرد دارای یک نسبت ثابت است از سبب آنکه بین پول سپرده شده به بانک ها و موجودی آن یک تناسب دیده میشود یا نظر داشت وضع M و $M1$ تغییر زیاد نمی یابد اگر تغییر هم واقع شود ناچیز خواهد بود صورت تغییر البته موجب تغییر آن عوامل دیگر خواهند بود.

بعضی ها نظریه مقداری پول را بصورت ناتکمیل چنین افاد نموده اند $(P=KM)$ که در معادله مذکور K را بحیث یک ضریب ثابت بکار برده اند که مقدار آن بستگی به حدود و اندازه گیری (P) و (M) دارد باید یاد آور شد که در علامه تساوی دو خط موازی کار برده شده دلیل و اساس آنرا بکار بردن تجارب و تحقیقات علمی در مسایل مربوطه وانمود ساخته نه به اساسات تعریف و مفاهیم، چه ازین رابطه در طول سال های متمادی و در طول تاریخ محققین در بعضی حقایقی است و رابطه پول و قیمت (M,P) را در هر وقت و زمان مورد تحقیق و ارزیابی قرار میدهد که این رابطه در هنگام شدت تورم پولی حایز اهمیت بیشتر دیده میشود. (۱۳)

و در زمان بی ثباتی و افزایش سریع قیمت ها و ازدیاد حجم پول توجه محققین و علمای اقتصادی و پولی را زیاد تر بخود مبذول داشته است. ولی بطور عموم متخصصین اقتصاد نظریه مذکور را بصورت قاطع و کامل قبول نمی کنند هیچکدام ازین ها نظریه مقداری پول را بصورت قاطع و کامل رد هم نمی کنند چه هیچکس از اثرات مهم مقدار پول در کمیت های کلی اقتصادی از قبیل سرمایه گذاری - اشتغال، تولید و قیمت ها و دیگر کمیت های منکر شده نمیتواند و نمیتواند اثرات آنرا بدون در نظر داشت رابطه سرعت جریان پول (V) و عرضه پول (M) مشخص و معین ساخت این موضوع تقریباً تا نیم قرن گذشته آنقدر طرف توجه محققین و علمای اقتصاد واقع شده بود ولی بعد ها ارتباط را با بعضی کمیت های دیگر اقتصادی مورد ارزیابی قرار دادند و معلوم گردید که این رابطه را نمیتوان بدون در نظر داشت سرعت دوران پول بصورت حقیقی و علمی مورد تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری قرار داد. چنانچه در رابطه محصول ناخالص ملی و عرضه پولی که در بالا نشان داد شده دیده شد که محصول ناخالص ملی سریعتر از حجم عرضه پولی افزایش یافته که همیشه اهمیت دوران پول در روابط فعال اقتصادی مشهود است.

و هم باید گفت که نمیتوان سرعت دوران پول را ثابت ولایتیغیر دانست طوریکه تجارب و مطالعات در طول تاریخ نشان داده بموازات افزایش عاید و تولید و یا افزایش دیگر کمیت های اقتصادی سرعت دوران پول در مدت کوتاه سیر صعودی را نمایان ساخته است.

هنگامیکه کمیت های اقتصادی بالا رفته سرعت دوران پول (V) نیز افزایش کوتاه مدتی را بخود اختیار نموده و هنگامیکه کمیت های اقتصادی مذکور در مدت کوتاه پائین آمده سرعت دوران پول (V) نیز تنزل کرده است ازین سبب است طرفداران نظریه مقداری پول بصورت تکمیلی سرعت دوران پول (V) را ضریب

ثابت ولایتیغیر نمیدانند ولی باین معتقد اند که تغییرات سرعت جریان پول حقیف و در ضمن قابل سنجش و پیشینی میباشد و در هر وقت زمان که خواسته باشیم رابطه مناسبی را بین محصول خالص ملی (NNP) و عرضه پول (M) و یا دیگر کمیات بوجود آورد - و باید علاوه نمود که تحقیقات و آزمایش های احصائیوی نیز این ادعا را تأیید میدارد. (۷) و (۱۳)

چهارم: نرخ اسعار و نرخ تبادلہ:

عمدتاً معاملات خرید و فروش در اقتصاد ملی به پول داخلی همان کشور صورت میگیرد ولی در معاملات خارجی بدوقسم پول ضرورت میباشد یکی پول داخلی کشور و دیگر به پول خارجی که معاملات شان صورت بگیرد و جهت انجام معامله باید پول خارجی را به پول داخلی تعویض نماید. این معاملات یعنی تعویض پول داخلی به پول خارجی و یا تعویض خارجی به داخلی عمدتاً در مارکیت های اسعار صورت می گیرد مارکیت اسعار بازاریست که در آن معاملات خرید و فروش اسعار با واحدهای پولی کشورهای دیگر با نظر داشت عرضه و تقاضا صورت میگیرد هرگاه درین مارکیت ها اسعار آزاد خرید و فروش شود درینصورت توسط عرضه و تقاضا و یا رابطه اسعار بین پول داخلی و پول های خارجی تثبیت میگردد مارکیت های اسعاری وجود دارد که با وجود اینکه خرید و فروش اسعار بصورت آزاد بوده ولی در رابطه تبادلہ اسعار آنقدر رول نداشته بلکه نرخ تبادلہ آن با نظر داشت ملحوظات و دلچسپی های اقتصادی و سیاسی یک کشور تعیین میگردد و همچنین مارکیت های اسعاری هم وجود دارد که در آن خرید و فروش اسعار محدود و یا خرید و فروش آن آزاد نمیشد و رابطه تبادلہ از طرف مقامات و مراجع رسمی تعیین و تثبیت میگردد که

ی‌ک عده از علما این رابطه را نرخ تبادلۀ بعضی‌ها این رابطه را بنام نرخ اسعار یاد کرده‌اند و بعضی‌ها این دو اصطلاح را بصورت مترادف بکار می‌رند. (۲۶)

در بعضی کشورها بمقصد رویکار آوردن توازن پولی و اقتصادی نرخ اسعار را به اساس پالیسی مشخص اقتصادی طوری تثبیت مینمایند که در مقابل واحد پولی اسعار خارجی معین نرخ تبادلۀ واحد پول داخل کشور را افزایش میدهند چنین سیاست را تسزیل ارزش پول داخل کشور در مقابل پول خارجی (Devaluation) یاد کرده‌اند و یا برخلاف در صورتیکه عرضه اسعار خارجی نظر به تقاضای آن در کشور بیشتر باشد در آنصورت نرخ تسعیر پول خارجی را بمقابل پول واحد داخلی تقلیل میدهند که این سیاست را بنام (Revaluation) یا ارتقای نرخ تبادلۀ پول داخلی بمقابل پول خارجی یاد کرده‌اند. (۲۶، ۳۳)

کشورها جهت تمهید سامان‌الات و خدمات تخنیکی از یکطرف و تعمیل پروگرام‌های انکشاف اقتصادی و اجتماعی از طرف دیگر و همچنان برای مراودات و دادو ستد های تجارتي در حصه کريدت و يا ديبیت سرمایه‌ها بشمول تادیات غیر مرئی (مصارف سفارت خانه‌ها - سیاحین - محصلین داخلی در خارج و مصارف خارجی‌ها در کشور و غیره) به اسعار خارجی ضرورت پیدا کرده و روزبروز باثر مراودات اقتصادی - سیاسی و غیره به پول‌های مروجہ دیگر ضرورت بیشتر احساس مینماید خصوصاً کشورهاییکه دارای پول‌های قوی و دارای قدرت اقتصادی - سیاسی بیشتر میباشد به پول مروجہ آن ضرورت بیشتر در جهان محسوس است. اهمیت تجارت خارجی که با توسعه فعالیت‌های اقتصادی ارتباط میگیرد موضوع اسعار را با اهمیت تر ساخته و برای کشورهاییکه دارای قدرت و ارزش پول ضعیف تر اند اسعار خارجی در حفظ استقرار پول - ذخیره اسعار خارجی بحیث پشتوانه پول در آن کشور رول ارزنده داشته و موضوع اسعار را با اهمیت تر ساخته است. بی‌نظمی

در سیستم پولی بین‌المللی نیز بر نرخ‌های مستقر تبادل اثر زیاد دارد - تنقیص‌ها و بازارهای بیلانسی‌های تادیات که در نرخ‌های تبادل ممالک مؤثر است مورد توجه بیش از پیش قرار گرفته است.

سیستم نامساعد پولی بین‌المللی که ناشی از ساختمان نامساعد روابط تجارتنی بین‌المللی و سیستم نامساعد پولی جهان می‌باشد مشکلات و پرابلم‌های روابط پولی را برای جهانیان افزایش داده است که به حل آن ده‌ها کنفرانس‌ها و سیمینارها به سطح بین‌المللی دایر گردیده‌اند.

باید متذکر شد در کشورهای جهان صرافانیکه بصورت علنی و یا مخفی خصوصاً در اقتصاد بازار در تبادل اسعار فعالیت دارند در تهیه اسعار و انتقال اسعار رول بزرگی دارند چه صرافان تاجران تصدی‌ها، بانکها، محسکین بازار و دیگر معامله‌گران را زیادتیر همراهی کرده در تهیه و انتقال پول و اسعارشان کمک میکنند چه عمدتاً هر صراف بانکی‌های خارجی و یا اشخاص انفرادی قابل اعتماد خودشان حساب جاری دارند که از طریق آن تادیات و انتقالات صورت می‌گیرد و ازین طریق مقاد زیاد را بدست می‌آوردند.

در حقیقت گفته می‌توانیم که بازار صرافی از یکطرف نقش و ساطت را در زمینه قرار سرمایه فراهم کرده و از طرف دیگر در ارتجاعیت سیستم عمومی پولی و مالی کشور و در جلب اسعار خارجی نقش ارزنده دارد.

با وجود اینکه برای تاجران کمک و اعطای کربدت‌ها و قروض از طرف بانکهای مربوطه اعطاء می‌گردد از اینکه اکثر تاجران هراس از اینکه معاملات تجارت آنها دچار مالیات و دیگر عوارض گمرکی و بسمانی در کارشان نشوند تاجران مذکور ذریعه صرافان معاملات اقتصادی، تجارتی و پولی خود را انجام میدهند و در انتقال و تبادلات پولی آنها خصوصاً آنهایکه بخارج سفر مینمایند در زمینه انتقال و تبادل پولشان بمقابل حق الزحمه همکاری مینمایند. (۲۹)

در نتیجه میتوان گفت که همه این فعالیت های صرافان در تعیین و تثبیت نرخ تبادل و همچنان در تهیه نقل و انتقال اسعار رول بسزایی دارد.

کشورهاییکه دارای اقتصاد ضعیف منجمله کشور ما میباشد عمدتاً دولت و مسئولین مربوطه تهیه و تدارک اسعار را از طریق بانک ها انجام میدهند و از طریق طرح و تعقیب پالیسی های اتکا بخود جهت کنترل اسعار سهمیه بندی و محدودیت ها را با اموال و ارداتی غیر ضروری و تجملی بار آورده و قوانین و مقررات خاصی را بر آن وضع نموده اند ولی صرافان و قاچاقبران و دیگر استفاده جویان محدودیت های قوانین و مقررات را به نحوی از انحا در هم شکسته و آنها را در وضع ضعیف و غیر قابل تعمیل قرار داده اند.

پنجم: مداخله و رهنمائی دولت در تعیین قیمت ها:

عموماً مداخله دولت در تثبیت و تعیین قیمت ها از دو طریق تعمیل شده میتواند یکی از طریق مداخله مستقیم که عبارت از تعیین قیمت و تعیین نرخ ها و دیگر مداخله غیر مستقیم دولت که از عناصر تشکیل دهنده قیمت ها میسر شده میتواند. اول مداخله مستقیم دولت در زمان لازم دولت مستقیماً نرخ تولیدات را تعیین مینماید اگر نرخ گذاری از تعادل قیمت که با اثر تقاطع منحنی عرضه و تقاضا بوجود میآید متفاوت باشد این نوع نرخ گذاری عکس العمل های زیادی در قبال خواهند داشت اگر قیمت ها در نقطه تعادل عرضه و تقاضا تعیین میگردد نیز خالی از عکس العمل های نخواهد بود. بنابر آن تعیین قیمت چه در نقطه تعادل و چه خارج از نقطه تعادل تعیین میگردد در هر دو صورت اثرات چند جانبه داشته و هر کدام قابل بحث جداگانه دیده میشود.

موضوعات مهم ذیل در مداخله مستقیم دولت قابل مطالعه مزید میباشد:

۱- تسلط به بازار: چون قیمت تعادلی یا قیمت بازار با اثر عمل متقابل عرضه و تقاضا در بازار بوجود میآید بنابر آن باید مراجع کنترل کننده قیم تا حدی زیاد قادر باشد تا تمام جوانب بازار را کنترل و بآن تسلط کامل داشته باشد. و از طرف دیگر قدرت و توانانی در تسلط جانبین بازار داشته باشد، خصوصاً از نظر عرضه آن این مفهوم را دارد که دولت بتواند کمی یک مقدار امتعه معین اقدام نماید و آنرا باندازه لازم بقیمت مورد نظر خود بفروش برساند و متیاقی عرضه کننده گان را نگذارند که بقیمت بلندتر امتعه خود را بفروش برساند.

اگر دولت خواسته باشد تقاضا را از طریق تدابیر و وسایل مختلف (تقلیل قوه خرید، جلوگیری از بازار سیاه، ممانعت از صعود قیمت ها، و غیره) کنترل نماید ذریعه تدابیر مختلف، قوه خرید را از طریق تدابیر متنوع (وضع مالیات، تشویق به پس اندازها، تقلیل مزد و معاشات - و غیره) کنترل کرده میتواند، قابل یادآوری است که تسلط بمر دو طرف بازار کارساده و آسان نیست و در چوکات نظام سرمایه داری که اکثریت را مولدین انفرادی و یا شرکت های خصوصی تشکیل میدهند، در مقابل دولت آنقدر دارای موسسات تولیدی نیست و کنترل این وضع کار بسی مشکل بنظر میرسد.

موضوع مهم و دلچسپ این خواهد بود که کنترل قیم سبک اداره موثر و صاد قانه ضرورت دارد که در بعضی ممالک خصوصاً ممالک روبه انکشاف موجودیت همچو اداره ها کمتر بنظر میرسد اما در ممالک پیشرفته این قدرت موجود است که در هنگام ضرورت توسط قدرت حاکمه نرخ ها را کنترل نمایند.

۲ - نفوذ غیر مستقیم در بازار:

این امر مربوط به توانایی حکومت در استفاده از سیاست های مختلف اقتصادی مانند سیاستهای مالی و پولی میباشد البته توانایی این نوع سیاست ها در صورت تطبیق همه جانبه آن در کشور های رو به انکشاف نظر به کشور های توسعه یافته کمتر دیده میشود.

۳ - پرابلم های ناشی از عدم تطبیق تصامیم کنترل قیمت ها:

اگر مراجع کنترل کننده نتوانند در تعمیم کنترل قیم موثر واقع گردد باعث بروز بعضی اثرات سو میگردد که یکی ازین طرق را میتوان بوجود آوردن بازار سیاه نام برد. بازار سیاه اکثراً نظریه افزایش تقاضا نسبت به عرضه و یا افزایش قوه خرید نظریه عرضه موجود، بوجود میآید، بازار مذکور دارای خصوصیات مشخصی از قبیل افزایش سریع قیمت ها نظر به قیمت تعیین شده و باعث انحرافات و یا جلب استفاده هایکه قاعدتاً مطلوب نیست میگردد در بعضی اوقات توسط جیره بندی میتوان از بروز بازار سیاه تا حد ممکن جلوگیری نمود، در صورتیکه امتعه ذریعه کوپون جیره بندی و یا توزیع گردد در چنین حالات مستهلکین نمیتواند مواد را بیش از حد معینه و یا تخصیص یافته باسانی بدست آورند علاوه بر این چون اندازه امتعه جیره بندی شده بصورت صحیح معلوم میباشد بنابراین میتوانند که بدانند که برای چه تعداد اشخاص امتعه توزیع شده میتواند، چون سیستم جیره بندی در عمل به تشکیل و فعالیت های گسترده ضرورت دارد دولت از نظر مصارف تشکیلاتی و اداری به مشکلات مواجه خواهند ساخت.

۴ - حمایت از طریق تثبیت قیمت:

بعضی اوقات برای حفظ قدرت طبقات (بخصوص زارعین) دولت قیمت های اشیای معینی را در یک حد تضمین میکند که بالاتر از قیمتی میباشد که در حالت عادی از طریق تعادل بین عرضه و تقاضا در بازار بوجود میآید، فرضاً دولت برای

حفظ قدرت خرید و کمک به زارعین تصمیم می‌گردد یک سیر گندم به (۱۵۰) افغانی از زارعین خریداری نماید حال آنکه قیمت یک سیر گندم در حالت عادی (تعادل عرضه و تقاضا در بازار) به یکصد افغانی باشد درین صورت حمایه دولت و تضمین خرید گندم بقیمت فی سیر به ۱۵۰ افغانی سبب میشود که بعد از تولید سالانه گندم تقاضا برای گندم تنزل یابد، باین ترتیب اختیار اضافی گندم بدست دولت خواهند بود که ممکن آنرا بقیمت نازل بخارج صادر و یا در انبار دولتی برای زمان آینده نگهداری نماید.

دوم : مداخله غیر مستقیم دولت :

مداخله غیر مستقیم دولت را در تعیین قیمت میتوان در عناصر تشکیل دهنده آن جستجو نمود طوریکه میدانیم تعیین قیمت تعادلی در طول زمان معین عموماً تابع مقدار عرضه و تقاضا در بازار است در صورتیکه دولت خواسته باشند در اندازه تعادل تغییری بوجود آورند از طریق سیاست های اقتصادی میتوان شد که قیمت ها را افزایش دهند در اینصورت مقدار عرضه را محدود ساخته و یا در صورتیکه بخواهند قیمت ها تنزل یابد درین حالت مقدار عرضه را افزایش میدهند دولت این کار ها را عموماً از سه طریق تعمیم کرده میتوانند:

اولاً ممکن است از طریق تغییر محل محصولات این وظیفه را تعمیم نماید باین معنی که محصولات را از بازارهای داخلی به بازارهای خارجی انتقال میدهند و یا برعکس با بالا بردن حقوق و عوارض گمرکی و یا تنزیل سهمیه واردات و یا منبع واردات میتوان محصولات خارجی را از بازار های داخلی محدود سازند. و یا بازارهای داخلی را به فروش محصولات داخلی اختصاص دهند اگر میل داشته باشد که عرضه را در بازارهای داخلی افزایش دهند از حقوق گمرکی آن میکاهند و سهمیه واردات را افزایش میدهند و موانع بر واردات را بر میدارند و آنرا به صادرات تحمیل میکنند.

ثانیا دولت میتواند که در هنگام افزایش فوق العاده زیاد حاصلات اشخاص و مؤسسات را به ذخیره کردن از طریق مختلف تشویق نماید و حتی در بعضی ممالک و جوه خاصی را جهت تشویق به ذخیره کردن محصولات زراعتی در بودجه خود منظور میدارند بر خلاف در زمان کمبود محصولات این تصامیم را در جهت مخالف آن اتخاذ مینمایند درین صورت مولدین و تجار را مجبور میسازند تا موجود ذخایر خود را همیشه بدسترس دولت وقتا فوقتا قرار دهند. ثانیا دولت میتواند از طریق تعویض محصولات مداخله خود را نمایان سازند، درینصورت اگر بعلت مساعدت اوضاع جوی و مساعی زیاد مولدین محصولات زیاد شود و میتواند مولدین را به تولید کدام امتعه دیگری تشویق نماید.

همچنین دولت از طریق تقاضا میتواند در تعیین قیمت ها مؤثر واقع گردد چه زمانی که دولت بخواهد که قیمت ها تنزل نماید سعی مینمایند که اندازه تقاضا را کم سازند در صورتیکه خواسته باشند قیمت ها افزایش یابد تقاضا را زیاد میسازد چنانچه اگر دولت بخواهند تشویق ازدیاد و یا تقلیل تقاضا نمایند میتوانند از طریق وسایل دسته جمعی و یا دیگر وسایل تبلیغاتی نیز اندازه از تقاضا را افزایش و تقلیل دهند، در حصه تقلیل تقاضا دولت خوبتر و اسانتر میتواند در تعیین قیمت ها مؤثر واقع گردد طوریکه قبلا نیز یادآوری گردید، از طریق جیره بندی معمولی این وظیفه را انجام داده میتواند. دولت میتواند در ازدیاد و یا تنقیص تقاضا مداخله نماید، درینحالت دولت میکوشد تا در پیشینی ها و پلان های مولدین و مستهلکین تغییراتی بوجود آورد اساس مبنای منطقی پیشینی ها به شرایط اوضاع و احوال ارتباط دارد دولت میکوشد که با ایجاد خوشبینی ها و بدبینی ها پیشینی ها را تغییر دهند و افکار مولدین و مستهلکین را در راه منطقی و عاقلانه رهبری نموده و از طریق وسایل تبلیغاتی فروشندگان و یا مولدین را تشویق و ترغیب نمایند. اکثرا طرفدار قیمت عادلانه و

منصفانه و قیمت های منطقی میباشند، مسلم است زمانیکه قیمت بنابر اصول علم اقتصاد تحت رهبری دولت تعیین و تثبیت میگردد میتوان گفت که قیمت ها صحیح و عاقلانه است ولی بنظر بعضی علمای اقتصاد اگر قیمت باثر رقابت کامل تثبیت میگردد آنرا قیمت عادلانه و صحیح وانمود کرده اند ولی طرفداران مداخله دولت این نکته را هم جهت تقویه استدلال خود آورده و اظهار کرده اند که در صورتیکه افراد به بازار سروکار ندارد اگر تمام افراد بصورت مساویانه در قوه خرید و فروش خود مساوی و هم دارای عاید مساوی باشند درینصورت استدلال آزادی خواهان مورد تائید قرار گرفته شده میتواند و اظهار عقیده میکنند در عمل این تساوی خصوصاً در نظام بازار بندرت دیده میشود چه اینطور بازارها اگر تمام قیمت ها در حالت افزایش زیاد قرار میگیرند درینصورت خریدار ناتوان شده، و زمانیکه قیمت تنزیل زیاد نماید فروشندگان در قطار ناتوانان قرار گرفته و درینحالت لازم است یک قدرتی باشد که مصالح و رفاه عامه را در نظر گرفته و به کمک ناتوانان وقتنا فوقتا رسیدگی نمایند و این غیر از قدرت دولت نمیتوان دیگر قدرت را تصور نمود. (۲۱) (۱۹) و (۱۶).

تذکر باید داد که موضوعات مربوط قیمت ها در کتاب سیر و تثبیت قیمت ها در افغانستان، ۱۳۸۲ تفصیلات لازم داده شده است.

فصل چهارم

سیاست های اقتصادی دولت در استقرار وضع اقتصادی :

یارتباط موضوع بطور عمده سه موضوع مهم اقتصادی که عبارت از سیاست مالی، سیاست پولی و تجارتي است با اثرات و عكس العمل های ارتباطی آن مورد مطالعه و تحلیل قرار می گیرد.

اول سیاست مالی:

بطور کلی سیاست مالی را تنظیم و کنترل مصارف عواید دولتی برای نیل به هدف های اقتصادی مطلوب میتوان یاد کرد. اگر بطور عمیق تر موضوع را مشخص نمائیم درینصورت باید اظهار کرد که سیاست مالی مثبت و موثر آنست که حالت وصول مالیات و مصارف عمومی با در نظر داشت مطالب عمده ذیل یعنی کاهش و تقلیل نوسانات شدید دوره تجارتي حفظ اقتصاد در حال رشد و فراهم ساختن انکشاف اقتصادی بدون تورم را بدوش داشته باشد. جهت تحقق بخشیدن موضوع فوق دولت

میتواند از طریق کاهش و یا افزایش عواید و مصارف خود (بودجه) مقاصد مطلوب اقتصادی خود را تا حد ممکن برآورده سازد هدف اساسی سیاست مالی کمک تأمین عدالت اجتماعی منجمله اشتغال کامل بوده و مقاصد اساسی سیاست مالی را بطور عمده در تحقق مطالب ذیل میتوان جستجو نمود. (۱۲)

۱ - تخصیص منابع:

چون مالیات قدرت خرید افراد را کاهش میدهد در نتیجه تقاضا برای اشیا و خدمات مختلف در بخش خصوصی اقتصاد را تنزیل میدهد و این امر موجب میشود که یک اندازه از منابع اقتصادی در سکتور خصوصی اقتصادی کشور آزاد شود. اما زمانی که دولت عواید مالیاتی خود را بمصرف میرساند این عمل تنزیل فعالیت های اقتصادی سکتور خصوصی را که با اثر نادیه مالیات بوجود آمده است جبران خواهد کرد و افزایش مالیات و مصارف دولتی سبب میشود که یک اندازه از منابع اقتصادی سکتور خصوصی به سکتور دولتی انتقال یابد ممکن این انتقال باعث تولید و اشتغال بیشتر گردد زیرا نوع اشیا و خدماتی که دولت برای تهیه آنها پول مصرف میکند با نوع اشیا و خدماتی که مورد تقاضا مستهلکین قرار میگیرد فرق اساسی و عمده دارد.

دولت میتواند از طریق سیاست مالی عوامل تولید را از فعالیت های غیر ضروری آزاد سازد و بطرف فعالیت های اقتصادی مطلوب سوق دهند طور مثال اگر دولت خواسته باشد معاملات زمین و اموال غیر منقول محدود شود درینصورت ممکن است بر معاملات مذکور مالیات سنگین وضع نماید بهمین ترتیب اگر تشویق سرمایه گذاری صنعتی مورد نظرش باشد دولت میتواند مفاد حاصله سرمایه گذاری صنعتی را از پرداخت مالیات معاف نموده و یا درین مورد مالیات کمتری وضع نماید. از طرف دیگر افزایش مصارف دولت، در طرح فعالیت های معین سبب میشود که عوامل تولید بطرف پلان ها و فعالیت های مطلوب رهبری و هدایت شوند. به این ترتیب افزایش یا کاهش عواید و مصارف دولت در تخصیص منابع مؤثر واقع میگردد.

۲- توزیع مجدد عاید:

دولت میتواند از طریق وضع مالیات مترقی بالای اشخاص متمول، عواید زیادی بدست آورد و آنرا بمصرف طبقات بی بضاعت برساند و از طریق توزیع مجدد عاید، مساوات و عدالت اجتماعی را از نظر توزیع عواید این طبقات مختلف جامعه برقرار سازند.

هدف وضع مالیات تنها تأمین مصارف خدماتی دولت نیست بلکه ممکن است بدون اینکه بر مجموع عواید مالیاتی دولت افزود گردد از طریق تغییر در سیستم اندازه مالیات موجبات انتقال قدرت خرید را از یک طبقه به طبقه دیگر جامعه فراهم سازد بدینصورت ملاحظه میگردد که سیاست مالی نقش موثری در توزیع عاید ایفا میکند و بعضی از کشورها توانسته اند از طریق سیاست مالی، تساوی قابل ملاحظه عاید را بین طبقات مختلف جامعه برقرار سازند.

۳- تشکل سرمایه:

دولت میتواند از طریق وضع مالیات یک اندازه از عواید مردم را بخود جذب نماید و برای تشکل سرمایه راساً سرمایه گذاری نماید باید متذکر شد که سرمایه گذاری مستقل دولت بطور کلی باعث ازدیاد مجموع سرمایه گذاری ملی شده نمیتواند بطور مثال اگر مردم مالیاتی را که به دولت تادیه می نمایند از پس اندازه‌های خود بپردازند یا به عباره دیگر وضع مالیات باعث کاهش پس اندازه‌های خصوصی شود درینصورت منبع اصلی سرمایه گذاری و تشکل سرمایه که همان پس اندازه‌های خصوصی افراد است کاهش می یابد در شرایط مذکور وضع مالیات برای سرمایه گذاری مستقل دولتی فقط سمت و یا جهت سرمایه گذاری را تغییر میدهد بدون اینکه در مجموع سرمایه گذاری ملی مؤثر واقع گردد درین حالت برای سرمایه گذاری منبع

جدیدی بوجود نیامده است و تنها دولت خواهد توانست وجوه حاصله را در راه های سرمایه گذاری نماید که با مقاصد سرمایه گذاری خصوصی متفاوت باشد وضع مالیات برای تشکل سرمایه جهت سرمایه گذاری مستقل دولتی در صورتی منبع جدیدی برای سرمایه گذاری محسوب میشود که مردم مصارف خود را برای پرداخت مالیات دولت کاهش دهند، البته وضع و اندازه مالیات بر طبقات متمول و نادار جامعه اثر متفاوت خواهد داشت و کمتر اشخاص متمول موجود خواهند بود که از مصرف ضروری خود برای پرداخت مالیات بکاهند ولی اشخاص نادار و بی بضاعت از قدرت ناچیز خود برای تادیه مالیات اقدام نمایند باینصورت ممکن است که وضع مالیات با عدالت اجتماعی مغایرت پیدا نماید.

۴ - استقرار اقتصادی از طریق سیاست مالی:

مهمترین هدف سیاست مالی تأمین ثبات اقتصادی و جلوگیری از نوسانات اقتصادی است اگر اقتصاد جامعه در حالت اشتغال کامل و قیمت ها حالت صعودی داشته باشد درینصورت دولت میتواند در صورتیکه افزایش مالیات رونق اقتصادی را متأثر نسازد ذریعه سیاست مالی از طریق افزایش مالیات و یا کاهش مصارف دولتی صعود زیادتر قیمت ها جلوگیری نماید. بر عکس اگر اقتصاد جامعه در حالت رکود باشد و قیمت ها در حالت سیر نزولی قرار گرفته باشد دولت میتواند از طریق سیاست مالی (تنزیل مالیات و یا افزایش در مصارف دولت) اقتصاد جامعه را بحالت رونق و قیمت ها را بحالت سیر صعودی برگرداند. باینصورت سیاست مالی نقش موثری در تأمین تعادل اقتصادی در حصه اشتغال کامل و قیمت ها ایفاء میکند نقش دولت در ثبات اقتصادی از طرق سیاست مالی در حالت تورم و انقباض پولی زیاد ترقابل توجه سیاست مداران امور مالی قرار گرفته است. در حالت تورم پولی

که باعث صعود سریع قیمت می‌شود؛ اثر چند جانبه داشته که درینجا بعضی از تاثیرات آن ذیلاً یادآوری می‌گردد.

اول اینکه؛ وقوع تورم موجب تغییرات غیر عادلانه در قدرت خرید افراد می‌گردد در اثر تورم و بلند رفتن سطح قیمت ها وضع اقتصادی زیادی از مردم که عاید ثابت دارند (مانند معاش خوران، متقاعدین، مدیونین و غیره) متأثر میشوند و بعضی از طبقات دیگر جامعه (مانند تاجران، مالکین صنایع و غیره) ممکن است از صعود قیمت استفاده کرده و مفاد زیادی بدست آورند باینصورت صعود قیمت ها باعث تغییرات غیر عادلانه در حصه توزیع عاید می‌گردد.

دوم اینکه؛ اگر قیمت ها سیر صعودی زیاد را در پیش گرفته باشد این وضع ممکن سیستم تولید و قیمت ها را مختل سازند زیرا در شرایط مذکور بجای اینکه سازمان های تجارتي از طریق بهبود اداره و منجمنت صحیح فعالیت و بقای خود را از صعود قیمت ها بدست آورند درصورت که قیمت اشیا بسرعت افزایش یابد درین حالت ممکن است برای سازمان های عاطل و غیر مطلوب موقع میسر گردد تا به فعالیت های تولیدی خود ادامه دهند و از طریق افزایش قیمت ها از محصول خود مفاد زیادتری نسبت به مصارفیکه در راه تولید کرده اند بدست آورند که در حقیقت فعالیت های اینگونه مؤسسات به منافع اقتصادی جامعه سازگار نمیباشد.

افزایش در منافع اشخاص مؤسسات تجارتي موجب ازدیاد پس انداز شده و این امر در صورتی مفید خواهد بود که اندازه سرمایه گذاری به موازات ازدیاد پس انداز افزایش یابد. اگر افزایش سرمایه گذاری نسبت به افزایش پس انداز ها کم باشد و عدم تعادل و ناهماهنگی بین پس انداز ها و سرمایه گذاری ها ظاهر شود درآنصورت در حالت اقتصاد جامعه مفید واقع نمیگردد. اگر در سرعت قیمت ها

حالت نزولی ظاهر گردد این امر در جگونگی پیشبینی و اقدامات آینده مردم مؤثر واقع میگردد. اگر احتمال توقف سیر صعودی قیمت ها عمومیت پیدا نماید درینصورت حالت رکود و علائم اختلال در سیستم های تولید و قیمت ها ظاهر میگردد.

سوم اینکه؛ دوام تورم اساس استقراض طولی المدات را متزلزل خواهد ساخت و دیگر مردم و مؤسسات قرض دهنده حاضر نخواهند شد که قروض طولی المدت بدهند زیرا تغییر ارزش پول در موعد معینه (مثلاً پس از ۲۰ سال) با مفاد متعلقه (مثلاً ۴ فیصد در سال) از هم تفاوت زیاد خواهد داشت. و در نتیجه افزایش سریع قیمت ها که از نتیجه تغییر ارزش پول در جامعه حکمفرما شده بیشتر از مفاد قروض طولی المدت خواهد بود. و هم باید متذکر شد که قروض طولی المدت برای توسعه سرمایه گذاری خصوصی و تمویل مصارف دولت اهمیت خاصی دارد و با در نظر داشت این موضوع دولت میکوشد که بمنظور جلوگیری از تغییر زیاد قیمت ها راه های معقول سیاست مالی را پیش گیرد. بر علاوه ادامه صعود قیمت ها ممکن است موجب انصراف مردم از افتتاح حسابات پس انداز در بانک ها و خرید اموال و اشیایی شود که ارزش پولی آنها ثابت باشد. پیشینی در تنزیل زیادتر ارزش پول (از ادامه صعود قیمت ها) ممکن است از سرمایه گذاری مولد جلوگیری بعمل آورد و حتی ادامه این وضع ممکن است باعث فرار سرمایه داخلی به کشور های گردد که از ثبات نسبی قیمت ها برخوردار است.

چهارم اینکه؛ در کشور هائیکه متکی بر تجارت خارجی هستند صعود قیمت ها و تورم پولی اثار و عواقب ناگوار اقتصادی دربر خواهد داشت زیرا اگر قیمت اشیا در یک کشور بیش از قیمت اشیا مشابه در دیگر کشور های صادر کننده اشیا مذکور صعود نماید درینصورت طبعاً کشور اول الذکر نخواهد توانست

با کشور اخیر الذکر در صدور اشیای مذکور رقابت نماید. در نتیجه این امر نه تنها در کاهش ذخایر طلا و اندوخته های اسعاری کشور مذکور موثر واقع میگردد بلکه تسزیل تقاضای خارجی (در نتیجه تقلیل صادرات) ممکن است باعث ایجاد اختلالاتی در اقتصاد داخلی کشور نیز گردد که بالاخره ممکن است این امر باعث تقلیل تولیدات و تسزیل سطح اشتغال و عواید گردد.

باید متذکر شد که عواقب تورم نظر به درجه شدت آن فرق میکند اگر سطح قیمت ها طور مثال از یک الی دوفیصد در سال صعود نماید تاثیرات افزایش خفیف قیمت ها در آینده آنقدر خطر بنظر نمی رسد چه اکثر اقتصاد دانان موافق به ثبات قیمت ها هستند و تحت شرایط خاص صعود معتدل و ملایم قیمت ها را به نفع اقتصاد جامعه طرفداری میکنند لیکن اگر قیمت ها زیاد تر از پنج فیصد در سال صعود نماید درینصورت شکی نیست که ادامه این وضع اثرات ناگوار در برخواهد داشت که هیچ کس موافق آن نخواهد بود. (۱۲)

پنجم اینکه؛ معمولا بالابردن سطح تولیدات و تأمین اشتغال کامل با ثبات قیمت ها مغایرت پیدا میکند زیرا ظرفیت تولیدی دستگاه اقتصادی کاملاً ثابت نیست چه با افزایش تعداد ساعات کار، نیروی قوای بشری و استفاده از ماشین آلات و وسایل تولیدی و طریق مختلف دیگر میتوان سطح تولید را تا حد ممکن بالابرد و همچنان جیره برداری از حد اعظمی ظرفیت تولید در کارخانه ها کاسته و واحدهای اقتصادی موجب افزایش مصارف تولید میگردد زیرا تادیه اضافه کاری، افزایش در شفت یا نوبت کار موجب افزایش مصارف متوسط و مصارف نهائی میگردد. بر علاوه افزایش تقاضا برای کار و سایر عوامل تولید مستقیماً در ازدیاد قیمت این عوامل (اجوره، مفاد، اجاره و غیره) مؤثر واقع میگردد که به تورم و سیر صعودی قیمت ها نیز موثر است.

در حال تنزل و انقباض اقتصادی ممکن است تقاضا و مصارف مجموعی (مثلا مصارف استهلاکی، مصارف سرمایه گذاری - مصارف دولتی و غیره) کمتر از ارزش مجموعی اشیا و خدماتی باشد که دستگاه اقتصادی در صورت اشتغال کامل تولید می نماید. درینحالت بعوض شکاف تورمی شکاف انقباضی بوجود خواهد آمد زیرا به علت کمبود تقاضا از قدرت تولیدی دستگاه اقتصادی به حد اعظمی ظرفیت استفاده نمیگردد درینصورت علایم رکود و بیکاری ظاهر میشود.

یکی از طرق از بین بردن شکاف انقباضی کاهش مالیات و یا افزایش مصارف دولتی از طریق سیاست مالی و کسر بودجه خواهد بود دولت میتواند با افزایش و یا کاهش مصارف خود - تنزیل و یا صعود مالیات، مصارف دولت و مصارف استهلاکی افراد را افزایش و یا کاهش دهد. (۱۲) و (۱۸)

استقرار اقتصادی از طریق مالیات:

چگونگی سیستم مالیات و مصارف انتقالی دولت تاثیر قابل ملاحظه در ثبات اقتصادی دارد. در گذشته علمای مالیه معتقد بودند که عواید دولت از منابع مالیاتی ثابت میباشد و باید در تغییر و نوسان واقع نگردد این عقاید تا اندازه قوی قابل اعتبار بود که ثبات عواید یکی از حصول مالیات بشمار میرفت ولی امروز ثبات عواید دولت از منابع مالیات مورد توجه نیست بلکه یکی از صفات سیستم مالیات انعطاف پذیری و قابلیت انطباق آن نظر به اوضاع احوال و شرایط اقتصادی جامعه میباشد یا به عباره دیگر ترکیب سیستم مالیات باید طوری باشد که خود بخود و بدون مداخله شدید دولت در ثبات اقتصادی مؤثر واقع گردد و از وقوع تورم و رکود جلوگیری نماید مالیات بر عایدات با سطح عاید ملی نیز ارتباط دارد هویداست که افزایش عاید ملی موجب افزایش عاید اکثر خانواده ها میگردد چون اندازه مالیات با افزایش عاید

ارتباط دراد ازین جهت فیصدی زیادتر مالیات از عواید اشخاص اخذ میگردد و عواید مالیات دولت به یک تناسب معین باعث تقلیل اشیای استهلاکی مردم میگردد بر عکس در زمان رکود و تقلیل عاید ملی عواید مردم کم شده و چون اندازه مالیات با کاهش عاید کم میگردد فیصدی کمتری از عواید افراد به شکل مالیات اخذ میشود و عواید مالیاتی دولت به نسبت عاید ملی زیادتر متزلزل میگردد و این امر باعث میشود که از تشدید رکود و تنزیل قدرت خرید مردم جلوگیری بعمل آید که این وضع به نحوی از انحاد یکی از عوامل دیگر ثبات اقتصادی را میتوان مصارف انتقالی دولت محسوب کرد زیرا مصارف مذکور در دوره رکود سرعت افزایش یافته و در دوران رونق بسرعت کاهش می یابد. در واقع رکود که عده بیشتری از کارگران بیکار میشوند پرداخت های دولت از بابت تادیات بیمه های اجتماعی و تادیات در حالت بیکاری و دیگر حالات غیر مترقبه افزایش می یابد. برعکس در زمان رونق و بهبود وضع اشتغال تادیات دولت از بابت بیمه های اجتماعی و بیکاری کاهش می یابد بدینصورت مصارف انتقالی دولت یکی از عوامل مؤثر در جلوگیری از تشدید رکود یا رونق بحساب میرود بخصوص کمک های دولت به زارعین از طریق خرید محصول آن به قیمت ثابت در دوران رکود و کاهش قیمت ها که باعث ایجاد قدرت خرید و عاید این طبقه میشود زیادتر محسوس است.

تبادل بودجه و قروض

یکی از وظایف اساسی سیاست مالی عبارت از تنظیم و کنترل مصارف مردم و مؤسسات خصوصی برای تأمین سطح مطلوب تولید و اشتغال است که هدف اساسی سیاست مالی که معمولاً بنام اشتغال کامل بدون تورم یاد میشود با حفظ ثبات جلوگیری از صعود قیمت ها و تا یک اندازه با افزایش سطح تولید و اشتغال مغایرت دارد در صورتیکه در جامعه باثر ازدیاد تقاضا اشتغال کامل بوجود آمده باشد و

دولت میتواند جهت جلوگیری از وقوع تورم تقاضای اضافی را جذب کند و یا اگر اشتغال ناقص در نتیجه کمبود تقاضا بوجود آمده باشد دولت ممکن است از طریق سیاست مالی و کاهش مالیات بر اقتصاد کشور رونق بخشد. درین حالت ممکن است دولت با کسر بودجه مواجه گردد زیرا افزایش مصارف دولتی و یا کاهش مالیات باعث میشود که تعادل بودجه (موازنه عواید و مصارف دولت) مختل گردد.

دولت در وقت لزوم برای تمویل کسر بودجه از قروض استفاده می نماید و برای این منظور معمولاً دولت از بانک مرکزی قرض میگیرد و یا از طریق انتشار اوراق قرضه بودجه خود را تأمین میکند. درینصورت اگر تأمین مصارف از طریق قروض صورت گیرد نتیجتاً در حالت غیر عادی دولت اجباراً برای تادیه اصل قرضه و ضمایم آن مالیات بیشتری وضع خواهد کرد.

باید متذکر شد که همه ساله قروض دولت قسماً و یا تماماً پس نادیه میشود و در پهلوی آن ممکن به نشر اوراق قرضه جدید نیز مبادرت ورزد ولی بسیار به ندرت واقع می شود که مجموع قروض گذشته را دولت در طی سالهای آینده به سرعت و زودتر بوقت معین بپردازد و از طرف دیگر برای مردم ممکن خرید اوراق قرضه مطمئن ترین نوع سرمایه گذاری محسوب نشود ولی در نتیجه گفته میتوانیم که اثرات اقتصادی قروض داخلی دولت الزاماً نا مطلوب نمی باشد و این موضوع با چگونگی وضع اقتصادی یک کشور و هم به طرز مصرف قروض آن نیز مربوط شده میتواند. (۲۵)

دوم: سیاست پولی

جای تردیدی نیست که افزایش حجم پول (بدون ازدیاد اندازه تولیدات) موجب صعود قیمت ها میشود که وقوع تورم و بلند رفتن سطح قیمت ها معایب زیادی را در بر دارد و از طرف دیگر کاهش حجم پول و اعطای قروض و تنزیل سریع قیمت ها ممکن است باعث رکود اقتصادی و تنزل سطح اشتغال و عاید افراد

گردد ازین جهت برای حفظ ارزش پول و جلوگیری از نوسانات شدید اقتصادی لازم است که دولت با در نظر داشت سیاست مالی فعالیت بانک های تجارتي را کنترل نماید و حجم پول قروض را متناسب با نیازمندی های پولی کشور و امکان توسعه تولیدات تنظیم کند، بنابراین سیاست پولی عبارت از حفظ ارزش پول مجرانی جلوگیری از نوسانات شدید اقتصادی از طریق تنظیم و کنترل حجم پول و کریدت هاییکه اصلی آن بانک مرکزی یک کشور است میباشد. در حقیقت بانک مرکزی یک کشور بانک دولتی است که تنها عملیات عادی بانکی را انجام نمی دهد بلکه حق نشر بانکوت ها را در اختیار دارد و موظف است تا به طرق مختلف برای حفظ ارزش پول جلوگیری از نوسانات شدید اقتصادی حجم پول و قروض را تنظیم و کنترل نماید. برای تنظیم و کنترل حجم پول و موضوعات فروش بانک مرکزی از طریق سیاست پولی تدابیر مختلفی را بکار می برد که مهمترین این تدابیر خرید و فروش اوراق قرضه، کنترل اندازه مفاد، تسزیل و همچنین تغییر ذخیره قانونی بانک را میتوان نام برد:

۱ - خرید و فروش اسهام و اوراق قرضه دولتی:

ذخایر نقدی بانکهای تجارتي به علل و جهات مختلف (مانند جلب پول به حسابات جاری و یا خروج پول از حسابات جاری نقل و انتقال طلا و غیره) همیشه در تغییر است بانک مرکزی میتواند بطور مستقیم در موضوعات پولی بانکهای تجارتي مداخله نماید و باینصورت ذخایر بانک های تجارتي به علل مختلف در معرض تغییر قرار میگیرد.

بدون شک و تردید از وظایف مهم بانک مرکزی اینست که حجم پول و قروض را با اقتضای اوضاع و شرایط اقتصادی تعدیل و کنترل نماید معمولاً در دوران رکود اقتصادی بانک مرکزی سیاست توسعه و افزایش قرضه ها را با اقتضای

اوضاع اقتصادی اتخاذ می نماید و برعکس در زمان رونق و صعود سریع قیمت ها سیاست تحدید و تقلیل قرضه ها در پیش میگیرد. مهم ترین راه که جهت افزایش و یا کاهش ذخایر بانکی بکار برده میشود خرید و فروش اوراق قرضه دولتی از طرف بانک مرکزی نظر به اوضاع و احوال اقتصادی میباشد دولت برای تأمین کسر بودجه و نیامندی مالی خود معمولاً به اخذ قرضه از بانک مرکزی و یا به نشر اوراق قرضه دولتی مبادرت می ورزد اوراق قرضه دولتی ممکن است بافرااد، شرکت های تجاری و یا بانک های تجاری بفروش برسد و فروش اوراق قرضه دولتی به هر یک از طبقات مذکور اثرات پولی متفاوتی در بردارد. اگر دولت خواسته باشد که حجم پول و کریدت ها را در اقتصاد جامعه افزایش دهد بانک مرکزی اوراق قرضه دولتی را خریداری می نماید و پول را در اقتصاد جامعه افزایش میدهد و اگر دولت خواسته باشد که حجم پول و کریدت ها را در اقتصاد جامعه تقلیل دهد درینصورت بانک مرکزی اوراق قرضه دولتی را بفروش میرساند و پول را از اقتصاد جامعه جذب می نماید.

۲ - اعطای قرضه به بانکهای تجاری و تغییر در نرخ تنزیل

دومین حربه بانک مرکزی در حصه سیاست پولی عبارت از اعطای قروض و تغییر نرخ تنزیل میباشد. بانک های تجاری طور عمده به دو طریق میتوانند برای افزایش ذخایر خود از بانک مرکزی کمک بخواهند. یکی از طریق تنزیل مجدد اوراق بهادار و دیگر از طریق اخذ قرضه ها.

بانک های تجاری میتوانند اسناد بهادار خود را نزد بانک مرکزی به تنزیل ببرند و باینصورت به اندازه ذخایر خود در بانک مرکزی افزایش دهند مثلاً یک بانک تجاری سندی به مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ افغانی یکی از مشتریان خود را که در دست دارد که موعد آن سه ماه میباشد اکنون اگر نرخ تنزیل ۴ فیصد باشد بانک مرکزی به

درخواست بانک تجارتي مذکور طبق محاسبه معمول بايد ۱۰۰۰ افغاني را از مبلغ سند مذکور کم و بقيه يعني (۹۹۰۰۰) افغاني را بحساب بانک مذکور بافزاید.

طريقه ساده ديگر يکيه براي کمک به بانک های تجارتي ميتوانند اسناد بهادار و يا اوراق قرضه دولتي خود را نزد بانک بگذارند و در مقابل آن از بانک مرکزي قرض ميگيرند بانک مرکزي از بابت قروض مذکور مبلغی بنام مفاد اخذ مي دارد سياست نرخ تنزِيل در حقيقت مکمل سياست بازار آزاد (خريد و فروش اوراق قرضه دولتي) بشمار ميرود به عباره ديگر بانک مرکزي ميتواند از طريق افزايش يا کاهش نرخ تنزِيل در اندازه ذخاير بانکهای تجارتي و قدرت اعطای کريدهای آنها مؤثر واقع گردد. معمولاً در مواقع رونق و ازدياد سرمايه گذاري بانک مرکزي نرخ تنزِيل را بالا می برد تا بانک های تجارتي به آسانی نتوانند اسناد بهادار و يا قرضه ها را از بانک مرکزي مطالبه نمايند اين عمل موجب ميشود که بانک مرکزي تحديد کريدها را به مقابل بانک های ديگر فراهم سازد در زمان رکود بانک مرکزي نرخ تنزِيل را پائين می آورد تا بتواند نزول اسناد بهادار و اخذ قروض را براي بانک های تجارتي آسان سازد و راه براي توسعه اعطای کريدها از طرف بانک مرکزي بوجود آيد.

تغير در نرخ تنزِيل از طرف بانک مرکزي چگونگی پيشيني مقامات بانک را نسبت باوضاع اقتصادي نشان ميدهد. طور مثال کاهش نرخ تنزِيل از طرف بانک مرکزي نشان ميدهد که اوضاع اقتصادي (طور مثال بروز علايم رکود) ايجاب ميکند که اعطای کريدت ها توسعه يابد. معمولاً بانک های تجارتي نيز از سياست بانک مرکزي در مورد نرخ تنزِيل تبعيت می نمايند. بدین معنی که اگر بانک مرکزي نرخ تنزِيل را بالا ببرد بانک های تجارتي نيز اسناد بهادار مشتريان خود را به نرخ بيشتری تنزِيل ميدهند و اندازه مفاد قروض خود را بالا می برند.

حال باید دید که چطور فروش اوراق قرضه دولتی باعث افزایش عرضه و تسزیل قیمت ها در بازار میگردد. درین باره باید وضاحت داد که چون بین مفاد اوراق مختلف بهادار معمولاً همبستگی و ارتباط ناگسستنی مستقیم موجود است صعود عاید واقعی اوراق قرضه دولتی باعث میشود که نرخ مفاد سایر اسناد بهادار نیز سیر صعودی پیدا کند و باین ترتیب در افزایش نرخ مفاد قروض بانکی نیز بی اثر نمی ماند.

عکس این وضع وقتی به ظهور میرسد که بانک مرکزی اوراق قرضه دولتی را خریداری نماید. درینصورت بر طبق استدلال فوق اندازه مفاد در بازار ها تسزیل میکند باینطریق ملاحظه میشود که خرید و فروش اوراق قرضه دولتی از طرف بانک مرکزی که نه تنها در افزایش و یا کاهش ذخایر بانکی مستقیماً مؤثر است بلکه معاملات اوراق مذکور موجب تغییر اندازه مفاد در بازار ها نیز میگردد و تغییرات اندازه مفاد نیز بالنوبه در تحقق اهداف بانک مرکزی (توسعه و یا تحدید کریدت ها نظر به اوضاع اقتصادی) تاثیر بسزائی خواهد داشت. (۲۵)

۳ - تغییر ذخیره قانونی بانکهای تجاری:

از این سیاست در هنگام ضرورت بسیار شدید استفاده میگردد ولی موارد استفاده آن بسیار کم میباشد بانک مرکزی میتواند که ذخایر قانونی بانک های تجاری را تغییر دهد چه بانک های تجاری موظف اند که یک فیصدی معینی از دارائی خود را نزد بانک مرکزی ذخیره نمایند. گرچه اندازه ذخیره مذکور تابع قوانین و مقررات موضوعه است ولی درجه و اندازه صلاحیت که به بانک مرکزی تعیین شده در قانون اکثر ممالک معین گردیده است و میتواند ذخیره قانونی را تغییر دهد. بانک مرکزی ممکن برای محدود ساختن کریدت ها ذخیره قانونی را افزایش دهد اگر بانک مرکزی

سیاست توسعه کredisit ها را در پیش گیرد ممکن است ذخیره قانونی بانک ها کاهش یابد طور مثال اگر ذخیره قانونی (۲۰) فیصد باشد امانات بانک ممکن است تا پنج چند افزایش یابد ولی اگر ذخیره قانونی ده فیصد تعیین گردد امانات ذخایر بانک ها ممکن است ده چند توسعه یابد تغییر ذخیره قانونی یک وسیله است که فقط در بعضی مواقع استثنایی از طرف بانک مرکزی بکار برده میشود. برای تنظیم و کنترل حجم پول و کredisit در شرایط عادی معمولاً بانک مرکزی به خرید و فروش اوراق قرضه دولتی و تغییر نرخ تنزیل و یا ممکن از اقدامات دیگری نیز استفاده نماید.

علاوه بر تدابیر فوق بانک ممکن است بنابر شرایط و اوضاع اقتصادی مقررات خاصی را جهت کنترل معاملات قسط و خرید و فروش سهام شرکت های تجارتي وضع نماید چه معمولاً قیمت سهام شرکت های تجارتي تماماً در زمان فروش حصول نمیگردد بلکه مبلغ مثلاً ۱ بر ۳ قیمت سهام بصورت تادیات قبل از موعد بطور نقد در مواقع فروش حصول میشود و بقیه قیمت سهام در زمان مطالبه قابل حصول خواهد بود اگر بانک مرکزی بخواهد که معاملات سهام رواج بیشتری پیدا کند درینصورت امکان دارد مقرراتی را وضع نماید که توسط آن مبلغ قابل تادیه قبل از موعد بطور نقد تقلیل یابد و برعکس اگر بانک مرکزی لازم داند که معاملات سهام کمتر شود درینصورت امکان دارد مقرراتی را توصیه نماید که توسط آن راه هائی جستجو گردد که اندازه تادیات بصورت پیشکی افزایش حاصل نماید.

به همین ترتیب بانک مرکزی میتواند در وضع مقررات در مورد اندازه تادیات پیشکی و مدت تادیه اقساط قیمت اشیاء و خدماتیکه بصورت قسط فروخته میشود جهت توسعه و یا محدود کردن معاملات کredisiti مؤثر واقع گردد طور مثال اگر بانک مرکزی لازم داند که توسعه کredisiti ها و افزایش معاملات قسط بصورت گیرد درینصورت امکان دارد اندازه مبلغ تادیات پیشکی نقدی تنزیل یابد و مدت

استهلاک قیمت اشیا را افزایش دهد برای محدود کردن کریدتها ممکن است اندازه مبلغ تادیات پیشکی افزایش یافته و مدت استهلاک قیمت اشیا را کاهش دهد.

۴ - نقل و انتقالات بین المللی طلا:

طوریکه در فوق ذکر شد تغییر در حجم پول که ناشی از اقدامات بانک مرکزی در حصه تغییر ذخایر بانک ها است میتوان یکی از مهم ترین حربه های سیاست پولی محسوب کرد ولی باید متذکر شد که عامل خارجی دیگری نیز وجود دارد که در حجم پول مؤثر است که آن عبارت از صدور و ورود طلا از خارج به داخل و یا از داخل به خارج بدون اینکه بانک مرکزی در آن سهم عمده داشته باشد، میباشد ولی باید علاوه نمود که در صورت داشتن سهم بانک مرکزی و کاربرد سیاست پولی آن، بانک مرکزی را قادر میسازد که اگر این تغییرات حجم پول ناشی از حمل و نقل طلا که خلاف مصالح ملی وانمود گردد از بعضی طرق اثرات انراختی سازند طور مثال هنگامیکه صادر کنندگان یک کشور بیش از آنچه که وارد کنندگان در اختیار دارند اشیاء را به خارج صادر میکنند ویا خارجیان ممکن است تفاوت قیمت اشیاء را به ارسال طلا پردازند درینصورت بانک های مرکزی ممالک با در نظر داشت سیاست مطلوب خود میکوشند که اثرات حمل و نقل بین المللی طلا را نظر به وضع موجود کشور های شان تعدیل سازند و از تغییرات و نوسانات نامطلوب پولی تا حد ممکن رهائی یابند.

۵ - سیاست پولی و استخدام کامل:

سیاست پولی در سطح استخدام و یا اشتغال کامل و تأمین تعادل اقتصادی اثر بسزائی دارد چه تغییرات در مصارف استهلاکی خصوصی و مصارف سرمایه گذاری های سکتور خصوصی و همچنین مصارف دولتی در سطح عاید ملی مؤثر واقع

میگردد از طرف دیگر سیاست پولی مکمل سیاست مالی محسوب میشود بدین ترتیب سیاست مالی دولت برای تحقق اهداف اقتصادی مطلوب اهمیت زیاد دارد. چون سیاست مالی در حصد استفاده کامل قابل اهمیت خاصی است و سیاست پولی مکمل سیاست مالی است سیاست های خاصی پولی طور مستقیم و یا غیر مستقیم در سطح استفاده کامل نیز مؤثر واقع میگردد.

بر علاوه سیاست های پولی فوق الذکر، تدابیر دیگری هم برای کنترل حجم پول موجود است ولی در عمل مؤثریت این تدابیر آنقدر زیاد نمی باشد که این تدابیر را بنام های مراجعات و خواهشات اخلاقی، تعیین اولیت ها برای قروض، انتخاب اولیت ها برای اعطای کredis ها به اشخاص و مؤسسات اقتصادی، تعیین ارزش قرار داد های رهنی و تعمیراتی و غیره میتوان یاد کرد.

بعضی اوقات بانک مرکزی جهت کنترل و محدود ساختن کredis ها به بعضی یاد اوری های اخلاقی متصل میشود یعنی بانک هائیکه او امر و یا توصیه های بانک مرکزی را بحسن صورت انجام نمی دهند بانک مرکزی از فعالیت های آنها راضی نمیشد درینصورت بانک مرکزی از راه خواهشات و اخلاق پیش آمده و مطلب لازم بانک مرکزی از طریق بانک های دیگر انتقال داده میشود و آنها را دعوت به اجرای توصیه های خود می نماید و در بعضی اوقات بانک مرکزی هنیاتی جهت و ارسی امور و یا واری دفاتر بانک های دیگر موظف میسازد تا از نزدیک وضع بانک ها را مطالعه کرده و باستناد نتایج حاصله بعضی توصیه های لازم را به آنها پیشنهاد می نماید و از طریق تعین توصیه ها و ارشادات خود اقدام لازم می نماید بعضی اقتصاد دانان طرفداری این امر هم نظر نموده و طرفداری نمیکند و اظهار نظر کرده که در شرایط رقابت آزاد بررسی های بانک مرکزی مانع پیشرفت فعالیت های دیگر بانک ها میگردد ولی بطور کلی میتوان گفت بانک های که تابع مقررات و

اصول بانک مرکزی هستند و در مدت کوتاه بررسی و توصیه های بانک مرکزی در آنها مؤثر واقع میگردد و ازین طریق بعضی کشورها توانسته اند که در راه تطبیق سیاست پولی گام های مؤثر بردارند طور مثال در کشور انگلستان وزیر مالیه میتواند از دیگر بانک های بزرگ خواهش نماید که در اعطای قروض برای مؤسسات صنعتی کمک کنند و همچنین برای مؤسسات اشیای و ارداتی مواد مورد نیاز تسهیلات لازم فراهم سازند. (۱۲)

وسيله ديگرى كه بانک مركزى ميتواند در سياست پولى خود بكار برد عبارت از محدود ساختن كريدت ها و قروض بطور انتخابى ميباشد در کشور هائى كه محدود ساختن كريدت ها و قروض بطور انتخابى ميباشد و در کشور هائى كه پلان گذارى توسعه پيدا کرده و دولت قدرت سرپرستى تمام بخش هاى اقتصادى را بدست دارد ازین تدابير بهتر ميتوانند موافقت هاى لازم را بدست آورد - دولت براى اشخاصى كه ميخواهند خانه بسازند و يا كسانى كه ميخواهند اوراق قرضه را بدست آورند دولت با در نظر داشت حق اوليت آنها را همكارى و راهنمائى مى نمايد و نظر به خواهشات و مطلوبه هاى دولت به فعاليت هاى خود ادامه ميدهند براى اعمال اين امر ميتوانند اندازه قروض را معين سازند تا بر اساس آن بتوانند براى خريد سهام قرض بگيرند طور مثال در سال ۱۹۶۱ بانک مركزى امريكا براى خريد سهام از طريق دولت مقرراتى را وضع نمود كه توسط اين مقررات اشخاص و مؤسسات ميتوانستند كه به خريد سهام مباردت ورزند كه (۷۰) فيصد قيمت سهام را نقد بپردازند و (۳۰) فيصد باقىمانده آنها را براى خريد سهام از بانک هاى ديگر قرض بگيرند و از طريق ازدياد و يا تقليل فيصدى هائى كه از ديگر بانک ها قرض ميگيرند تدابير خود را عملى سازند. (۲۵)

بانك مركزى ميتواند تعيين اندازه قروض را به استناد باز پرداخت قروض و كريدت قبلى محول سازد مثلاً اشخاصى كه بخرید اموال و اشيائى لكس ويا اشيائى بادوام مباردت ميورزند دولت به اشخاص اجازه خريد ميدهد كه قروض اقساط قبلى

خود را تادیه نموده باشد ازین طریق در بعضی کشورها استفاده شده و نظر به عدم ثبات در تطبیق این روش موفقیت به دست نیآمده و ازینرو کمتر مورد استفاده قرار میگیرد.

یکی از تدابیر دیگر بانک مرکزی تعیین شرایط قرارداد های رهنی میباشد که از طریق تعیین موعد استرداد قروض و تعیین سهم نقده مورد استفاده و تطبیق قرار میگیرد ذریعه این تدابیر بانک مرکزی میتواند به بانک های رهنی و تعمیراتی خود دستور و هدایت بدهد که بادر نظر داشت خواسته های اقتصادی و خواهشات و مطلوبه های بانک مرکزی اجراء نمایند طور مثال اگر دولت بخواهد اعمار خانه های و منازل را تقلیل دهد سهم و اندازه نقده را زیاد و مدت بازپرداخت قروض را تقلیل می بخشد در اینصورت فعالیت های خانه سازی کاهش می یابد و بر عکس اگر مدت باز پرداخت قروض را زیاد و قسمت قابل تادیه نقده را کم سازد درینصورت فعالیت های خانه سازی افزایش می یابد ولی این تدابیر در اکثر ممالک جهان آنقدر مطلوب و مؤثر واقع نگردیده است زیرا خانه و منزل یکی از ضروریات حیاتی بشر است اگر تدابیر بانک مرکزی در توسعه اعمار خانه ها و یا در کاهش اعمار خانه ها مؤثر هم باشد نظر به شدت احتیاج به خانه ها بعضی سازمان های دیگر از قبیل سازمان های اجتماعی دستگاه های دولتی مؤسسات و جزواتام های عسکری و غیره میتوانند برای منسوبین خود خانه های رهائشی بسازند و نظریه عدم نتیجه مطلوب این تدبیر که در کشور ها از قبیل انگلستان، امریکا و غیره اتخاذ گردیده بود در سال ۱۹۵۳ ملغی قرار گرفت. (۲۵)

سوم سیاست تجارتنی:

سیاست تجارتنی را میتوان تنظیم و کنترل روابط تجارتنی یک کشور با کشور های خارجی با درنظر داشت اهداف مطلوب اقتصادی مشخص نمود جای شکی

نیست که توسعه روابط اقتصادی بین کشورهای مختلف تحولات قابل ملاحظه را در اقتصاد داخلی آنها بوجود آورده است و بدین جهت امروز سیاست تجارتي اهمیت زیادی در مطالعات و تحقیقات اقتصادی کسب نموده است و اکثر موضوعات و سیاست تجارتي خارجی به اصل مزیت نسبی زیادتراستوار است.

درینجا لازم دیده میشود که تا از موضوع اصل مزیت نسبی یاد آور شویم اصل مزیت نسب را در سال ۱۸۱۷ ریکار دو عالم مشهور انگلیسی مورد مطالعه قرار داد و از آن زمان تاکنون اصل مذکور بعنوان یک ستون و اساس تجارتي خارجی مورد حمایه اکثر علمای اقتصاد قرار گرفته است اصل مزیت نسبی بر اساس فواید حاصله از تقسیم کار و تخصص بین المللی استوار است به عباره دیگر پیروان این اصل معتقد اند که چون کشورهای مختلف علل متعددی (مانند شرایط اقلیمی، جغرافیائی، نوع خاک، اوضاع جوی، اندازه سرمایه، تنوع در منابع طبیعی و شرایط سیاسی و اجتماعی و غیره) در وضع مختلفی قرار دارند بدین جهت هر کشور باید از منابع اقتصادی خود در تولید اشیای استفاده کند که مصارف تولیدی آن نسبت به مصارف تولیدی اشیای مشابه در کشورهای دیگر کمتر باشد طور مثال اگر به علل جغرافیائی تولید قهوه در برازیل ارزانتر از تولید قهوه در مصر تمام شود ولی تولید پنبه در مصر ارزانتر از برازیل باشد درینصورت مصر باید از منابع اقتصادی خود در تولید پنبه استفاده نماید و برازیل باید منابع خود را در تولید قهوه بکار برد تا هر دو کشور بتوانند از طریق مبادله تجارتي و اتخاذ آزادی سیاست تجارتي از صرفه جوئی های حاصله از تقسیم کار و تخصص بین المللی منتفع گردند.

اصل مزیت نسبی در داد و ستد داخلی یک کشور نیز کمک زیاد می نماید فرض کنیم که در کشور الف تولید مقدار گندم باثر بکار بردن اندازه معین کار، زمین و سرمایه در ولایت (ب) زیادتر از مقدرا گندم می باشد که باثر بکار بردن اندازه

معین کار، زمین و سرمایه که در ولایت (ج) بکار رفته است و همچنین تولید مقدار برنج در ولایت (ج) زیادتر از مقدار گندم ولایت (ب) که به اندازه معین کار، زمین سرمایه در ولایت (ب) بدست می آید باشد درینصورت چون مصارف تولید گندم در ولایت (ب) کمتر از مصارف تولید این نوع محصول در ولایت (ج) میباشد و نظر به اینکه مصارف تولید برنج در ولایت (ج) کمتر از مصارف تولید آن در ولایت (ب) است درینصورت شکی نیست که ولایت (ب) در تولید گندم نسبت به ولایت (ج) و ولایت (ج) در تولید برنج نسبت به ولایت (ب) مزیت و برتری دارد. اگر ولایت (ب) از منابع تولیدی خود (کار، زمین، سرمایه و غیره) در تولید گندم استفاده نماید و ولایت (ج) هر چه بیشتر برنج تولید نماید و در ولایت مذکور نیازمندی گندم و برنج را از طریق تبادلۀ تأمین نماید محصول گندم و برنج افزایش یافته و مردم هم خواهند توانست احتیاجات گندم و برنج خود را به قیمت کمتری تهیه نمایند.

طوریکه اصل مزیت نسبی در تجارت داخلی یک کشور صدق می نماید - در تجارت خارجی نیز صدق می نماید زیرا طبعاً یک کشور اشیائی را به خارج صادر میکند که قیمت داخلی آن نسبت به قیمت اشیای مشابه خارجی کمتر باشد و به همین ترتیب یک کشور اشیای را از خارج وارد میسازد که قیمت خارجی آنها نسبت به قیمت اشیای مشابه داخلی کمتر باشد ولی مشکل در تجارت خارجی درین جاست که داد و ستد اشیای با پول داخلی کشور های مبادله کننده کاملاً صورت نمی گیرد و قیمت نسبی اشیای مورد مبادله تحت تاثیر تغییرات نرخ اسعار قرار میگیرد با اهم اصل مزیت نسبی دارای بعضی محدودیت هایی است که درینجا بحث بالای آن زاید خواهد بود.

با در نظر داشت سیاست تجارت خارجی دولت ها برای ثبات و استقلال اقتصادی و توسعه منابع نوینباد داخلی و همچنان جهت حفظ موازنه خارجی خود

بعضی محدودیت‌ها قابل‌میشوند. این محدودیت‌ها به اشکال مختلف اعمال می‌گردد از جمله این محدودیت‌ها یکی اینست که دولت میتواند از طریق تعیین سهمیه و ارداتی حد اکثر اندازه اشیاى مختلفی را که ورود آنها طی سالهای معین به کشور اجازه میدهند برحسب اهمیت نسبی آنها از نظر توسعه اقتصاد داخلی اعلام نمایند. همچنان از طریق دیگری نیز میتواند که بر مبنای سیاست تجارتي خود کنترل اسعار فروش اسعار خارجی را برای ورود اشیا از خارج محدود سازد و یا در بعضی اوقات دولت تصمیم می‌گیرد که برای ورود اشیاى ضروری که از نظر توسعه اقتصاد داخلی اهمیت زیادی دارند اسعار به نرخ کمتر و برای ورود اشیاى غیر ضروری اسعار به نرخ زیادتر بفروش رساند.

ممکن است طریق دیگری هم برای محدود کردن تجارت خارجی مورد استفاده دولت قرار گیرد از آن جمله مهمترین طریقه که اکثراً برای تجدید تجارت خارجی بکار می‌برند وضع تعرفه گمرکی که در حقیقت مالیه است که بر واردات وضع میگردد میباشد. گرچه تعرفه گمرکی معایبی هم دارد ولی از نظر اقتصاد ملی کشور ممکن است ایجاب نماید که دولت ازین حربه برای تجدید تجارت خارجی و مقاصد دیگر نیز استفاده نماید. (۸،۷)

فصل پنجم

سیر تکامل و انکشاف قیمت ها در افغانستان

اول: وضع قیمت ها در مسیر تاریخ افغانستان

طوریکه قبلاً هم تذکر بعمل آمد سیر و شناخت وضع قیم که در حقیقت نشاندهنده تغییرات اقتصادی جامعه میباشد و در طرح پلان های اقتصادی و اجتماعی و معلوم نمودن سویه حیات اقتصادی و اجتماعی رول بسی مهمی را بازی مینماید و اهمیت شناخت قیمت زمانی بیشتر با ارزش میگردد که سطح و وضع قیمت را در ادوار مختلف و هم در مسیر تاریخ از نظر صعودی و نزولی آن و عوامل که باعث صعود و نزول قیمت گردیده مورد مطالعه قرار گیرد.

جهت اینکه از مفاد و مزایای مطالعه سطح قیمت بی بهره نمانده باشیم درین اثر لازم دیده شد تا وضع قیمت افغانستان در ادوار مختلف تاریخ بصورت مختصر مورد مطالعه قرار گیرد درین جاسیر تاریخی قیمت افغانستان را میتوان در سه کتگوری ذیلاً مطالعه نمود.

بخش اول وضع قیمت قبل از سال ۱۳۰۰ (هـ.ش) بخش دوم قیمت ها از زمان ۱۳۰۰ الی ۱۳۳۳ (هـ.ش) بخش سوم وضع قیمت ها از زمان ۱۳۳۲ الی ۱۳۶۷ میباشد.

۱ - وضع قیمت ها قبل از سال ۱۳۰۰ (هـ.ش) موضوع و مفهوم قیمت ها در کشور ما سابقه بسیار طولانی داشته و درینجا وضع قیمت ها را از زمانی یاد آوری میکنم تاجائیکه معلومات بدسترس ما قرار گرفته است. در زمان سابق ادارات و مؤسسات حتی اشخاص جهت استفاده خاص و متنوع المرام بجمع آوری معلومات و گاهی اشاعه آن مبادرت میورزیدند. در قرن یازدهم قیمت یک من (۱۸۰) مثقال گندم در شهر های مهم افغانستان یک درم و در دهات و محلات حاصل خیز هفت من به یک درم خرید و فروش می شد همچنان در شهر های بزرگ یک من نان پخته به یک درم و در دهات حاصل خیز هفت من نان یک درم قیمت داشت در حالیکه در همین زمان در اصفهان ایران یک قیله زمین مزروعی اعلی (بین بیست الی ۳۰ جریب زمین) و در جوار شهر های بزرگ افغانستان به یک هزار درم خرید و فروش میگردد در زمان سلجوقی ها که بعد از دوره سلطان محمود غزنوی شروع میشود در سال (۱۰۴۱) (هـ.ق) قیمت اکثر مواد بلند رفت چنانچه یک من نان پخته از یک درم به سه درم صعود نمود و ارزش پول از یک درم به یک دانگ تسزیل نمود که در آنوقت یک درم مساوی ۶ دانگ بود. (۱۷)

در زمان احمدشاه بابا که قیمت اجناس و خدمات اکثراً به مسکوک نقره نی (بنام رویه قندهاری) که به وزن دو مثقال و چند نخود بود و به ارزش به پنجاه فلوس مسی تبادل میگردد که اکثر این مسکوکات به علامه رسمی به اشکال شمشر ستاره خوشه گندم مزین بود رواج داشت در آنوقت معاش یک سپاه سواره در اردوی احمدشاهی در یک ماه ۱۲ رویه و معاش پیاده شش رویه طور نقد و یا عوض آن کالا و یاد دیگر اشیا تادیه میگردد.

در زمان تیمورشاه معاش سالانه جارچی های دربار ۴۴ خروار غله بود و استحقاق خوراکه اسپ های سرکاری در پایتخت سالانه ۴۸ خروار غله و ۷۲ خروار گاه بود که تمام آنها بمقابل پول مورد تبادل قرار گرفته میتوانست در دوران امر عبدالرحمن خان مالیات باستاناد پول و همچنان تبادل جنس به پول اخذ میگردد و تبادل جنس به پول روز بروز کسب اهمیت میکرد.

در زمان عبدالرحمن خان گرانترین نرخ از مواد خوراکه باب در پایتخت بود و نیم سیر گوشت گوسفند بیک روپیه قیمت داشت بمرور زمان چندسال بعد قیمت یک چارک گوشت گوسفند بیک روپیه بالا رفت - قیمت یک راس گوسفند وسطی در قطغن دو روپیه و ارزش دوسیر کابل پسته یک روپیه بود. درین زمان معاش هرشاهزاده (۲۰۰) روپیه و معاش هر غلام بچه و هر کنیز (۵) روپیه بود. (۱۷)

در سال ۱۲۹۰ در زمان امیرحبیب الله خان نرخ متوسط فی سیر روغن حیوانی در بازار کابل ۱۵ روپیه و نرخ فی سیر گندم یک روپیه و نرخ یک سیر برنج ۳ روپیه و سان فی گزیک روپیه کشمیره فی گز ۱۵ روپیه بوت فی جوره ۲۰ روپیه قیمت داشت بمرور زمان قیمت بعضی اجناس و اموال حالت صعودی و قیمت بعضی اشیای و اموال حالت نزولی را اختیار نمود و در آنزمان ارزش فی واحد پول افغانی (صد روپیه کابل مساوی به ۶۰ کلداری هندی) بود و ارزش پول افغانی به مرور زمان بمقابل پول هندی حالت نزولی را اختیار مینماید. در زمانیکه مرحله اول ریفورم بوجود میآید نرخ اشیا و مواد مورد ضرورت ازینقرار اعلان گردیده قیمت دونیم چارک کابل آرد یک روپیه و در تاشقرغان هشت چارک بیک روپیه قیمت گوشت سه پاو دوازده مثقال بیک روپیه و در تاشقرغان یک چارک و سه ونیم پاو بیک و یک سیر تربوز در شهر کابل بیک قران بمرور زمان زمامداران وقت بموضوع نرخها زیادتیر متوجه شده جهت تبلیغ و اطلاع همگانی کنترل و بررسی قیمت بعضی مواد

را در اخبارهای وقت روزنامه ها، مجلات، اطلاعاتنامه ها به نشر میرساند چنانچه قیمت های بعضی اشیاء را رسماً بقسم جداول مرتبه اعلان میکرد که در آن جداول نوع جنس اقسام و درجه های کیفیت جنس با قیمت های واحد بنشر میرسید و قیمت اجناس در اخبارها بطور اعلان و برنگ مرغوب و صحایف اول آن بنشر میرسید چنانچه سراج الاخبار افغانیه که در هر پانزده روز به نشر میرسید در صحایف اول آن قیمت بعضی اجناس باطلاع هموطنان میرسید (۲۲).

بعد از سال ۱۲۹۰ نرخنامه ها از نظر کمیت و کیفیت جنس و هم از نظر ساحه و محلات سیر انکشافی خود را پیموده و نرخ بعضی مواد مهم حیاتی از بعضی شهرهای افغانستان باطلاع هموطنان میرسید در آن زمان قیمت یکنیم سیر و یکنیم چارک گندم، نیم چارک و یکنیم پاو گوشت گوسفند ۵ خورد روغن زرد نیم سیر و یک پاو برنج باریک و نیم پاو و ۱۶ مثقال بوره در بدخشان یک افغانی بود. و همچنان قیمت سه سیر و یک چارک گندم، قیمت یک چارک و نیم پاو گوشت گوسفند نیم چارک روغن زرد یک چارک برنج باریک در شرغان نیز یک افغانی و قیمت دونیم سیر و نیم چارک گندم، قیمت نیم سیر گوشت پنج خورد روغن زرد و یکنیم سیر برنج باریک در خان آباد نیز بیک افغانی واثمود شده است و باید متذکر شد که درینجا مطلوب از فی سیر، سیر کابل میباشد و قابل تذکر دیده میشود که در آنزمان نوت و سکه های مروجه دولت علیه مستقله افغانستان قرار ذیل بود.

الف: سکه طلا: پنج افغانیگی که قیمت آن ۷۵ روپیه کابلی، دو افغانیگی قیمت آن ۳۰ روپیه کابلی، یک امانیه قیمت آن ۱۵ روپیه کابل و نیم امانیه که قیمت آن ۷ و نیم روپیه کابلی بود.

ب: سکه فلز جدید: یک عباسی ارزش آن ۲۰ بیسه، یک قران ارزش آن ۳۰ بیسه، یک روپیه ارزش آن ۶۰ بیسه و دونیم روپیه گی قیمت آن ۱۵۰ بیسه بود.

ج: سکه مسی: سه شاهی گی قیمت آن ۱۵ پیسه، سنار قیمت آن ۱۰ پیسه، شاهی قیمت آن ۵ پیسه بود.

د: نونقا: یکصد روپیه گی، پنجاه روپیه گی (۵) روپیه گی و یک روپیه گی مروج بود. (۲۲)

۲ - وضع قیمت ها از سال ۱۳۰۰ الی ۱۳۳۲ (ه.ش):

اشکال نرخنامه ها و نوع انتشار آن بمرور زمان سیر انکشاف را اختیار کرده در تعداد موادیکه نرخ های آن باطلاع مردم باید میرسید افزایش نمود و همچنان این اعلانات و اشتهارات در چندین ولایات کشور شکل توسعهی پیدا نمود و در آنزمان با وجود اعلانات قیمت ها در اخبار ها و در مجلات وقت (مجله اقتصاد ۱۳۲۹) به تفکیک ولایات نیز برای هر ماه اشاعه میشد. چنانچه درین مجله نرخهای شهر کابل هرات مزار شریف قندهار حکومت اعلی مشرقی و غیره نشر شده است که درین مجله در ماه ثور ۱۳۱۰ قیمت فی سیر گندم ۱۲ - ۱۵ افغانی فی سیر گوشت گوسفند ۷۲ افغانی فی سیر روغن زرد از ۱۶۰ - ۱۶۸ افغانی فی سیر برنج باریک ۱۸ - ۲۲ افغانی فی پاو چای سیاه ۲۰ افغانی، فی سیر قروت، ۴۵ - ۵۰ افغانی فی گیلن پترول (۵۰) افغانی فی پاو شیریک افغانی، سان سفید فی متر ۱۲ افغانی کشمش سرخ، فی سیر ۳۸ افغانی بادام خوب فی سیر (۹۰ - ۱۰۵) افغانی مغزیسته فی سیر ۲۹۰ افغانی، در ولایت کابل قیمت فی سیر گندم ۹۰ پول فی سیر گوشت گوسفند ۶ افغانی و فی سیر روغن زرد ۲۰ افغانی. در ماه ثور همان سال، در ولایت هرات همچنان قیمت فی سیر گندم ۲ افغانی و برنج باریک فی سیر ۴

افغانی گوشت گوسفند فی سیر ۸ افغانی و کاه سفید فی جوال پنجاه پول در ماه سال مذکور در ولایت مزارشریف قیمت فی سیر گندم دو افغانی و فی سیر برنج باریک دو افغانی و انگور یک چارک ۹۰ پول در سال مذکور در حکومت اعلیٰ مشرقی و اتمود شده است. (۲۴)

۳ - وضع قیمت های طی ۱۳۳۳ الی ۱۳۶۷

با گذشت زمان مؤسسات و ادارات مختلف از قبیل وزارت پلان ، وزارت تجارت، دافغانستان بانک ، وزارت زراعت، بانک ملی افغان اداره انکشاف همکاری بین المللی در کابل و غیره به مقاصد و مرام های متنوع بجمع آوری قیمت های مواد و اجناس مطلوب خود فعالیت داشتند.

در سال ۱۳۳۵ با تأسیس وزارت پلان درین اداره تصمیم اتخاذ گردید تا جهت هماهنگ ساختن فعالیت قیمت های کشور یک شعبه قیم در چوکات وزارت پلان بوجود آید و از جمله ادارات و مؤسسات فوق الذکر تنها دافغانستان بانک مستقیماً با مؤظفین وزارت پلان تشریک مساعی مینمود. و از طریق نمایندگی های خود در ولایات بجمع آوری ارقام قیمت های بعضی مواد مهم غذایی و غیر غذایی می پرداخت و با اثر تشریک مساعی دافغانستان بانک و وزارت پلان وقت بهتر و خوبتر توانست تا ارقام قیم مواد مهم غذایی جمع آوری نماید و آنرا با کمیّت و کیفیت بهتر در نشرات موقوته و غیر موقوته بنشر برساند. همچنین سنجش اوسط قیم و جداول مربوطه آن برای ۲۴ مواد مهم غذایی و غیر غذایی باستناد قیمت های ۱۳۳۵ شاخص قیمت ها ترتیب گردید. چنانچه در آنزمان یعنی از سال ۱۳۳۲ الی ۱۳۴۰ شاخص قیمت ها و قیمت

های وسطی بعضی مواد مهم غذایی و غیر غذایی در شهر کابل چنین وانمود گردیده است قیمت وسطی فی سیر آرد گندم در سال ۱۳۳۲ مبلغ ۲۳,۸۳ افغانی و شاخص قیمت آن ۹۶,۴ در سال ۱۳۳۳ قیمت وسطی ۱۸,۲۷ و شاخص قیمت آن ۷۳,۵ در سال ۱۳۳۴ قیمت وسطی ۱۸,۴ و شاخص قیمت آن ۷۴,۸۵ در سال ۱۳۳۵ قیمت وسطی ۲۴,۱۷ و شاخص قیمت آن ۱۰۰ در سال ۱۳۳۶ قیمت وسطی ۳۰,۷۰ و شاخص آن ۱۲۴,۴ و در سال ۱۳۳۷ وسطی ۲۵,۵۰ و شاخص قیمت آن ۱۰۳,۲ در سال ۱۳۳۸ قیمت وسطی ۲۷,۸۰ و شاخص قیمت آن ۵,۱۱۲ در سال ۱۳۳۹ قیمت وسطی ۳۴,۵۳ و شاخص قیمت آن ۹۹,۲۷ و در سال ۱۳۴۰ قیمت وسطی ۱۸,۲۵ و شاخص قیمت آن ۷۳,۸۵ تعیین و وانمود گردیده است و قیمت وسطی فی سیر گوشت گوسفند و شاخص قیمت آن در سال های مذکور قیمت وسطی ۳۸,۵ و شاخص آن ۱۰۰,۶۵ قیمت وسطی ۷۲,۰ و شاخص قیمت آن ۸۱,۶۰ قیمت وسطی ۷۵,۵۰ و شاخص آن ۸۵,۶۳ قیمت وسطی ۸۸,۱۷ و شاخص قیمت وسطی (۱۰۰) و شاخص قیمت آن ۱۱۸,۷۰ قیمت وسطی ۱۱۶,۱۶ و شاخص قیمت آن ۱۳۲,۰۲ قیمت وسطی ۱۰۹,۳۰ و شاخص قیمت آن ۱۲۴,۵ قیمت وسطی ۱۱۵,۵ و شاخص قیمت آن ۱۳۰,۴۱ و قیمت وسطی ۱۳۳,۰ و شاخص قیمت آن ۱۵۱,۱۴ بالترتیب در سالهای مذکور وانمود شده است.

ترتیب و تهیه و شاخص قیمت ها برای شهر کابل منحصر نموده شاخص قیمت برای ولایات کشور نیز تهیه و ترتیب گردید زیرا تنها شاخص قیمت شهر کابل برای تحلیل تمام موضوعات اقتصادی و اجتماعی از وضع اصلی شاخص قیمت برای کشور نمایندگی کرده نمیتوانست و برای ولایات کشور شاخص ساده قیمت نیز ترتیب گردید.

طول مثال : شاخص ساده قیمت چند مواد طی سالهای ۱۳۳۵ - ۱۳۴۰

باساس سال ۱۳۳۵ ذیلا نشان داده شده است .

قیمت وسطی فی سیر گندم در سال ۱۳۳۵ مبلغ ۲۱.۳۸ افغانی شاخص
 قیمت آن ۱۰۰.۰۰ قیمت وسطی در سال ۱۳۳۶ مبلغ ۳۰.۷۵ و شاخص قیمت
 آن ۱۴۰.۳۰ قیمت وسطی در سال ۱۳۳۷ مبلغ ۲۵.۵۰ و شاخص قیمت آن
 ۱۱۹.۶۰ و قیمت وسطی در سال ۱۳۳۸ مبلغ ۲۷.۸۰ و شاخص قیمت آن
 ۱۳۰.۰۰ قیمت وسطی در سال ۱۳۳۹ مبلغ ۵۳.۴۴ و شاخص قیمت آن
 ۱۱۴.۷۳ و قیمت وسطی در سال ۱۳۴۰ مبلغ ۱۸.۲۵ و شاخص قیمت آن
 ۸۰.۳۰ بود.

برای درک و شناخت بهتر مسایل اقتصادی و اجتماعی کشور و ترتیب و
 طرح پالیسی ها و پلانهای اقتصادی شناخت و مقایسه سطح حیات مردم در ولایات
 کشور تجزیه و تحلیل موضوعات قیمت ها در قهوه و سنجش شاخص قیمتی توجه بیش از
 پیش مبذول شد. و در سنجش شاخص قیمت ها در قهوه و سنجش شاخص قیمت ها
 ضریب های لازم که از نتایج سروی های نفوس، عاید و مصارف خانوار از شهر
 کابل که از طریق وزارت زراعت و افغانستان بانک باشراک مساعی همدیگر در
 سالهای ۱۳۳۶ و ۱۳۴۰ انجام شده بود استفاده بعمل آمد و جهت انکشاف و
 تکمیل نتایج سروی ها که منجمده سروی سال (۱۳۴۶ - ۱۳۴۷) عاید و
 مصارف خانوار در شهر لشکرگاه و شهر کابل که یک از اهداف سروی مذکور
 ترتیب و قهوه وزن ها برای مواد و اشیای مهم غذایی و غیر غذایی جهت سنجش
 شاخص قیمت ها بود نیز اجرا شد.

وزن ها برای ۲۴ قلم مواد مهم و غذایی و غیر غذایی نسبت به سهم و
 اهمیت نسبی شی در مجموع اشیای مهم غذایی و غیر غذایی سنجش و تثبیت گردید و
 باساس وزن های بکار رفته شاخص قیمت ها برای ۲۴ قلم مواد از سال ۱۳۴۱ الی
 ۱۳۵۶ در سطح کشور ماهانه و سالانه بطور مسلسل ترتیب گردید. طور مثال

شاخص مجموعی قیمت ها در سطح کشور نظر با سال ۱۳۴۰ چنین وانمود گردیده است (۳۰) و (۳۱).

سال	۱۳۴۱	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴	۱۳۴۵	۱۳۴۶	۱۳۴۷	۱۳۴۸	۱۳۴۹
شاخص	۱۰۹۸	۱۳۲۰	۱۶۵٫۱	۲۳۴٫۱	۲۱۴٫۱	۲۶۴	۲۰۸٫۳	۲۰۰٫۷	۲۷۳٫۲
سال	۱۳۵۰	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶		
شاخص	۳۱۲٫۵	۲۶۷٫۰	۲۴۶٫۱	۲۸۰٫۰	۲۹۸٫۲	۳۰۰٫۸	۳۳۵٫۶		

نظر به ایجابات عصر و زمان و خواسته های تحولات اقتصادی و اجتماعی کشور و همچنین حفظ ارتباطات علمی و اقتصادی بین المللی و درک و شناخت بهتر اثرات قیمت ها و زمینه توزیع منابع اقتصادی، نرخ تبادل اسعار، عاید دولت و عاید فی نفر و دیگر مسائل مربوط متوجه ای» امر شدند ا یک معیار علمی و میتودیک را جهت ارزیابی مسائل اقتصادی و اجتماعی وضع پالیسی های مالی و پولی و موضوعات عرضه و تقاضا که از طریق شاخص قیمت ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته بتواند بوجود آرند زیرا تهیه و سنجش شاخص قیمت ها و خلاها و کمیودی های ناشی از استعمال اوزان عدم تعیین مشخصات مواد شامله شاخص قیمت ها، محدود بودن اقلام مواد مهم غذایی و غیر غذایی عدم اشخاص فنی برای سنجش شاخص قیمت، عدم تعیین ساحات معین جهت جمع آوری، و غیره موجود بود وضع اصلی قیمت ها را در جامعه تمثیل کرده نمیتوانست. جهت رفع این نواقص مطالعات لازم به کمک متخصصین وقت در زمینه بعمل آمد. و در نتیجه در تعداد اقلام مواد مهم غذایی و غیر غذایی افزایش نسبی بعمل آمده و همچنان بعضی اقلام خدماتی نیز در مواد شاخص قیمت ها افزود گردید و تعداد شامله شاخص قیمت ها از ۲۴ قلم به ۵۰ قلم ارتقاء یافت کیفیت و مشخصات جنس که قیمت های آن از بازار جمع آوری میگردد

تا حد ممکن تثبیت و تشریح گردید ساحات جمع آوری قیمت ها در مرکز و ولایات و اندازه نمونه آنها با نظر داشت پرنسپ های نمونه گیری احصائیوی تعیین و تثبیت گردید. اشخاص مؤظف برای جمع آوری قیم تا جای لازم تحت آموزش قرار گرفت در اوراق و جداول نتایج حاصله از سروی های قبلی شهر لشکرگاه و کابل تجدید نظر شد. در تعیین شاخص قیمت ها از فارمولها و معیار های علمی تا حد ممکن استفاده بعمل آمد. در زمینه واحد مقیاس اشیاء و خدمات اصلاحات و تعدیلات لازم بعمل آمد. و سالهای اساس با نظر داشت اساسات علمی و میتودیک انتخاب شد. بانظر داشت موضوعات فوق اوسط قیمت های ۵۰ قلم مواد از تمام ولایات کشور و همچنان شاخص قیمت برای مواد مذکور از سال ۱۳۵۷ الی ۱۳۶۳ بطور ماهانه و سالانه بالترتیب تهیه گردید.

طور مثال قیمت وسطی آرد گندم آبی، گوشت گوسفند، روغن نباتی، چای سیاه هندی، چوب سوخت و شاخص قیمت که اکثراً نظر بسال قبلی آن سنجیده شده برای گروپ مواد از قبیل حبوبات، گوشت، لبنیات، روغنیات، سبزیجات، میوه جات و سایر مواد غذایی که در آن بوره چای نمک و غیره گرفته شده است. به نمونه مواد غیر غذایی طی سالهای ۱۳۵۷ الی ۱۳۶۳ ذیلا ارائه میشود. (۳۲) و (۳۳).

مواد	واحد مقیاس	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳
آرد گندم	کیلوگرام	۱۰.۲	۱۱.۵	۱۱.۱	۱۳.۵	۲۰.۶	۲۲.۸	۲۲.۸
گوشت گوسفند	کیلوگرام	۶۱.۹	۶۳.۷	۷۲.۱	۹۹.۶	۱۱۹.۴	۱۴۰.۳	۱۶۴.۲
روغن نباتی	کیلوگرام	۵۳.۴	۵۷.۰	۶۴.۰	۶۵.۴	۷۰.۹	۸۲.۸	۱۱۹.۳
چای سیاه هندی	کیلوگرام	۱۷۴.۹	۶.۱۸۶	۲۳۲.۱	۱۸۰.۱	۲۳۲.۵	۴۷۷.۷	۵۳۸.۰
چوب سوخت	کیلوگرام	۵.۱	۷.۲	۶.۴	۶.۰	۶.۴	۷.۶	۷.۸

شاخص قیمت گروپ مواد:

۱۲۵۰	۱۲۳۷	۱۱۸۷	۱۱۱۶	۱۰۵۱	۱۱۳۲	۱۱۲۵	حیوانات
۱۱۶٫۴	۱۱۴٫۸	۱۲۱٫۲	۱۳۱٫۸	۱۲۳٫۳	۱۰۰٫۸	۹۸٫۲	گوشت
۱۱۷	۱۰۶٫۴	۱۳۲٫۲	۱۱۶٫۷	۱۱۶٫۴	۱۰۷٫۶	۱۰۵٫۷	لبنیات
۱۴۱٫۱	۱۱۵٫۵	۱۰۹٫۳	۱۰۷٫۳	۱۱۰٫۸	۱۰۴٫۶	۱۰۲٫۵	روغن
۱۳۱۰۰	۱۱۷٫۱	۱۱۲٫۷	۱۰۲٫۲	۹۹٫۳	۱۲۲٫۵	۱۲۰٫۱	سبزیجات
۱۱۹٫۸	۱۱۷٫۱	۱۱۵٫۸	۱۲۱٫۴	۱۰۹٫۱	۱۱۸٫۲	۱۲۱٫۰	میوه جات
۱۰۸٫۵	۱۵۶٫۸	۱۱۸٫۴	۱۰۴٫۹	۱۰۴٫۸	۹۸٫۵	۱۰۱٫۵	سایر مواد غذایی
۱۲۷٫۳	۱۱۴٫۶	۱۱۳٫۲	۱۱۲٫۴	۱۱۰٫۹	۱۱۴٫۵	۱۰۶٫۲	مواد غیر غذایی

درین جدول قیمت وسطی بعضی مواد با شاخص قیم آن نظر به قیمت یک سال قبل آن ارائه گردیده است (۳۵).

قیمت وسطی فی واحد جنس در شهر کابل طی سالهای ۱۳۶۴ - ۱۳۶۷:

۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۶۵	۱۳۶۴	واحد مقیاس	مواد
۵۱٫۵	۳۱٫۹	۳۱٫۲	۸۰٫۲۳	کیلوگرم	آرد گندم
۲۴۶٫۷	۱۴۲٫۸	۱۲۱٫۸	۹۵٫۳	کیلوگرم	روغن نباتی
۶۳۱٫۷	۵۰۷٫۷	۵۰۰٫۰	۴۸۰٫۵	کیلوگرم	چای سیاه هندی
۱۳	۱۲	۱۰٫۹	۱۰٫۸	کیلوگرم	چوب سوخت

شاخص قیمت گروه مواد:

۱۳۴,۰	۱۱۸,۲	۱۰۴,۵	۱۰۹,۵	شاخص عمومی
۱۴۴,۷	۱۲۳,۸	۱۰۷,۱	۱۱۱,۹	۱. شاخص مواد غذایی
۱۴۱,۶	۱۰۹,۷	۱۲۵,۳	۱۰۱,۵	حبوبات
۱۵۴,۴	۱۴۹,۹	۱۱۰,۳	۱۰۱,۹	گوشت
۱۳۲,۸	۱۱۲,۲	۱۳۰,۷	۱۱۶,۸	لبنیات
۱۵۲,۲	۱۱۵,۶	۱۱۴,۵	۸۵,۳	روغن
۱۶۲,۸	۱۲۳,۸	۸۸,۶	۱۵۳,۷	سبزیجات
۱۳۲,۷	۱۲۲,۶	۱۰۸,۶	۱۱۰,۴	میوه جات
۱۳۵,۶	۱۰۷,۸	۱۰۰,۹	۹۶,۵	سایر مواد غذایی
۱۱۸,۶	۱۱۱,۱۱	۱۰۱,۱	۱۰۶,۷	۲. شاخص مواد غیر غذایی
۱۳۲,۴	۱۳۳,۷	۱۰۲,۰	۱۰۵,۶	دخانیات
۱۲۳,۳	۱۰۱,۱	۱۰۵,۳	۱۱۵,۷	البسه و منسوجات
۱۱۴,۴	۱۱۰,۵	۱۰۰,۲	۱۰۲,۷	بوت
۱۳۵,۵	۱۱۰,۹	۱۰۰,۵	۱۰۴,۰	محروقات و تنویر
۱۲۵,۲	۱۱۵,۵	۱۰۴,۷	۱۰۷,۴	متفرقه

در اینجا بی مورد نخواهد بود که اگر رابطه با عوامل مؤثر تغییر قیمت ها بحث

مختصری بیان آید.

در طول تاریخ و ادوار مختلف در جهان تغییر قیمت های همیشه محسوس بوده

که این تغییرات ناشی از عوامل مختلف به تناسب مختلف در تعیین و تغییر قیمت ها رول ارزنده دارد و تحقیق و مطالعه آن یک از موضوعات دلچسپ و مهم اقتصادی بشمار

می‌رود و با در نظر داشت ارتباط چند جانبه هر عامل قابل تجزیه و تحلیل جداگانه دیده می‌شود.

همانطوریکه سایر عوامل اقتصادی سهم فعال در آهنگ رشد اقتصادی دارد استقرار و مطالعه تغییر قیمت ها نیز فکتور عین جهت نیل به اهداف وض شده محسوب گردیده و رشد اقتصادی را در یک مسیر سالم رهنمائی میکند با اینصورت میتواند گفت که توزیع معقول منابع باساس اهداف طرح شده ثبات در قیمت تما شد پروژه ها، ایجاد مؤثریت در عاید فی نفر ایجاب مینماید که نوسانات و تغییر قیمت ها در حدود مطلوب حفظ و تا حد ممکن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

عوامل تغییر قیم زیاد است و عوامل مؤثر آن دریک جامعه اقتصادی نظر به دیگری در درجه مؤثریت آن از هم متفاوت میباشد بعضی عوامل تغییر قیمت ها را ناشی از کمی صادرات نسبت به واردات ، مشکلات در حصه ترانسپورت و ترانزیتی داخلی و خارجی بلند رفتن قیمت اسعار ، بلند رفتن قیمت اموال در سطح جهان ، تقاضا برای اسعار خارجی بالخصوص کشورهای همسایه، نوسانات در تولیدات زراعتی انفلاسیون جهانی، نارسائی ها در انجام بهتر وظایف مسؤولین و مؤظفین اتکار عدم موجودیت ذخیره گاه های مواد اولیه، عدم موجودیت چیره بندی صحیح در سیستم عادلانه توزیع اموال سبسایدی شده، صدور اموال سبسایدی شده بخارج بقسم قاچاق ، عدم یک میکانیزم واحد کنترل قیمت ها و غیره دانسته اند ولی بعضی ها در پهلوی عوامل متذکره فوق عوامل دیگر از قبیل عدم موجودیت قانون قیم مطابق به عصر و زمان ، عدم تعیین حد اعظمی و اصغری مفاد از طرف مسؤولین ، ورود اموال لوکس و بی مورد، کرایه مزید بر اموال سیستم تأمین احتیاجات مؤسسات در ولایات کشور ، عدم ایجاد ارتباطات صحیح و مؤثر در اتحادیه های کوپراتیفی، سوء استفاده ها در سیستم ذخایر و فروش اموال و غیره یاد آور شده اند.

علاوه بر آن بعضی ها بطور کلی اظهار عقیده میکنند که معنی تغییر قیمت تنها این نیست که نرخ های ثابت و بدون تغییر بر اشیاء و اموال باشد چه تاثیرات سؤ بازار طاعون زده جامعه بیمار سرمایه داری که متأسفانه بازار داخلی ما تا حد زیادی هنوز هم بآن پیوند دارد از یکطرف و چه عوامل غیر مترقبه و گوناگون طبیعی و غیر طبیعی و مخصوص عواقب و نتایج جنگ و بحران ها موجب نوسانات زمانی در قیمت ها میگردد (۳۶)

و اگر عوامل اقتصادی و اجتماعی تغییر قیمت ها بطور فشرده یاد آوری گردد میتوان آنرا بطور مختصر ذیلاً و انمود ساخت ، وضع بیلانس تادیات، نرخ اسعار و انفلاسیون جهانی، تعرفه های گمرکی، احتکار ، قیمت های بین المللی، عرضه پول و سرعت دوران پول و رهنمائی و مداخلات دولت ، تحولات در تکنالوژی ، نوع تولید و مصرف ، سیستم توزیع کالاها و خدمات، میکانیزم کنترل قیمت ها، موجودیت قانون قیمت ، موجودیت سیستم کوپراتیف ها وضع تعداد مستهلکین کالاها و خدمات، نوع و سیستم های تثبیت سیاست های پولی و مالی در کشور و غیره از عوامل مهم در تغییر قیمت ها میباشد.

باید متذکر شد سازمان ها و ادارات که مسؤلیت مسایل قیمت ملی و بین المللی که عمدتاً از سال های متصادی وظیفه جمع آوری ، ترتیب و توحید احصائیه قیمت ها و همچنان تهیه و سنجش شاخص قیمت ملی و تجزیه و تحلیل آنرا بعهده دارند بحالت ثابت نمانده بلکه کار و فعالیت شان در حال انکشاف و توسعه دیده میشود و همواره میکشوند تا سیستم جمع آوری تولید و تهیه جداول احصائیه را بشکل اصلاحی در آورد و در ازدیاد تعداد مواد و خدمات و استفاده از نتایج سروی های انجام شده در تعیین و تثبیت وزن ها مطالعات و تدقیقات لازم نموده و در راه بکار بردن معیار ها و متیوذهای علمی بذل مساعی مبدارند و نواقص و خلاهاییکه تهیه و سنجش قیمت های

وسطی و سنجش شاخص قیم ملی را متاثر میسازد ، اعدامات و فعالیت های لازم در نظر دارند تا بهتر بتوانند نظر به ایجابات عصر و زمان وضع اصلی قیمت ها را در هر کشور مجسم ساخته و در راه روابط بین المللی شناخت بهتر وضع اقتصادی و اجتماعی کشورها ، تجزیه و تحلیل اثرات قیمت ها در رابطه با توزیع منابع و اقتصادی ، نرخ تبادل اسعار ، سنجش واقعی عاید ملی و عاید فی نفر طرح پلانها و پالیسی های مالی و پولی در راه مقایسه سطح حیات جامعه وسیله اساسی و علمی قرار گرفته و تا موفقیت های گسترده در زمینه نصیب کشورها گردد. (۳۶)

دوم : اهمیت و میتود دولوژی شاخص قیم :

۱ - اهمیت شاخص قیم در اقتصاد و جامعه :

قیمت وسطی و یا شاخص قیم یکی از معیار های اساسی برای درک و شناخت مسایل اقتصادی و تجزیه و تحلیل موضوعات مربوطه آن میباشد تغییر در سطح قیمت شناخت تغییرات در سطح قیم عمده فروشی و پرچون فروشی یکی از مسایل عمده برای پلانگذاری ، شناخت و تعیین وسایل برای توسعه اقتصادی کشور محسوب میگردد .

بمقصد الکشاف امور و ترتیب پالیسی های اقتصادی دانستن وضع شاخص قیم و مقایسه قیمت ها از نظر انفلاسیون و دیفلاسیون در تعیین اندازه رشد اقتصادی مملکت نقش عمده داشته و حایز اهمیت بسزای میباشد که این مرام بوسیله مطالعه و تحلیل شاخص های مختلفه که از جمله آن شاخص قیم ملی یک مملکت برآورده شده میتواند علاوه بر آن چنین شاخص ها دو مرام عمده ذیل را نیز بعهده دارد اول مقایسه سطح حیات در اوقات مختلفه مردم و مقایسه سطح حیات در مناطق و محلات مختلف میباشد این مقایسه زمانی صورت گرفته میتواند که شاخص های مورد نظر بصورت متداوم در زمان مختلفه تهیه و ترتیب گردیده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد .

مطالعه شاخص قیم ملی برای تجار هم مفید بوده چه مطالعه سیر و تغییرات قیمت در یک جنس خاص تغییرات را در مصرف آن وانمود میسازد و تولید کننده گان و مستهلکین با نظر داشت شناخت سیر قیمت آن جنس در تعیین مقدار مصرف و تولید آن اقدام میورزند بطور کلی گفته میتوانیم که مطالعه سیر شاخص قیم برای داد و ستد معاملات اقتصادی و تجارتنی پر ارزش است چه پروسه داد و ستد بین هر دو طرف معامله مدتی را احتوا مینماید و بر گذشت زمان بابرور تغییر در ارزش پولی تغییرات زیادی صورت میگردد شاید هم این تغییرات دریک مدت کوتاه بوقوع پیوندد و ممکن است بسودیکی و بضرر دیگری تمام شود لهذا برای معاملات اقتصادی مطالعه این نوع شاخص های خصوصاً شاخص قیم ملی ضرور پنداشته میشود .

باثر مقایسه و مطالعه سیر شاخص قیم سطح حیا مناطق مختلف کشور ارزیابی شده انکشاف و یا عدم انکشاف یک معیاری خوبی جهت طرح پلانهای انکشافی متوازن برآورده شده میتواند و ذمام داران را متوجه میسازد تا برای انکشاف متوازن سرتاسری کشور تصامیم لازم اتخاذ نمایند.

مطالعه سیر شاخص قیم نه تنها برای دولت ، ادارات و مؤسسات پر ارزش است بلکه برای تمام مستهلکین و خورده فروشان و حتی برای هر فرد جامعه مفید و پر ارزش میباشد چه مستهلکین و افراد جامعه در مسایل خرید و فروش مصارف همچنین در زمان انفلاسیون و دیفلاسیون تصامیم لازم اتخاذ مینمایند. همچنین مطالعه سیر قیم برای مؤسسات ، فابریکه ها ، تجار که باساس آن مزد و معاشات تعیین و تعدیل میگردد نیز پر ارزش است.

۲ - میتودهای عمده شاخص قیم

همانطوریکه در موضوعات مختلف جهت تعیین شاخص های آن میتودهای متنوع مرعی الاجرا میباشد جهت تعیین شاخص قیم ملی هم از میتود های مختلف استفاده میگردد هر کشور نظر به شرایط اقتصادی ر اجتماعی و داشتن معلومات مورد ضرورت احصائیوی میتود و یا میتوهای خاصی را بکار میبرند. درینجا میتودهای عمده شاخص قیم قرار ذیل ذکر میگردد.

۱ - شاخص های نسبی ساده (Simple Relative Index)

شاخص های نسبی ساده عبارت از نسبت یک متحول در زمان معینی بر ارزش همان متحول در زمان اساس است. این نسبت ها معمولاً پس از ضرب نمودن با ۱۰۰ به فیصدی ارائه میگردد. جهت وضاحت موضوع با ذکر یک مثال در شاخص نسبی ساده اکتفا میگردد. درین میتود شاخص نسبی ساده قیمت را میتوان نسبت قیمت یک جنس در زمان مطلوب بر قیمت همان جنس در زمان اساس نشان

داده هرگاه قیمت در زمان مطلوب را به (P_n) و قیمت زمان اساس را به (P_0)

$$P_{on} = \frac{P_n}{P_0} \times 100$$

افاده نمائیم فورمول شاخص نسبی ساده قیمت عبارت از

مثلاً قیمت یک سیر گندم در سال ۱۳۵۵ مبلغ ۹۰ افغانی و در سال

۱۳۶۲ مبلغ ۱۲۶ افغانی است شاخص قیمت آن در سال ۱۳۶۲ به اساس سال

۱۳۵۵ ذیلاً محاسبه میگردد.

$$\frac{\text{قیمت سال ۱۳۶۲}}{\text{قیمت سال ۱۳۵۵}} \times 100 = \frac{126}{90} \times 100 = 140\%$$

یعنی قیمت گندم در سال ۱۳۶۲ بمقایسه سال ۱۳۵۵ با اندازه ۴۰ فیصد صعود نموده است این نوع شاخص ، ساده ترین نوع شاخص ها بوده اما در مسایل اقتصادی روزمره نه تنها مقایسه قیمت مقدار و ارزش یک متاع را بعهده دارد بلکه در بساموارد جهت تعیین شاخص قیم گروپ اشیاء استفاده گردیده و شاخص های مربوط آن مورد سنجش و ارزیابی قرار میگیرد.

۲ - شاخص مجموعی ساده (Simple Aggregative Index)

در شاخص های مجموعی ساده بیشتر از یک متاع تحت مطالعه قرار گرفته میتواند این شاخص ساده ترین نوع شاخص های ترکیبی میباشد که در آن ثقلت وجود ندارد که در حقیقت عبارت از نسبت مجموعی قیمت در سال مطلوب بر مجموع قیمت سال اساس میباشد که با فیصد ارائه میگردد یعنی :

$$P_i = \frac{\sum P_n}{\sum P_0} \times 100$$

درینجا P_i شاخص مجموع ساده قیمت ، $\sum P_n$ مجموع قیمت در سال مطلوب و $\sum P_o$ مجموع قیمت در سال اساس است جهت وضاحت موضوع مثال ذیل را میتوان ارائه کرد.

فرضاً قیمت فی کیلوگندم در سال ۱۳۶۶ مبلغ ۲۰ افغانی ، در سال ۱۳۶۷ مبلغ ۲۵ افغانی و در سال ۱۳۶۸ مبلغ ۲۸ افغانی و قیمت فی کیلو برنج در سال های متذکره بالترتیب ۳۲، ۴۰، ۴۰ افغانی و قیمت فی کیلو جواری در سال های متذکره بالترتیب مبلغ ۱۵، ۲۰، ۲۲ افغانی باشد شاخص قیمت سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ نظر به سال ۱۳۶۶ قرار ذیل محاسبه میگردد:

سال ۱۳۶۷

$$P_i = \frac{\sum P_n}{\sum P_o} \times 100 = \frac{25 + 40 + 20}{20 + 32 + 15} \times 100 = \frac{85}{67} \times 100 = 126.9 \quad \%$$

سال ۱۳۶۸

$$P_i = \frac{\sum P_n}{\sum P_o} \times 100 = \frac{25 + 40 + 22}{20 + 32 + 15} \times 100 = \frac{90}{67} \times 100 = 134.3 \quad \%$$

از ارائه جواب های مثال فوق چنین افاده میگردد که شاخص قیمت بطریقه مجموعی ساده در سال های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ و ۱۳۶۶ نظریه ۱۳۶۶ بالترتیب ۲۶، ۹ فیصد و ۳، ۳۴ فیصد تزئید نموده است.

مزیت طریقه مجموعه ساده در آسان بودن عملیه سنجش و ترتیب آن است اما خالی از نواقص هم نمیباشد از جمله نواقص آن در نظر نگرفتن اهمیت نسبی هر جنس در حیات اقتصادی را میتوان مثال آورد.

۳ - طریقه اوسط ساده شاخص های نسبی

(Average of Simple Relative Index)

یکی از مشکلات موجود در طریق شاخص مجموعی ساده خطر موجودیت واحد های مختلف مقیاس در طریق اوسط ساده نسبی میتوان در ابتدا بالترتیب شاخص های نسبی را سنجش نموده با گرفتن اوسط ساده این شاخص ها مشکل فوق از بین برده میشود در اوسط گیری چندین امکان وجود داشته و مربوط به نوع اوسطی است که بکار برده میشود هرگاه اوسط حسابی ساده بکار برده شود درینصورت شاخص های قیمت بااساس این طریقه قرار ذیل بدست میآید.

$$P_i = \frac{\sum \frac{P_n}{P_o}}{N} \times 100$$

درینجا $\sum \frac{P_n}{P_o}$ مجموع قیمت نسبی اشیاء و N تعداد اقلام میباشد برای وضاحت موضوع یک مثال ذیلا ارائه میگردد.

فرضا تخم اصلاح شده سه نوع گندم (وطنی، امریکایی، مکسیکونی) در فارم های زراعتی تطبیق گردیده است قیمت و مقدار گندم مذکور در جدول که ارائه گردیده ذریعه استعمال طریقه اوسط نسبی ساده شاخص قیمت ها برای سال ۱۳۶۵ - ۱۳۶۸ ذیلا سنجش میگردد در صورتیکه سال ۱۳۶۵ بیث سال اساس باشد.

سال	گندم وطنی		گندم امریکایی		گندم مکسیکونی	
	مقدار به	قیمت به	مقدار به	قیمت به	مقدار به	قیمت به
	سیر	افغانی	کیلو	دالر	پاو	به مارک
۱۳۶۵	۵	۲۵	۴۰	۰٫۳	۲۵	۰٫۴
۱۳۶۶	۷	۳۰	۳۵	۰٫۳	۳۰	۰٫۳
۱۳۶۷	۶	۳۵	۳۰	۰٫۳	۲۸	۰٫۴
۱۳۶۸	۸	۲۵	۲۵	۰٫۳	۳۲	۰٫۵

با استفاده از فورمول فوق ابتدا شاخص های ساده قیمت هر نوع گندم
سنجش میگردد بعداً اوسط ساده حسابی سنجیده میشود.

$$\text{شاخص قیمت برای گندم وطنی} = \frac{۱۳۶۶}{۱۳۶۵} = \frac{۳۰}{۲۵} \times ۱۰۰ = ۱۲۰\%$$

$$\text{شاخص قیمت برای گندم وطنی} = \frac{۱۳۶۷}{۱۳۶۵} = \frac{۳۵}{۲۵} \times ۱۰۰ = ۱۴۰\%$$

$$\text{شاخص قیمت برای گندم وطنی} = \frac{۱۳۶۸}{۱۳۶۵} = \frac{۳۰}{۲۵} \times ۱۰۰ = ۱۲۰\%$$

بهمین ترتیب شاخص های نسبی ساده برای تمام انواع گندم برای سال
های مذکور سنجش میگردد و نتایج حاصله آن در جدول مرتبه ذیل خلاصه
گرفته :

شاخص های نسبی قیمت				انواع گندم
۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۶۵	
۱۲۰,۰	۱۴۰,۰	۱۲۰,۰	۱۰۰	گندم وطنی
۱۰۰	۶۶,۷	۶۶,۷	۱۰۰	گندم امریکائی
۱۲۵	۱۰۰	۷۵,۰	۱۰۰	گندم مکسیکوئی
۳۴۵,۰	۳۰۶,۷	۲۶۱,۷	۳۰۰	مجموع
۱۱۵,۰	۱۰۲,۲	۸۷,۲	۱۰۰	اوسط شاخص ها

۴ - شاخص های مجموعی ثقلت دار

(Weighted Aggregates Index)

انواع متعدد شاخص های مجموعی ثقلت دار وجود دارد که نوع هر شاخص

مربوط به انتخاب و بکار بردن یا ثقلت میباشد وزنی که بکار برده میشود میتواند قیمت یا مقدار مربوط به سال اساس سال مطلوب ، سال مخصوص ، اوسط آنها و بشکل دیگر باشد جهت سنجش شاخص های قیمت باینترفه میتوان از فارمول ذیل استفاده نمود.

$$P_j = \frac{\sum P_n \cdot W}{\sum P_o \cdot W} = x100$$

درینجا W نمایندگی از ثقلت های میکند که هر جنس قیمت داده میشود چون معمولاً اهمیت قیمت یک جنس در شاخص تا اندازه زیاد توسط مقدار تولید، مصرف خرید و فروش توزیع و امثال این ها تثبیت میگردد درینجا ثقلت های متعداری بکار برده شده است که میتوان از اهمیت نسبی آن بحدت ضریب مقدار سال اساس ، سال مطلوب یا کدام شکل مناسب دیگران استفاده نمود.

اگر طریقه مذکور بدقت دیده و مطالعه شود دیده میشود که در حقیقت طریقه مجموعی ساده بوده و تنها درینجا اهمیت نسبی (وزن) هر متاع در نظر گرفته میشود با نظر داشت نوع ثقلت شاخص قیمت ها بطریقه مجموعی ثقلت دار و انواع مربوطه آن درینجا مطالعه میگردد.

الف : شاخص قیمت لاسپیر : Laspeyeres Price Index

هر گاه مقدار سال اساس (go) بحیث ثقلت بکار برده شود شاخص قیمت مربوطه بنام شاخص قیمت لاسپیر یاد گردیده و فورمول آن قرار ذیل میباشد.

$$PL = \frac{\sum P_n q_o}{\sum P_o q_o} = x100$$

جهت وضاحت فورمول فوق یک مثال ذکر میگردد:

قیمت و مقدار چوب ، ذغال سنگ و ذغال چوبی در سال های ۱۳۵۵ - ۱۳۶۰ و ۱۳۶۵ قراریکه در جدول درج است معلوم است شاخص قیمت لاسپیر سال ۱۳۶۰ بااساس سال ۱۳۵۵ ذیلاً سنجش میگردد:

ذغال سنگ		ذغال چوب		چوب		سال
مقدار	قیمت	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت	
	فی واحد		فی واحد		فی واحد	
۱۱۰۰	۱۲	۵۰۰	۱۵	۱۵۰۰	۱۰	۱۳۵۵
۱۲۰۰	۱۵	۶۵۰	۲۰	۱۶۰۰	۱۵	۱۳۶۰
۱۵۰۰	۱۸	۷۰۰	۲۵	۱۷۵۰	۱۸	۱۳۶۵

$$\times 100 = \frac{\text{مجموع مقدار مصرف اشیا در سال اساس} \times \text{مجموع قیمت های سال جاری}}{\text{مجموع مقدار مصرف اشیا در سال اساس} \times \text{مجموع قیمت های سال اساس}}$$

$$PL = \frac{\sum P_n q_n}{\sum P_o q_o} \times 100 = \frac{18(1500) + 25(500) + 18(1100)}{10(1500) + 15(500) + (1100)}$$

$$\frac{27000 + 12500 + 19800}{15000 + 7500 + 13200} = \frac{59300}{35700} \times 100 = 166,1$$

باساس طریقه لاسپیر قیمت سال ۱۳۶۵ نظریه ۱۳۵۵ باندازه ۱، ۶۶، ۱ فیصد بلند رفته است.

مثال فوق را در میتود های دیگر ثقلت دار مطالعه میکنیم.

ب: شاخص قیمت پاس : Paasche Price Index

این طریقه مثل طریقه لاسپیر بوده و تنها در ترکیب فارمول آن کمی تفاوت موجود است فارمول آن قرار ذیل است:

$$PP = \frac{\sum P_n q_o}{\sum P_o q_o} \times 100$$

$$\times 100 = \frac{\text{مجموع مقدار سال جاری} \times \text{مجموع قیمت های سال جاری}}{\text{مجموع مقدار سال جاری} \times \text{مجموع قیمت های سال اساس}}$$

یعنی پاس عوض مقدار سال اساس مقدار سال مطلوب را در فورمول خود بکار برده است.

$$= \frac{18(1750) + 25(700) + 18(1500)}{10(1750) + 15(700) + 12(1500)} \times 100$$

$$= \frac{31500 + 17500 + 27000}{17500 + 10500 + 18000} \times 100 = \frac{76000}{46000} = 165,3$$

در عمل شاخص لاسپیر در اکثر اوقات نظر به شاخص پاس ترجیح داده میشود زیرا ثقلت های (qo) که مقدار سال اساس میباشد سال بسال تغییر نمی آید استعمال شاخص پاس ایجاب به کار بردن ثقلت های مقدار جدید را مینمایند که جمع آوری و معلومات در باره آن مشکل و گران میباشد.

ج: شاخص قیمت دوربیش: Dorbishes Prece Index

هرگاه اوسط حسابی شاخص لاسپیر و شاخص پاس گرفته شود شاخص قیمت دوربیش حاصل میگردد که این میتود از طرف عالم مذکور درویش در سال (۱۸۷۱) پیشنهاد گردیده.

$$Po = \frac{PL + PP}{2} = \frac{\sum \frac{Pn}{Po} \cdot qo + \sum \frac{Pn}{Po} \cdot qn}{2} \times 100$$

$$\text{شاخص قیمت پاس} + \text{شاخص قیمت لاسپیر} = \frac{\text{شاخص قیمت دوربیش}}{2}$$

$$= \frac{166,1 + 165,3}{2} = \frac{331,4}{2} = 165,7$$

طوری‌که دیده میشود شاخص قیمت دوربیش در وسط دو شاخص دیگر قرار گرفته یعنی از شاخص لاسپیر کوچکتر و از شاخص پاس بزرگتر میباشد.

د: شاخص قیمت فیشر: Fisher Price Index

این شاخص از وسط هندسی شاخص لاسپیر و شاخص پاس بدست می‌آید که در سال ۱۹۲۰ از طرف نامبرده پیشنهاد گردیده است.

$$PF \sqrt{\frac{P_n}{P_o} \frac{q_n}{q_o} \times \frac{P_n}{P_o} \frac{q_n}{q_n}} = \sqrt{PL \times PP}$$

$$\text{شاخص قیمت فیشر} = \sqrt{\text{شاخص قیمت پاس} \times \text{شاخص قیمت لاسپیر}} = \sqrt{166,1 \times 160,2} = 165,6 \%$$

ه: شاخص قیمت مارشال Marshall Edgewerth Price Index

مارشال و طرفداران وس پیشنهاد نموده اند که بجای مقدار سال اساس و مقدار سال مطلوب باید اوسط آنها بحیث ثقلت بکار برده شود. هرگاه اوسط حسابی مقدار سال اساس و سال مطلوب $\frac{(q_o + P_n)}{2}$ را بحیث ثقلت بکار بریم شاخص حاصله بنام شاخص ایجورث (Edgewerth) یاد میگردد طبقه مذکور را ذریعه ارائه فارمول و مثال چنین میتوان وضاحت داد:

$$PE \frac{\sum P_n \frac{q_o + P_n}{2}}{\sum P_o \frac{q_o + P_o}{2}} \times 100 = \frac{\sum P_n (q_o + q_n)}{\sum P_o (q_o + p_n)} \times 100$$

$$\text{PE} = \frac{\text{مقدار سال اساس و سال مطلوب (مجموع قیمت سال جاری)}}{2} \times 100 = \frac{\text{شاخص قیمت اجورت}}{\text{مقدار سال اساس و سال مطلوب (مجموع قیمت سال اساس)}} \times 100$$

$$PE = \frac{18(1500+1750) + 25(500+700) + 18(1100+1500)}{10(1500+1750) + 15(500+700) + 12(1100+1500)} \times 100$$

$$\frac{(58500+3000+46800) \times 100}{32500+18000+31200} = \frac{135300}{81700} \times 100 = 165,6\%$$

که با اساس این روش قیمت سال مطلوب نظر به سال اساس ۶۵,۶ درصد صعود نموده که نتایج حاصله آن نتایج که توسط میتودهای دوربیش و فیشر بدست آمده نزدیکتر و حتی یکسان میباشد.

۳ - میتود لوزی شاخص قیمت در افغانستان:

طوری که قبلاً ذکر گردیده، ممالک جهان جهت سنجش و تعیین شاخص قیمت ملی میتودهای متعدد و متنوعی را بکار میبرند. در کشور ما نسبت عدم موجودیت ارقام و معلومات احصائی برای سنجش و تعیین شاخص قیمت میتودهایی که در دیگر ممالک مورد استفاده قرار میگیرد بطول ثابت و کامل مورد استفاده قرار گرفته نمیتواند جهت تطبیق میتودها و تثبیت ضریبها بعضی سرویها از قبیل سروی شماري نفوس - سروی بودجه خانوار - سروی تعیین سویه حیات و غیره لازم ضروری میباشد ولی متأسفانه در کشور ما اجرای سرویهای متذکره که جوابگوی معلومات کمی و کیفی، تعیین و تثبیت اوزان برای شاخص قیمت ملی شده بتواند طوری که لازم است میسر نیست اگر بعضی سرویها انجام شده از نظر اعتبار زمانی و محتوا و

پوشش آنقدر قابل اعتماد و اعتبار نمیباشد و استفاده از نتایج آن برای زمان و ادوار طولانی غیر قابل استفاده میباشد.

چون تعیین و شاخص قیمتی مجموعی و گروپ مواد برای تجزیه و تحلیل بسا موضوعات اقتصادی و تهیه و ترتیب پلان های کشور پر ارزش است، ناگذیر است که جهت تعیین شاخص قیمتی یکی از میتودهای قبول شده جهان متکی شده و آنرا جنبه عملی داد، از جمله ، میتود لاسپیر که قبلا ذکر شد یکی از میتودهای ساده و قابل قبول جهانیان نیز میباشد از شکل تعدیل شده آن استفاده میگردد.

برای سنجش شاخص های مذکور لازم است که قیمت وسطی توزین شده هر ماده محاسبه گردد. درین جا جهت سهولت کار، عوض تمام ولایات کشور قیمت وسطی فی کیلو گرام جنس در چند ولایت کشور با وزن های مربوطه آن (که در فیصدی نفوس هر ولایت نسبت به مجموع نفوس کشور) که از سروی ها و تخمینات قبلی بوجود آمده است که با استناد آن در کابل با ضریب ۱۱,۸ پروان با ضریب ۳,۸ پکتیا با ضریب ۳,۶ ننگرهار با ضریب ۵,۶ بدخشان با ضریب ۳,۸ و بلخ با ضریب ۴,۴ کندهار با ضریب ۵,۰ ، فاریاب با ضریب ۴,۱ هرات با ضریب ۶,۵ و فراه با ضریب ۱,۸ طور نمونه وانمود گردیده است. با نظر داشت قیمت وسطی فی کیلو گرام یک جنس ، فرضاً گندم ، در سال ۱۳۶۴ در ولایات متذکره ۲۴,۳ ، ۲۵,۱ ، ۴۰,۲ ، ۲۷,۵ ، ۴۲,۳ ، ۳۱,۳ ، ۳۲,۵ ، ۳۰,۱ ، ۴۳,۵ ، ۴۱,۹ افغانی بالترتیب در نظر گرفته شده ، در اینصورت قیمت وسطی توزین شده فی کیلو گرام گندم در ولایات متذکره چنین محاسبه میگردد.

$$PRI = \frac{\sum(PRI_i \times W_j)}{\sum(W_j)} \times 100$$

در فارمول متذکره فوق PRI قیمت وسطی توزین شده در کشور، PRI قیمت وسطی توزین شده در هر ولایت، Wj ضریب که از سهم فیصدی نفوس هر ولایت نظر مجموع نفوس کشور آمده نشان میدهد.
درینصورت:

$$\text{قیمت وسطی توزین شده فی واحد جنس} = \frac{\text{مجموع (سهم فیصد} \times \text{قیمت وسطی جنس در ولایت)}}{\text{مجموع سهم فیصدی نفوس هر ولایت}} \times 100$$

حالا اعداد و ارقام فوق را در فارمول فوق میگذاریم.

$$\begin{aligned} & (286,74 + 95,38 + 144,72 + 154,0 + 160,74) \\ & (162,5 + 123,41 + 282,75 + 75,42) \text{ که مجموع این بالای مجموع} \\ & (11,8 + 3,8 + 3,6 + 5,6 + 3,8 + 4,4 + 5,0 + 4,1 + 6,5) \\ & (1,8) \text{ تقسیم میگردد که در نتیجه } \frac{1623,38}{50,4} = 32,2 \text{ میشود.} \end{aligned}$$

همینطور برای محاسبه قیمت وسطی توزین شده برای دیگر اجناس نیز از فارمول فوق استفاده میگردد.

ولی اگر در محاسبه آن از وزن ها استفاده نگردد در آن صورت قیمت وسطی فی کیلو گرام گندم ۳۳,۹ افغانی خواهد بود.

زمانیکه قیمت وسطی توزین شده هر ماده معلوم گردید با استناد فارمول فوق شاخص قیمت گروپ مواد و شاخص قیمت مجموعی محاسبه میگردد.

برای تطبیق فارمول مذکور فرضا وزن های اجناس مذکور از قبیل گندم ۴,۱۴، برنج باریک ۱,۷۸ و دال پشاوری ۰,۴۹ فیصد نظر به مجموع مواد تثبیت و تعیین گردد و همچنان قیمت وسطی فی کیلو مواد مذکور در سال اساس بالترتیب

۲۵،۲۰ ، ۵۳،۶ ، ۳۱،۳ افغانی باشد درین صورت شاخص قیمت هر جنس چنین

محاسبه میگردد:

$$AI \frac{(PRI \cdot W_j)}{(PO \cdot W_j)} \times 100$$

یعنی :

شاخص قیمت یک جنس = $\frac{\text{(اوسط قیمت توزین شده هر جنس در سال جاری} \times \text{وزن مربوط)}}{\text{(اوسط قیمت فی واحد جنس در سال اساس} \times \text{وزن مربوط)}} \times 100$

$$100 \times \frac{(4,14 \times 32,2)}{(4,14 \times 25,2)} =$$

$$\frac{133,3}{104,8} =$$

$$127,8 =$$

محاسبه مذکور نشان دهنده آنست که قیمت فی کیلو گرام گندم در سال

۱۳۶۴ نسبت به قیمت فی کیلو گرام گندم سال اساس (۱۳۶۰) باندازه ۱۲۷،۸

فیصد صعود نموده است.

اگر بدقت محاسبه شاخص قیمت یک جنس بصورت جداگانه صورت گیرد

استفاده از ضریب در فارمول ارنیه شده تاثیر نخواهد داشت.

همینطور محاسبه شاخص گروپ مواد مانند گندم ، برنج ، باریک ، و دال نظریه

فرضیه فوق وزن های مربوط مواد فوق اگر ۴،۱۴ ، ۵۲،۳۳ و ۴۵،۷۱ افغانی

محاسبه شده باشد درینصورت شاخص گروپ مواد مذکور با نظرداشت سال اساس

متذکره قبل قرار ذیل محاسبه میگردد.

$$GI \frac{\sum G(PRI \cdot W_j)}{\sum G(PO \cdot W_j)} \times 100$$

که در فارمول فوق GI شاخص گروپ مواد، $\sum G$ مجموع گروپ مواد، PRI قیمت وسطی فی واحد جنس درسال جاری، Po قیمت وسطی فی واحد جنس در سال اساس باشد.

درینصورت:

$$\text{شاخص قیمت گروپ مواد} = \frac{\text{مجموع (قیمت وسطی فی واحد جنس درسال جاری} \times \text{ضریب مربوط)}}{100 \times \frac{\text{مجموع (قیمت وسطی فی واحد جنس درسال اساس} \times \text{ضریب مربوط)}}$$

$$100 \times \frac{(0.49 \times 45.71) + (1.78 \times 59.33) + (4.14 \times 32.2)}{(0.49 \times 31.3) + (1.78 \times 53.6) + (25.2 \times 4.14)} =$$

$$100 \times \frac{22.4 + 105.6 + 133.3}{15.3 + 95.4 + 104.3} =$$

$$100 \times \frac{261.3}{215.0} =$$

$$121.5 =$$

ارقام حاصله نشان میدهد که قیمت حیوانات سال ۱۳۶۴ سبت به سال اساس (۱۳۶۰) باندازه ۱۲۱,۵ فیصدی صعود نموده است.

ولی قابل تذکر دانسته میشود اگر در محاسبه شاخص قیم گروپ مواد ضریب ها استعمال نگردد درینحالت قیمت حیوانات ۱۴۷,۰ فیصد حالت صعودی خواهند داد.

درصورتیکه در محاسبه شاخص قیم گروپ مواد طوریکه قبلا دیده شد از ضریب ها استفاده گردد در آن حالت وضع صعود ۱۲۱,۵ فیصد را در گروپ مواد نشان خواهند داد.

عملیه فوق که برای محاسبه شاخص قیم گروپ مواد استعمال گردید همینطور از چنین فارمول ها برای محاسبه شاخص قیم مجموعی نیز استفاده میگردد.

باین معنی که شاخص قیمت هر ماده در گروپ مربوطه اش محاسبه گردیده که بالاخره به استناد فارمول ذیل میتوان شاخص قیمت مجموعی را سنجش و محاسبه نمود.

$$GPI = \frac{\sum G (PRI \cdot W_i)}{\sum G (Po \cdot W_i)} \times 100$$

درینصورت :

$$\text{شاخص قیمت مجموعی} = \frac{\text{مجموع قیمت وسطی توزین شده هر ماده در سال جاری} \times \text{وزن مربوط همان ماده}}{\text{مجموع قیمت وسطی توزین شده هر ماده در سال جاری} \times \text{وزن مربوط}} \times 100$$

باید متذکر شد که در فارمول فوق GPI شاخص قیمت مجموعی $\sum PRI$ مجموعی قیمت وسطی مواد در سال جاری ، W_i ضریب مربوطه هر ماده ، $\sum Po$ قیمت وسطی مواد در سال اساس میباشد.

اگر در فارمول مذکور تمام قیمت های مواد با ضریب های مربوطه آن بصورت جداگانه گذاشته و هر کدام مورد محاسبه قرار گیرد بالاخره شاخص قیمت مجموعی که نمایندگی از قیمت و شاخص قیمت در کشور مینماید بدست میآید.

باید متذکر شد که با استفاده از میتوذهای مختلف و مواد استفاده برای سنجش شاخص قیمت نتایج حاصله نیز متفاوت خواهند بود اگر پرسیده شود که از جمله تمام میتود ها کدام بهتر است جواب بآن مربوط به وضع شرایط و اقتصادی - اجتماعی جامعه احصائیه ها و ارقام مورد نیاز میتود ها میباشد از این جاست که کشور های جهان با نظر داشت وضع و شرایط موجود و هم با داشتن ارقام و احصائیه های دست داشته شان از جمله آنها میتود مطلوب را انتخاب کرده اند طوریکه قبلاً تذکر شد در کشور عزیز ما نسبت نداشت ارقام و احصائیه های مورد نیاز شاخص قیمت با نظر داشت میتود لاسپیر شاخص قیمت ملی سنجیده میشود. برای اینکه کشور عزیز ما نیز یکی ازین میتودها را بصورت کامل مورد تطبیق قرار داده بتواند اجرای سروی های عاید و مصارف خانوار و یا اجرای دیگر سروی های مطلوب ضرور و حتمی پنداشته میشود. (۳۱، ۱۱)

خلاصه و نتیجه گیری

درینجا سعی بعمل آمده تا نخست مطالب و موضوعات عمده محتوای این اثر را خلاصه نموده و به تعقیب آن مطالب و مسایل آنرا تا حد ممکن در راه بهبود و بهتر ساختن مسایل عمده خصوصاً مسایل مربوطه امور پولی و قیمت های افغانستان منعکس سازید و از نتایج آن برای درک و شناخت خلاها و کاستی های موجود استفاده نموده و در رفع کاستی ها و مشکلات مربوطه نظریات لازم ارائه نمائیم.

پدیده های پولی در حیات جهان که در انقلاب اقتصادی سهم بزرگی دارد بیشتر از پیش توسعه و گسترش پیدا کرده و امور مالی و بانکداری ادارات و دولت را تحت نفوذ خود در آورده است میان توسعه فعالیت های اقتصادی و افزایش وسایل پولی علل و معلولی وجود دارد زمانیکه افزایش در تولید و مبادلات رونما میگردد این امر باعث افزایش پول و افزایش پول باعث افزایش تولید و مبادلات میگردد.

در سازمان های اقتصادی که باصل تقسیم کار و تخصص استوار است تبادلات بوسیله پول انجام میگردد و یک معیار است جهت تعیین ارزش اشیا و خدمات در دوره معاصر تاثیر روزافزون فعالیت های امور بانکی و پولی با وجود سهم فعال آن در فعالیت های اقتصادی کشور در حیات بین المللی و سیاست خارجی دول هویدا است اگر به مسیر تاریخ و حیات اقتصادی جهان نظر اندازی شود اقتصاد اکثر کشور ها تحت تاثیر نوسانات بزرگ عمومی رونق - اوج - رکود کساد و بحران قرار گرفته که میتوان یکی ازین عوامل مهم را مربوط به مسایل پولی دانست و امروز مسایل مربوطه به پول آنقدر پیچیده و بغرنج گردیده که اشخاص، مؤسسات، ادارات، دول از واکنش های مربوطه آن در امان مانده نمیتواند ازینرو کشورهای جهان برای رفع پرابلم های ذات البینی و روزافزون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود مجبور به ایجاد و تأسیس مؤسسات و تدویر و تنظیم کنفرانس های بین المللی و اختصاصی گردید و

جهت حل مشکلات عمده جهانی و طرح رهنمودهای لازم سازمان های بین المللی فعالیت مینماید ولی طوریکه در عمل دیده شده تاکنون کلید حل مشکلات ممالک جهان با الحاصه کشورهای روبه انکشاف میسر نشده است و سازمان های مذکور وظایف محوله خویش را در برابر ممالک روبه انکشاف طوریکه ایجاب مینماید انجام نداده اند، چه اختلاف نظر و توقعات مختلف ممالک جهان در نظام پولی آنقدر وسعت پیدا کرده که ایجاد وحدت نظر و تأمین یک نظام پولی جهان پذیر به سهولت و سرعت بیشتر امکان پذیر نخواهند بود از طرف دیگر مشکلات و پرابلم های پولی جهان را بحران های پولی شدیدتر میکشاند و مجبور آند تا برفع مشکلات روزافزون پولی پرداخته و جهت برآوردن یک نظام قوی پولی بین المللی وقتاً فوقتاً پیشنهادات خاصی را ارائه دارند ولی اکثر کشورهای پیشرفته جهان به آسانی حاضر نیستند سیاست های اقتصادی داخلی را فدای مقررات و یا تعهدات بین المللی سازند و کوشیده اند که قرار دادهای بین المللی را به نفع خود تغییر کیفیت داده و از مرامنامه های آن بمصلح ملی و تعقیب عقاید نفع جویانه خود در چارچوب اهداف قرار دادها ، از نظر فنی و سیاسی استفاده بیشتر نمایند.

کشور های در حال رشد منجمله افغانستان به پرابلم های زیاد اقتصادی از قبیل سطح پائین تولید و عواید قلت سرمایه، نداشتن پولی قوی، بطی بودن رشد اقتصادی، بیکاری مخفی، کسری بیلانس تادیات و بیلانس اسعاری و غیره روبرو هستند و جهان پیشرفته در چارچوب مؤسسات بین المللی منجمله صندوق و جهی بین المللی (IMF) که وظایف عمده اصلی آن همکاری پولی میان دولت ها ، توسعه تجارت بین المللی تثبیت نرخ اسعار عمده جهان ، ایجاد سیستم چند جانبه تادیات، لغو محدودیت های اسعاری و اعطای کمک ها جهت رفع مشکلات بیلانس تادیات ، رهنمائی در مسایل مربوط پولی ، کمک و توجه بیشتر ممالک روبه انکشاف رفع

معضلات بیکاری ، و دیگر مسایل پولی و بانک توسعه و ترمیم مجدد جهان (IBRD) که وظایف اساسی و عمده آن اعطای قروض و تضمین آنها ، مسایل تعمیرات ، ایجاد توازن در بیلانس تجات ممالک ، ایجاد نظم در نظام پولی و استقرار تعادل در مناسبات اقتصادی بین المللی میباشد جهان سوم را به نحو انجا در لفافه قرار دادهای بین المللی بیشتر مورد حربه خود قرار میدهد ایجاد همچو سازمان ها یک دام است که کشور های جهان را در حلقه آن گرفتار ساخته و از فعالیت رهنمود شده آن به نفع خود به تاسیس و تدویر کنفرانس ها و سیمینار ها بپردازند. و آرزومند واقعی رفع مشکلات در سطح بین المللی خصوصا در برابر ممالک رو به انکشاف نیستند این سازمان ها و مؤسسات در قبال کشور ما که از سالیان متمادی خاصتا درین چند سال اخیر که گریبانگیر مشکلات عدیده پولی و اقتصادی بوده در راه رفع این مشکلات وظایف محوله خود را انجام نداده است چه کشور عزیزما درین چندسال اخیر به مشکلات اقتصادی و مسایل پولی از قبیل تنزیل سرسام اور ارزش پول داخلی بمقابل اسعار خارجی ، کسر بیلانس تادیات ، کمبود سرمایه سطح پانین تولید ، موجودیت انفلاسیون روبرو شده و ممالک پیشرفته جهان و مؤسسات بین المللی در برابر تطبیق مرامنامه ها و قرار دادهای مؤسسات بین المللی چشم پوشی نموده و نحواسته اند که رفع مشکلات عاید اقتصاد کشورما سهم ارزنده و مسؤلانه خود را تبارز دهند.

ارزش و یا قدرت خرید پول مستقیما مربوط به عضه و تقاضای پول است عرضه پول مجموع پول دوران اقتصادی یک مملکت را دریک زمان معین احتوا میدارد عمدتا در عرضه پول نشر بانکوت ها ، موجود خزاین بانکها، بانکوت ها بدست مردم همچنان مسکوکات در حسابات جاری اشخاص را احتوا میدارد افزایش بیشتر در عرضه پولی در صعود قیمت ها موثر بوده سرعت دوران پول تأثیر کیفی خود در عرضه پول نیز نمایان میسازد واکنش های پولی بالای قیمت و ریالیتم بالای دریک

جامعه همیشه محسوس است که موضوع امروز ذریعه نظریه مقداری پول مورد جرو بحث بیشتر علما و محققین جهان قرار گرفته و از خود طرفداران و مخالفین داشته است اگر دریک جامعه پول سرعت کم از یک دست بدست دیگر انتقال یابد و یا اشخاص یک اندازه پول خود را به پیش خود نگهدارند و از جریان باز دارند درینصورت سرعت دوران پول کاهش میآید برعکس کسانیکه پول را در جریان میگذارند و آنرا تحرک بیشتر میدهند درینصورت سرعت دوران را افزایش میدهند البته در سرعت دوران پول وضع مالی عرف و عادات طرز تفکر پیشینی های آینده و طرز توزیع پول در جامعه نیز مؤثر است .

درسال های اخیر خصوصاً بعد از شروع جنگ چندین ساله که در کشور ما دوام دارد عرضه پول به سرعت و بی اندازه افزایش یافته و حجم عرضه پول چندین مرتبه بیشتر از زمان قبل از جنگ است که درسالهای اخیر دولت آنرا در جمله محرمیات شمرده است. و از اشاعه آن ابا میورزند، افزایش زیاد و بی سابقه عرضه پول باعث صعود سرسام اور قیمت ها تسزیل ارزش پول داخلی بمقابل اسعار خارجی گردیده است.

کشورما از یکطرف به تمیه سامان والات انکشاف اقتصادی و اجتماعی و از طرف دیگر مراودات و داد و ستدهای تجارتي و تادیات غیر مرینی به اسعار خارجی ضرورت زیاد دارد و مسایل تجارت خارجی کشوریکه اکثر سامان والات و حتی ورود بعضی مواد اولیه آن به فعالیت های اقتصادی ارتباط میگیرد موضوع اسعار باهمیت تر شده و ورود همه اموال مورد نیاز عمدتاً به اسعار خارجی ضرورت دارد نسبت ازدیاد واردات ارزش پول داخلی بمقابل اسعار خارجی روزبروز در حال ضعف و ناتوای قرار گرفته است و احساس ضرورت بیشتر به اسعار خارجی جهت حفظ استقرار پولی و ذخیره آن بحیث پشتوانه پولی نیز قابل تذکر است.

از ادامه جنگ داخلی تجار و صرافان در قرار سرمایه و اسعار از داخل کشور بخارج خصوصاً به کشورهای همسایه منجمله پاکستان، ایران و هند استفاده سؤ کرده و به میلیارد واحد اسعار و یا پول بخارج کمیشن ها انتقال داده شده است و در نتیجه قاچاقبران نیز از خرید فروش و انتقال اسعار سود زیاد بدست آورده و باعث صعود نرخ اسعار بمقابل پول داخلی گردیده است چنانچه در اواخر سال ۱۳۶۸ طور وسطی پول داخلی بمقابل دالر امریکائی در بازار آزاد از ۶۰۰-۷۰۰ افغانی و کلدار هندی از ۲۵-۳۵ افغانی و کلدار پاکستانی از ۲۰-۳۰ افغانی مورد تبادل قرار گرفته است.)

تعیین و شناخت ارزش موجودی اجناس مربوطه ادارات و مؤسسات در طرح پلانهای انکشاف، اخذ تصمیم تعیین و ضرر، تعیین بودجه تاثیر زیاد دارد، چه سازمان هایکه نسبت عدم داشتن معلومات پیرامون ارزش موجودی اسیا در طرح پلان ها، تعیین بودجه لازم مطلوب نفع و ضرر ترتیب بیلانس ها موفق نبوده و در فعالیت های مربوطه خود به پرابلمهای زیادی مواجه میگردد. همچنان استعمال و استفاده از میتودها با نظر داشت شرایط اقتصادی - تنظیم و اداره تحویلخانه ه سیستم واگذاری اموال، طریق ثبت اموال و اشیا، و شرایط پرسونل و غیره از یک کشور نظر به کشور دیگر متفاوت است تعیین ارزش موجودی ها به سیستم حسابداری صحیح و منظم که عمدتاً متضمن بر آوردن اهداف مهم از جمله تعیین وثیبت قیمت تمام شد و تعیین ارزش موجودی اموال که با هم ارتباط ناگستی دارد ضرورت دارد.

که بر آوردن این اهداف در مؤسسات و اداراتیکه دارای حسابداری منظم و صحیح نباشد مشکل بنظر میرسد در کشور عزیز ما نسبت عدم موجودیت سیستم حسابداری کامل و منظم و واحد، فقدان ارقام و احصائیه مورد ضرورت، عدم موجودیت یک سیستم صحیح واگذاری اجناس در تحویلخانه ها، عدم موجودیت

سیستم ثبت صحیح اموال در دفاتر و حسابات با مشخصات لازم، عدم موجودیت پرسونل لازم و واحد شرایط و نداشتن قابلیت استفاده از روش های مطلوب موجودی به پرابلم های زیادی مواجه است گر چه در ختم هر سال مالی از طرف هنیات منتخیه در مؤسسات و ادارات نرر به وظایف محوله شان موجودی اموال انجام میپذیرد ولی عوض اینکه انجام چنین موجودی ها برای تصفیه حسابات مربوطه و هم در کارها و فعالیت های مؤسسه و یا اداره مفید واقع گردد بی نظمی و پراگندگی بیشتر را در حسابات بار آورده و باعث صنایع وقت کارمندان و کارکنان مربوطه نیز میگردد.

نکته مهمی که در سیستم موجودی قابل وقت زیاد است این است که ثبت مشخصات کامل اشیا و اجناس در دفاتر مربوطه یکی از ضروریات مبرم حسابداری میباشد زمانیکه موجودی انجام می پذیرد اموال موجود تحویلخانه ها با اموال ثبت شده دفاتر باید وفق و مقایسه گردد در صورتیکه اموال با مشخصات کامل در دفاتر ثبت باشد انجام موجودی ها بی ثمر بوده و راه بیشتر را برای تقلب، ساخته کاری ها و سوء استفاده باز نموده و دارائی عامه حیف و میل اشخاص استفاده جو میگردد.

در کشورهاییکه سیستم حسابداری شان بی نظم و از صحت و ثقم بر خوردار نباشد و فاقد ارقام معلومات احصائیوی لازم باشد جهت سهولت کار استهلاک دارائی ها را بطول از آن ستفاده مینمایند تقسیم میسازد درین روش عمر و دوام استفاده از شی و اندازه اسقاط ارزش آن در هر دوره مالی بطور صحیح و دقیق محاسبه شده نمی تواند ازینجا است که در اکثر ادارات برای تعیین استهلاک از بعضی تخمینات استفاده میشود - بالخاصه در کشورهای روبه انکشاف منجمله افغانستان نسبت کاستی های موجود حسابداری شان از کدام روش علمی بصورت کامل استفاده کرده نتوانستند جهت تعیین استهلاک ده فیصد کاهش ارزش ایشانرا در دوره هر سال مالی در نظر میگیرند و البته اسقاط تمام آن در هر دوره مالی مساویانه تثبیت می گردد حالانکه

تربیل ارزش در تمام دارائی ها یک سان ممکن نیست وهم موضوع انفلاسیون و یا دیفلاسیون و دیگر مربوطه در سطح ملی و بین المللی را در نظر نمیگیرند.

در صورتیکه ارزش تربیل دارائی ها بر طرق روش های علمی و فنی حسابداری صورت نمیگردد در عمل مشکلات را بار آورده و تاثیر آن بر بیلبانس ها، و نفع و ضرر مسایل مالیاتی محصول ملی و غیره محسوس بوده و در نتیجه ... وضع حسابداری اداره و مؤسسه را به ناکامی مواجه میسازد.

از نظر حسابداری اندازه استهلاک و یا تاثیر آن تا حدود زیادی به انتخاب روش استهلاک و طرق محاسبه استهلاک نیز مربوط است و همچنان نوع استفاده از دارائی ها اختراعات و اکتشافات، پیشرفت های فنی و علمی عدم موجودیت بازار های فروش - نرسیدن مواد اولیه وقت زمان مطلوب، و دیگر عوامل غیر پیشبینی شده، عدم دقت در سیستم نگهداری دارائی ها که درجه مؤثریت هر کدام آن ها در استهلاک مختلف بوده، نیز بی تاثیر نمیباشد کشور عزیز ما افغانستان نسبت عدم موجودیت معلومات پیرامون قیمت تمام شدنی شناخت ارزش شی در زمان محاسبه استهلاک تعیین مدت دوام شی و غیره در محاسبه و سنجش استهلاک به پرابلم های زیادی مواجه است بنابر پرابلم های موجود در اکثر مؤسسات و ادارات اصلا استهلاک مورد بحث نبوده و اگر مطرح هم باشد محض به تنزیل ده فیصد از ارزش اصلی آن در هر سال بحساب استهلاک کار سازی میگردد و یا در بعضی ادارات تخمینات دیگر ملاک عمل قرار داده میشود موضوع که قابل یاد آوری است این است زمانیکه در کشور ما سیستم حسابداری و شرایط مساعد جهت محاسبه استهلاک بااستناد روش های علمی فنی میسر میگردد سعی بلیغ باید بخرج دهند که تا مسایل استهلاک را در سیستم حسابداری ادارات توسعه و انکشاف داده و در هر دوره معینه به سنجش و محاسبه استهلاک دارائی ها پردازند و اگر در وضع موجود

از تخمینات هم استفاده می‌گردد آنرا بواقعیت نزدیک ساخته و ثبت حسابات معینه نمایند و این کار از اهل فن و تجارب سال‌های گذشته با نظر داشت عوامل اقلیمی، سیر قیمت‌ها استفاده عظیم صورت گیرد از نظر حسابداری ارزیابی ارقام استهلاک شده به قیمت روز صورت می‌گیرد جهت انجام این عمل بداشتن احصائیه‌ها و ارقام مؤثق و دفاتر منظم ضرورت احساس می‌گردد و عمدتاً جهت ثبت قیمت‌های روز اشیا به قیمت‌های ثبت شده دفاتر از هم متفاوت است عدم قابلیت استفاده از قیمت روز استناد به قیمت ثبت شده دفتر تعیین ارزش استهلاک حسابات جاری ادارات را متأثر ساخته در نتیجه حسابات مربوط ادارات نمیتواند که وضع اصلی دارائی شانرا بصورت واقعی تبارز دهند.

قیمت افاده پولی ارزش است که مولدین را به تولید و مستهلکین را به مصرف هدایت و رهنمائی مینمایند. شاخص قیمت یک مقیاس احصایوی است که تغییرات قیمت‌ها را در یک و یا چندین متحول دیگر نشان میدهد.

در حقیقت مطالعه سیر و شاخص قیمت‌ها یک معیار اساسی برای درک و شناخت مسایل اقتصادی و دیگر پدیده‌های مربوطه آن میباشد. و یک از وسایل عمده برای طرح پلان‌ها و دیگر پالیسی‌های اقتصادی و اجتماعی شمرده میشود نتایج مطالعات پیرامون مسایل مربوطه قیمت میتواند رهنمای خوبی برای متصدیان امور اقتصادی اجتماعی سیاسی - اداری و تجارتي محسوب شود. شناخت و وضع قیمت‌ها و شاخص آن برای تمام افراد جامعه خصوصاً برای داشتن مدیونین و هم برای کسانی که در توزیع منابع اقتصادی استخدام، عاید ملی، آهنگ رشد اقتصادی و دیگر مسایل اقتصادی، اجتماعی شروکار دارند دارای اهمیت خصوصی میباشد.

همچنان مطالعه شناخت وضع و شاخص قیم برای محصلین محققین، دانش پژوهان و دیگر اشخاص ذی‌علاقه بمد مطالعه و تحقیقات شان قرار گرفته و یک وسیله در جهت تجزیه و تحلیل مسایل مربوطه تحقیق علمی آن‌ها واقع می‌گردد.

با نظر داشت اهمیت و نقش مطالعه مسایل قیم و شاخص آن دست اندر کاران امور اقتصادی کشورها به تمهیه و تثبیت شاخص قیمت پرداخته و از روش های مختلف علمی استفاده مینمایند.

هر کشور نظریه شرایط و ارقام احصائیوی دست داشته روش های مختلفی را مورد استفاده قرار میدهند در کشور ما نسبت عدم موجودیت ارقام معلومات مورد نیاز برای تثبیت شاخص قیم روش های علمی و پیشرفته ای که در کشورهای انکشاف یافته مورد استعمال است به صورت کامل و استفاده صورت گرفته نمیتواند. باید افزود که روش های علمی تثبیت شاخص قیم به ارقام و معلومات احصائیوی موقت که این ارقام عمدتاً از اجرای سروی ها سر شماری کامل و یا نمونه نی نفوس، سروی های عاید و مصارف خانواده ها، سروی های تعیین و تثبیت سویه حیات و غیره بدست میآید ضرورت دارد. گر چه نشریه های احصائیوی نشان میدهد که در کشور ما چندین سروی های اقتصادی و اجتماعی از قبیل سروی های نمونه نفوس شماری سال ۱۳۴۶ بودجه خانوار سال های ۱۳۳۶ و ۱۳۴۷ و سروی کامل سر شماری سال ۱۳۵۸ و دیگر سروی ها انجام گردیده ولی نتایج حاصله از آن جهت تثبیت وزن های مورد نیاز تثبیت شاخص قیم از نظر اعتبار زمانی، احتوا و پوشش آنقدر قابل اطمینان و اعتماد نمیشد.

کشورهایی که دارای احصائیه ها و ارقام مورد نیاز شاخص قیم هستند در هر وقت زمان میتوانند جهت تثبیت شاخص قیم روش های پیشرفته علمی استفاده نمایند ولی کشورهایی که فاقد و یا دچار مشکلات ارقام احصائیوی هستند و از روش های علمی پیشرفته استفاده کرده نمیتوانند ناچار از میتوهای ساده و یا میتوهای ثقلت دار برای برآوردن این منظور استفاده نمایند از جمله میتوان روش شاخص قیم لاسپیر Laspeyers که مورد استفاده اکثر جهانیان بالخاصه کشوری که بقلت ارقام و

معلومات احصائیوی مورد ضرورت شاخص قیم روبرو هستند نام برده در کشورها باوجود استعمال و استفاده از روش مذکور نظر به بعضی فاکتورها در تثبیت شاخص قیم ملی کاستی های دیده میشود که این وضع در طرح پلان های اقتصادی و اجتماعی تاثیرات منفی را بجا میگذارند این فکتورها را میتوان ذیلاً خلاصه نمود:

- عدم امکانات استفاده کامل از میتودهای علمی شاخص قیم.
- عدم اجرای سروی های مورد ضرورت که متضمن تثبیت وزن ها برای شاخص قیم باشد.

- مشکلات و نواقص موجود در سیستم جمع آوری معلومات و ارقام قیم و استفاده قیم مواد فصلی تعدیل نشده در تثبیت شاخص قیم.

- محدود بودن تعداد مواد و خدمات که برای تثبیت شاخص قیم ملی بکار برده میشود عوامل متذکره هر کدام قابل مطالعه و تحقیقات مزید دیده شده که در فصل های مربوطه این اثر معلومات بیشتر تقدیم گردیده است.

باید متذکر شد که تشکل و تثبیت قیم در نظام هاظ مختلف از هم متفاوت بوده و مربوط به سیاست اقتصادی همان نظام میباشد. اینجاست که در هر نظام سیاست اقتصادی ماهیت طبقاتی داشته و وسیله نظام مسلط در جامعه گردیده میباشد.

عمدتاً در کشور های سرمایه داری قیمت اعظم فعالیت های اقتصادی در بخش های خصوصی انجام میگردد و سازمان های اقتصادی بیشتر تابع عدم مرکزیت است با آن هم دولت در اکثر فعالیت ها نقش رهنمائی، هدایت، تنظیم و کنترل فعالیت های جامعه تابع پلان مرکزی دارد در اقتصاد پلان شده کشور های سوسیالیستی بیشتر فعالیت های جامعه تابع پلان مرکزی است و دولت در اکثر موارد مستقیماً در امور اقتصادی جامعه مداخله مینماید. ولی در هر نظام دولت در

چگونگی تثبیت قیمت مسایل عرضه و تقاضا رول نسبی متفاوتی را دارا می باشد تثبیت قیمت در اقتصاد پلان شده مطابق رهنمائی و کنترل دولت با ملاحظه قیمت تمام شده یا قیمت تعادلی که به اثر منحنی عرضه و تقاضا بوجود میاید صورت میپذیرد.

در نظام سرمایه داری عمدتاً قیمت کالاها با قیمت تولیدی (قیمت تمام شد نورم مفاد) تثبیت میگردد اما بعضی اوقات تثبیت قیمت ها تحت قیمت های انحصاری که بدست آوردن مفاد بیشتر است تعیین و تثبیت میگردد. ولی در هر دو نظام نمیتوان از شرایط عرضه و تقاضا چشم پوشی نمود.

عرضه و تقاضا را میتوان یکی از عوامل مهم تغییر دهنده سطح قیمت نامید تغییرات در عرضه و تقاضا بخصوص در اقتصاد (آزاد) باعث تغییرات قیمت میگردد سهم و اهمیت عرضه و تقاضا در تثبیت قیمت نظر به چگونگی نظام ها متفاوت است.

در شرایط کشور ما مداخله و کنترل دولت در امر تعیین قیمت نیازمندی های عینی جامعه ما میباشد. سیر تاریخ نشان میدهد که کلمه قیمت از زمان های قدیم زبان زد عام و خاص بوده و امروز هم کمتر اشخاص خواهند بود که به قیمت سروکار نداشته باشند. از زمان های قدیم مؤسسات، ادارات و اشخاص به جمع آوری، توحید و تحلیل ارقام و مسایل قیمت پرداخته اند و آنرا جهت رفع نیازمندی ها به مقاصد مختلف بکار برده اند درینجا بصورت بسیار ساده و فشرده از وضع قیمت وسطی بعضی مواد حیاتی در کشور یاد آور میشویم.

قیمت وسطی فی سیر گوشت در زمان امیر عبدالرحمن خان یک رویه، در زمان امیر حبیب الله خان چهار رویه، در زمان امیر امان الله خان هفت رویه و در اوایل زمان محمد ظاهر شاه چهل و پنج افغانی بود. در زمان امیر حبیب الله خان قیمت فی سیر آرد گندم یک رویه، برنج باریک سه رویه، روغن پانزده رویه در زمان امیر امان الله خان قیمت فی سیر آرد گندم ۲۵،۱ رویه برنج باری سه رویه، روغن

دوازده روبيه و در اوایل زمان محمد ظاهرشاه قیمت فی سیر آرد گندم شانزده افغانی، روغن بکصد و پنجاه افغانی و برنج باریک بیست افغانی و در طی سالهای ۱۳۵۱- ۱۳۵۶-۱۳۵۷-۱۳۶۴ الی ۱۳۶۷ بالترتیب قیمت وسطی فی سیر آرد گندم ۶۰،۵۰ افغانی ۱۳۳،۷۰ افغانی ۳۲۴،۸ افغانی و قیمت فی سیر برنج باریک ۱۳۰/۱ افغانی - ۲۸۳،۵ افغانی و ۲۷۱۲/۵ افغانی و قیمت فی سیر گوشت گوسفند ۳۷۹/۱ افغانی ۴۳۴/۱ افغانی و ۲۵۶۵/۴ افغانی و قیمت فی سیر روغن نباتی ۳۰۲/۲ افغانی - ۳۸۰ افغانی و ۲۴۱۲/۲ افغانی بود عمدتاً علت صعود قیم دیولویشن دوامدار پول، سرعت دوران پول کالا در کشور ما و جهان می باشد که در بلند رفتن معاشات و هزینه زندگی مجلی میگردد. البته صعود انفلاسیون قیم بحث جداگانه ایست که در فصل های (۴/۲/۱) از آن صحبت نموده ایم.

ازینکه اکثریت مردم کشور ما در عرصه زراعت اشتغال داشته و این عرصه طوریکه قبلاً هم ذکر شد عمدتاً بمقابل ناملازمات حوادث اقلیمی و جوی قرار میگیرد. و این ناملازمات و حوادث در طول سالها بارها بوقوع پیوسته است این امر باعث نوسانات مختلف و مکرر قیم گردیده و میگردد هکذا کشور ما بمقابل جنگ بحران اقتصادی و حوادث غیر مترقبه طبیعی قرار گرفته که این حادثات باعث صعود بیشتر و فوق العاده قیمت ها گردیده است که این صعود اکثر جامعه را خصوصاً آثمائی را که عاید دارد متضرر میسازد.

صعود قیمت در سالهای ۱۳۴۶-۱۳۵۰ عمدتاً ناشی از خشک سالها و قحطی های متواتر سالهای مذکور بود همچنان صعود سرسام آور قیمت ها در سالهای اخیر که ناشی از جنگ تحمیلی چندین ساله است شاهد این مدعاشده میتواند چون اقتصاد کشور ما چند نموده است و تشبثات خصوصی قسمت اعظمی فعالیت های اقتصادی را تشکیل میدهد متصدیان این نوع تشبثات به کسب مفاد بیشتر از همه

علاقتمندان قسمت اعظم سرمایه خصوصی عوض سرمایه تولیدی در عرصه سرمایه تجارتي که مفاد بیشتر دارد بکار رفته و این امر نیازمندی تولیدی را در جامعه نامر فوع میگذارد. کاهش تولیدات داخلی به مقایسه مقدار پول داخلی دوران، صعود قیم را بیار می آورد و به نحو از انجا از قیمت دلی عرضه و تقاضا استفاده مینمایند. احتکار افزایش یابد و در برخی موارد گام بیشتر و فراختری را گذاشته و تثبیت قیمت ها را خلاف مقررات و قرار دادهای اجتماعی پنداشته و صعود بیشتر قیمت ها را به با جلب مفاد بیشتر بخود مجاز میدانند.

باید علاوه کرد، قرار دادهاییکه دواير مؤسسات دولتی - بخش های خصوصی بخصوص قرار دادهای انفرادی بعمل میآورد عمدتاً قیم مواد مندرجه چنین قرار دادهای را که زجانب متشبین خصوصی تهیه میگردد بلند تر از سطح قیم موجوده تعیین مینمایند این امر خود برای هواخواهان صعود قیم دست آزاد و زمینه سود هر چه بیشتر را فراهم میسازد.

صعود قیم اثرات یک جانبه نداشته برای بعضی ها (مدیونین - صاحبان اوراق بھادار - و اشخاص دارای عواید ثابت و غیره) ضرر بار میآورند.

در کشور عزیز ما چون نقش طبیعت در محصولات زراعتی بیشتر از همه محسوس است و محصولات زراعتی بیشتر بدستخوش نامالایمات اقلیمی و جوی قرار میگیرندو طرح پلانهای پیشینی ها در حصه مقدار تولید نوع و کیفیت آن مشکل تر میباشد. طوریکه قبلاً عرض شد اکثر جامعه ما به امور زراعتی (در حدود ۸۵ فیصد) اشتغال دارند محصولات زراعتی و در حدود ۶۰ فیصد محصول ناخالص ملی را تشکیل میدهد نوسانات در تولید و قیم آن باعث اضرار اکثر دهاقین و مستهلکین میشوند و همچنان در صعود قیمت محصولات زراعتی مناسبات عرف و عادت نیز مؤثر واقع شده باعث صعود و نوسانات میگردد ازینجا است که طرفدار عدم مداخله

دولت بمقابل عده کثریکه طرفدار مداخله در سکتور زراعتی هستند قرار گرفته اند دولت در بعضی اوقات مستقیماً برای حفظ قدرت خرید و سطح عاید زارعین قیمت اشیا و مواد معینی را تعیین و تضمین مینماید که ممکن این قیمت بالاتر از قیمت تعادلی باشد که باثر منحنی عرضه و تقاضا بوجود میآید و مداخله غیر مستقیم دولت در تثبیت قیمت محصولات زراعتی عمدتاً از طریق تطبیق سیاست های مالی و پولی صورت گرفته میتواند.

طوریکه سایر عوامل اقتصادی در آهنگ سهم ارزنده دارد حفظ و استقرار نسبی قیمت ها نیز یکی از فاکتور ها عینی جهت نیل باهداف اقتصادی و اجتماعی محسوب گردیده و رشد اقتصادی را در یک مسیر سالم رهنمائی مینمایند. برای استقرار قیم شناخت عوامل مؤثر که یکی ازین عوامل مداخله مستقیم و یا غیر مستقیم آن از طریق دخالت در عناصر تشکیل دهنده قیمت صورت گرفته میتواند.

در هنگام جنگ و بحران ها چون سطح قیم بالخاصه قیم مواد ارتزاقی فوق العاده صعود مینماید رهنمائی مداخله و کنترل دولت در همچو حالت ضرور پنداشته میشود اگر به سیر قیمت های چند سال اخیر که عمدتاً ناشی از جنگ اعلام نشده در کشور میباشد نظر اندازی شود جنگ باعث صعود فوق العاده قیمت ها - کاهش تولیدات از دیاد مصارف دفاعی - کسر بودجه - نشر پول اضافی، برهم خوردن امور ترانسپورتی و ایجاد صدها مشکلات دیگر گردیده و هم وجود مرئی و غیره مرئی قاچاق بران محتکرین - جلایبان و سهم داشتن اشخاص بی کفایت و استفاده جو شدت نوسانات قیم را افزایش داده و باعث ایجاد بی نظمی های بیشتر در امور قیمت ها گردیده است ازین وضع کمتر اشخاص ذی نفع شده و اکثریت جامعه متضرر گردیده است.

گر چه درین اواخر دولت جمهوری افغانستان متوجه ایجاد و استقرار قیم شده و برای تحقق دادن این امریه تشکیل سازمان های تجارتي و اجتماعي (کوپراتيف ها مغازه های استهلاکي و پرچون فروشي کنترول و مراقبت) دست زده اند.

ولی شواهد و تجارب تاريخي کشور چنين وانمود ساخته که بمر اندازه ايکه ادارات و مؤسسات و اشخاص بیشتر جهت کنترول و استقرار قیم توظيف شده اند به همان پيمانه باعث ایجاد بی نرمی ها و صعود بیشتر قیمت ها که عمدتاً ناشی از وجود اشخاص بی کفایت استفاده جو و رشوه خوار می باشد گردیده است.

پیشنهاد مشخص نویسنده این اثر در زمینه این است که جهت کنترول و استقرار مؤثر به قیم باید یک سیستم واحد نیرومند باصلاحیت با داشتن اداره سالم اشخاص صادق و کار فهم که بتوانند استقرار و کنترول قیم را در جامعه از طریق جلب همکاری های دیگر سازمان بر آورده ساخته بتوانند ایجاد گردد. و همچنان باید متذکر شد وزن ها و ضریب هایکه برای تثبیت و محاسبه شاخص قیم ملی استعمال میگردد نتایج حاصله سروری های چندین سال قبل میباشد ولی امروز شرایط حیات و زندگی مردم و نوع مصرف آنها تغییر نموده و نتایج حاصله سروری های چندین سال قبل جوابگوی واقعی ارقام و معلومات مورد نیاز محاسبه شاخص قیم ملی امروز شده نمیتواند جهت رفع این نقیصه لازم است که به اجرای یک سروری در سراسر کشور که نتایج آن جوابگوی واقعی مورد ضرورت محاسبه شاخص قیم ملی شده بتواند اقدام گردد.

در محاسبه شاخص قیم ملی از چند قلم مواد غذایی مهم و غیر غذایی استفاده شده حالانکه اقسام و انواع مواد و خدماتیکه امروز در حیات مردم پیکار پرده میشود بسیار زیاد است و چند قلم محدود مورد استعمال نمایندگی واقعی تمام مواد و خدمات مورد نیاز مردم را کرده نمیتواند بناء لازم دیده میشود که جهت محاسبه شاخص قیم

ملی در تعداد مواد و خدمات افزایش لازم بعمل آید وزن هایکه برای شاخص قیم بکار برده شده در سیستم استفاده از آن نقش نورم و استندرد ضعیف بوده و در تعدیلات ارقام بوزن ها از پر نسیب ها و قواعد مهم احصائیوی بطور کامل استفاده نگریدیده است. کمیت و کیفیت صحت و ثقم احصائیه های قیم مربوط به انجام بمر پروسه های سیستم جمع آوری آنها تعیین و تثبیت مشخصات مواد زمان بتر جمع آوری معلومات استعمال میتودها، طرق انتخاب نمونه، تعدیلات لازم در قیمت مواد فصلی و موسمی و غیره عوامل میباشد. در کشور عزیز ما از نتایج مطالعه و تحقیق موضوعات مذکور چنین پیدااست که در فعالیتهای مربوطه خلاها و نواقص نسبی موجود است و جهت رفع این نواقص باید اقدامات و مطالعات بیشتر انجام پذیرد.

مآخذ:

اول کتب:

- 1- Croxton-Cowden-Klein. Applied Statistics. London. 1968.
 - 2- Eslam Mphammad. Whole sale price Index for Pakistan, the Hague Netherlands. 1971.
 - 3- Kish Leslie. Survey Sampling. London. 1965.
 - 4- Kwott. W. price Statistic for Thailand. The Hague. Netherland. 1971.
 - 5- neter john & Wasserman. Fundamental Statistics for Business and Economical Boston. 1965.
 - 6- Robert – Willett R. Edward. Statistics as Appied to Economics and Business. New York 1965.
 - 7- Samuelson A. paul. Economics. 8 Ed New York. 1970.
 - 8- Vonsickle John and Rogge Benjamin. Introduction to Economics. 1954.
- ۹- اکبری فضل الله، حسابداری و حسابرسی صنعتی. دانشگاه تهران. ۱۳۴۲.
- ۱۰ ابوی یحیی، پرابلم های انکشاف پلانگذاری و رول دولت در اقتصاد افغانستان ۱۳۵۱.
- ۱۱- اصیل مراد علی، مبادی تیوری های عمومی احصانیه و تطبیق آنها در اقتصاد. پوهنتون کابل ۱۳۶۵.
- ۱۲- اقتداری علی محمد، اقتصاد عمومی، جلد اول، دانشگاه تهران، ایران ۱۳۵۴.
- ۱۳- آموزگار جهانگیر، پول و قیمت، دانشگاه تهران، ایران ۱۳۴۵.
- ۱۴- حقیقی زندی، نظر به عمومی قیمت و تولید، دانشگاه تهران، ایران ۱۳۵۰.
- ۱۵- سرابی عبدالواحد، مبادی علم اقتصاد، پوهنتون کابل ۱۳۴۶ز
- ۱۶- شید فرزین العابدین، اقتصاد در صنایع فنون، دانشگاه تهران، ایران ۱۳۴۲.
- ۱۷- غبار میر غلام محمد. افغانستان در مسیر تاریخ مطبوعه دولتی کابل ۱۳۴۶.
- ۱۸- قدیری باقر، تحقیقات اقتصادی. دانشگاه تهران، ایران ۱۳۴۱.
- ۱۹- مهدوی اصغر، علم اقتصاد، دانشگاه تهران، ایران ۱۳۴۲.

- ۲۰- همانندی هوشنگ، اصول علم اقتصاد مؤسسه عالی حسابداری ایران ۱۳۵۰.
- ۲۱- یوری ملاویویچ برزالدین، نرخ گذاری و ارزش محصولات اکونومیکا، مسکو ۱۹۷۵.
- دوم: مجلات سالنامه ها - جراید و روزنامه ها:
- ۲۲- سراج الاخبار افغانیه ماه دلو سال ۱۲۹۴.
- ۲۳- امان افغان شماره (۱۴) سال ۱۲۹۸.
- ۲۴- مجله اقتصاد - وزارت تجارت ماه جدی سال ۱۳۲۹.
- ۲۵- مجله های تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران - ایران ۱۳۴۰-۱۳۴۸.
- ۲۶- مجله های افغانستان بانک مطبوعه دولتی کابل - ۱۳۴۲-۱۳۶۴.
- ۲۷- مجله بررسی مالی - وزارت مالیه ۱۳۶۰.
- ۲۸- مجله اطاق تجارت و صنایع - تهران - ایران ۱۳۴۵.
- ۲۹- مجله بانک ملی ایران - تهران - ۱۳۴۶.
- ۳۰- پیشرفت پلان - وزارت پلان مطبوعه دولتی، کابل ۱۳۴۲-۱۳۴۸.
- ۳۱- معلومات احصاییوی، اداره مرکزی احصاییه، مطبوعه دولتی، کابل، ۱۳۴۳-۱۳۴۳.
- ۳۲- معلومات احصاییوی، اداره مرکزی احصاییه، مطبوعه دولتی، ۱۳۵۴-۱۳۵۶.
- ۳۳- سالنامه احصاییوی، اداره مرکزی احصاییه، مطبوعه دولتی، کابل، ۱۳۵۷-۱۳۵۹.
- ۳۴- سالنامه احصاییوی اداره مرکزی احصاییه مطبوعه دولتی، کابل، ۱۳۶۰-۱۳۶۲.
- ۳۵- سالنامه احصاییوی، اداره مرکزی احصاییه کابل، ۱۳۶۶-۱۳۶۷.
- ۳۶- پلان انکشاف اقتصادی و اجتماعی وزارت پلان، مطبوعه دولتی، ۱۳۶۷.
- ۳۷- نظم جدید اقتصاد بین المللی و مالک روید انکشاف - یوهنتون کابل - ۱۳۶۲.
- ۳۸- روز نامه های حقیقت انقلاب ثور تاریخی ۱۳۶۲/۱۰/۱، ۱۳۶۲/۱۱/۲۹، ۱۳۶۲/۱۱/۲۹.
- ۱۳۶۵/۳/۲۵
- ۳۹- قانون قیمت گذاری و کنترل قیم جمهوری دموکراتیک افغانستان - ۱۳۶۳.

خلص سوانح مؤلف

محمد ناصر ناصر ستانکزی در فریبه بابری ولسوالی برکی برک در سال ۱۳۱۶ متولد بعد از فراغت از مکتب ابتدائیه برکی برک شامل لیسه این سینا و بعداً شامل فاکولته اقتصاد شده و در سال ۱۳۴۰ بعد از فراغت از فاکولته اقتصاد بوزارت مائیه بحث مامور مقرر گردید و به تعقیب آن بوزارت پلان در بخش احصائیه تبدیل و بعد از اجرای ۱۷ سال خدمت شامل کدر علمی اکادمی علوم افغانستان گردید و به اخذ دو رتبه علمی معاون سرمحقق و سرمحقق نایل گردیده است.

تحصیلات

- ۱- لیسنس فاکولته اقتصاد پوهنځون کابل
- ۲- دیپلوم ماستری از دانشگاه تهران، ایران
- ۳- معادل دیپلوم ماستری از هالند
- ۴- ده ها سرتیفیکیت از کشورهای خارجی (ایران، امریکا، هند، هالیند، حرمی، انگلستان، ترکیه، تاجکستان، مالیزیا) و از داخل کشور (احصائیه مرکزی، وزارت پلان، وزارت مائیه، پوهنځون کابل) و غیره اخذ نموده است.

تألیفات

الف : کتب :

- ۱- مبادی علم احصائیه.
- ۲- سیر و انکشاف قیمت ها در افغانستان.
- ۳- تحلیل وضع تجارت خارجی افغانستان در دو دهه اخیر.
- ۴- تأثیرات تغییر ارزش پول در معاملات اقتصادی.
- ۵- مطالعه و تحلیل وضع دموگرافی افغانستان.
- ۶- اداره و محاسبیت.
- ۷- میندولوژی شاخص قیمت در افغانستان.

آثار مذکور باید در اوقات معین آن بجا می رسید ولی نسبت جنگ های دو دهه اخیر کشور جاب اینها به تعویق افتاد اکنون نظر به لزوم دید مقام اکادمی علوم جهت استفاده از آن به جاب اثر های مذکور تاکید شده که از جمله آن جاب این اثر میباشد.

ب: اثر های چاپ شده :

بیشتر از ۱۲۰ اثر علمی موصوف که بیشتر مربوط بخش های اقتصادی، و مسایل اداری میباشد در محلات مربوط اکادمی علوم وزارت مائیه، افغانستان بانک، وزارت تجارت، و سایر روزنامه ها مساند بجا رسیده است.

سفرهای رسمی : اشتراک در سمینار های و کتاب ها و کورس های علمی و تجربی کشورهای امریکا، انگلستان، ایران، حرمی، هالیند، ترکیه، تاجکستان، هند، مالیزیا، و سایر کشورهای دیگر.

Islamic Republic of Afghanistan
Academy of Sciences
Central of the Social Sciences
Institute of Economic

Effects of the Vature of
Money in Economic
Activities

By: Senior Researcher M.Nasser Stanikzai

Year:

2004